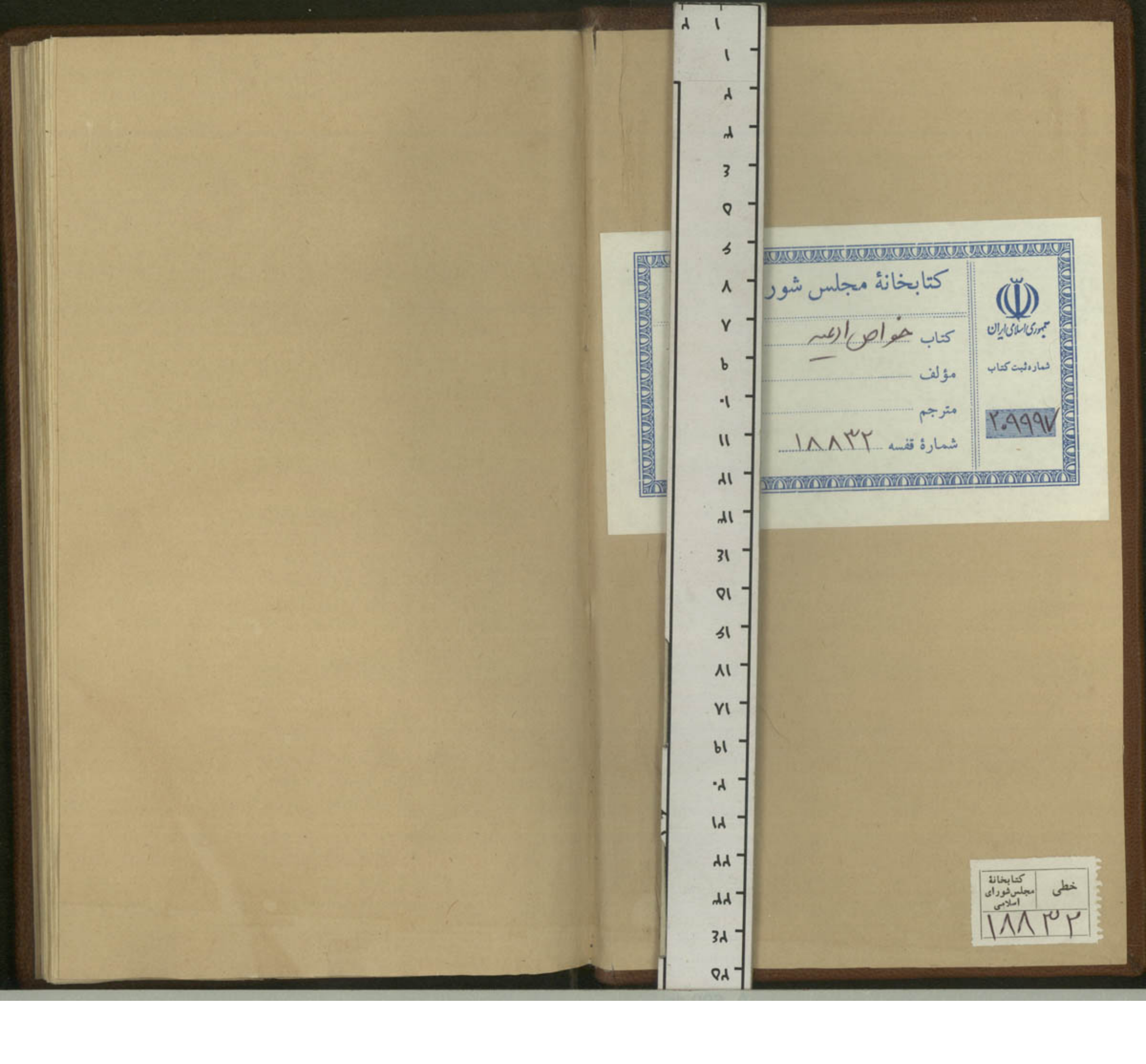





کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
شمارهٔ ثبت کتاب
۲۰۹۹۹۷
کتاب خواص ادعیه
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۸۸۳۲
خطی
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
۱۸۸۳۲

باب دوم در حسنات و در حدیث قدسی آمده که حق تعالی فرموده که هر که

بسم الله الرحمن الرحیم مفتتح بفاتحة الکتاب بکار بخواند او را بیامرزم و حسنات
او را قبول کنم و از سیئات او محو گردانم و زبان او را با آتش دوزخ نسوزم و ایمن گردانم
و او را از عذاب قبر و قیامت و فزع اکبر ایمن باشد و جمال جهان آرای بی چون و بیچگونه ببیند
و خواص بسیارست اما مختصر کردم فی الحسنة و حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که هر کس سورهٔ فاتحه بخواند از روی ثواب چنان باشد که توریت و انجیل و زبور
و فرقان تلاوت کرده باشد ایضاً در صحیح مسلم بروایت ابو امامه باهلی آورده
که محمد صلعم فرموده که بخوانید سورة البقره و سورهٔ آل عمران را که ایشان بیایند در روز
قیامت چون دو پارهٔ ابر یا چون دو سایه‌بان و یا همچون جماعت مرغان بال گشاده
باشند و حجت میگویند از جهت قاریان خود مجادله می‌کنند بجهت ایشان و در روایه
دیگر آمده شفاعت میکنند قاریان خود را و در خبرست که هر کس که سورهٔ آل عمران بخواند حق
تعالی او را ثواب هزار شهید کرامت کند منقولست که هر کس سورهٔ آل عمران
بخواند بهر حرفی او را ایمنی باشد بر صراط ایضاً حضرت رسول صلوات الله و سلامه
فرموده که هر کس که سورة النسا بخواند همچنان باشد که صدقه داده باشد بعدد هر مؤمنی
که میراث یافته باشند از مرد و زن و چنان باشد از روی ثواب که بنده
آزاد کرده باشد از روی ثواب از آن جماعت باشد که مشیت حق است که گناه
ایشان عفو کند و جرم ایشان را ببخشد ایضاً حضرت محمد صلعم فرموده
که هر کس که سورهٔ مایده بخواند او را ده حسنه بدهند و ده سیئه از نامهٔ اعمال محو کنند
و ده درجهٔ بلند باو کنند بعدد هر یهودی و نصرانی که در دنیا نفس میزنند و از امام
جعفر الصادق علیه السلام منقولست که هر که این سوره را جمعه بکار بخواند حق سبحانه
و تعالی او را اهل بهشت او را از عذاب نگاهدارد و در کفعمی مذکورست که هر که
این سوره را بنویسد و در منزل خود و یا صندوق گذارد هر گز چیزی از وی دزدند ایضاً
حضرت محمد مصطفی علیه الصلوة و السلام فرموده که سورهٔ انعام یکبار به من نازل
شده و هفتاد هزار فرشته تسبیح‌کنان از برای او آمده‌اند آنحضرت فرمود
که هر که سورهٔ انعام بخواند و در میان خواندن سخن نگوید حق تعالی همه گناهان گذشتهٔ او را بیامرزد
ایضاً حضرت محمد صلعم فرمود که هر که سورة الانفال و برائة بخواند من او را شفاعت کنم
در روز قیامت در روز قیامت و گواهی دهم که او از نفاق بیزارست و حق تعالی

و خدا تعالی او را بعدد هر منافق و منافقه ده حسنه دهد و مادام که در جیوه باشند
حمله عرش او را آمرزش خواهند ایضاً رسول صلعم فرموده که هر کس که سوره
یونس بخواند خدا تعالی او را ده نیکی بدهد بعدد هر کس که ایمان آورده بیونس علیه السلام و بعدد
هر کس که تکذیب کرده یونس را و بعدد هر کس که غرقه شده با فرعون ایضاً حضرت
پیغمبر صلعم فرموده که هر کس که سوره هود بخواند او را ده حسنه دهند بعدد هر کسی که ایمان
آورده بنوح و هود و صالح و شعیب و لوط و ابراهیم و موسی علیهم السلام و بعدد هر کسی که
تکذیب کرده باشند ایشان را در روز قیامت از جمله نیکبختان باشند ان شاء الله تعالی
ایضاً حضرت پیغمبر صلعم فرمود که هر کس که سوره رعد بخواند او را ده حسنه بنویسند
بعدد هر ابری که در عالم بوده و بعدد هر ابری که تا روز قیامت باشد و مبعوث شود تا
روز قیامت باشد و در زمره آنجماعت که بعهد خدا تعالی وفا کرده باشند ایضاً
پیغمبر صلعم فرمود که هر که سوره ابراهیم بخواند الله تعالی او را ده حسنه دهد بعدد هر کسی که
بت پرستیده باشد و بعدد هر که بت نپرستیده باشد ایضاً رسول صلعم فرمود
که هر کس که سوره بنی اسرائیل بخواند و چون بذکر پدر و مادر رسد رقتی در دل او پیدا شود و آب از چشم
او روان گردد مر او را در بهشت هزار قبه دهند هر قبه بهتر از دنیا و هر چه در دنیا ست ایضاً
رسول فرموده صلعم هر کس که سوره الکهف بخواند نوری بوی دهند از موضع او تا مکه معظمه و چهار ده
گناهان که از و واقع شود تا جمعه دیگر و سه روز زیاده هفتاد هزار ملک آمرزش وی خواهند و او را
تا صبح از بلاها و از دردها و برص و جذام و فتنه دجال ایمن گردد و از امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که هر کس که روز یا شب جمعه سوره الکهف بخواند تا جمعه دیگر در حفظ امان
حق تعالی بوده باشد و از همه بلاهای و اگر ... گذارده باشد ایضاً رسول فرموده هر کس که
سوره مریم بخواند خدا تعالی او را ده حسنه دهد بعدد هر کس که تکذیب کرده ذکریا و یحیی و سایر
انبیا که درین سوره مذکوراند و بعدد هر کسی که تصدیق ایشان کرده ایضاً در حدیث
صحیح واقع شده که هر کس که سوره حم و طه بخواند بعدد ثواب مهاجرین و انصار
دهند ایضاً پیغمبر فرمود صلعم هر کس که سوره اقترب للناس بخواند روز قیامت
حساب بر و آسان کنند و چنان باشد که مصافحت کرده باشد او را و سلام کرده بر وی هر
پیغمبری در قرآن نام او در قرآن مذکور است ایضاً از حضرت پیغمبر صلعم فرموده که هر کس که
سوره حج بخواند او را ثواب حج و عمره دهند و بعدد هر کسی که حج و عمره گذارده باشد
و بعدد هر کسی که حج و عمره نگذارد بعد از این ایضاً از رسول صلعم فرموده که هر کس که سوره المؤمنون

بخواند

بخواند در وقت نزول ملک الموت بود و فرشتگان او را بشارت دهند بروح و ریحان و به
چیزی که بان روشن شود ایضاً از حضرت رسول صلعم فرمود هر کس که سوره نور بخواند
او را ده حسنه دهند بعدد هر مومنی و مومنه که بوده است و خواهد بود ایضاً رسول
فرمود صلعم فرموده که هر کس که سوره فرقان بخواند روز قیامت فرشتگان گواهی دهند
که وی مومن از دنیا بیرون رفته و به بهشت درآید بی رنج و بی زحمت و در روایتی دیگر
آورده است که هر کس که سوره فرقان بخواند بی حساب در بهشت درآید ایضاً رسول فرمود
صلعم هر کس که سوره شعرا بخواند او را ده حسنه دهند بعدد هر کس که تصدیق کرده است
نوح و هود و شعیب و صالح و ابراهیم را و بعدد تکذیب کرده عیسی علیه السلام را و تصدیق
کرده محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم ایضاً پیغمبر صلعم فرموده هر کس که سوره طس سلیمان
بخواند او را ده حسنه باشد بعدد هر کس که تصدیق سلیمان و هود و شعیب و ابراهیم کرده
باشد و بعدد هر کس که تکذیب ایشان کرده باشد و از قبر بیرون آید و کلمه لا اله الا الله میگفته باشد
ایضاً رسول فرمود صلعم هر کس که سوره قصص بخواند او را ده حسنه دهند بعدد هر کس که تصدیق موسی علیه السلام
کرده و بعدد هر کس که تکذیب کرده و هر فرشته که در آسمان باشد و در زمین نیز روز قیامت
گواهی دهند که خواننده آن سوره از صادقانست ایضاً رسول فرمود صلعم که سوره عنکبوت
بخواند الله تعالی او را ده حسنه باشد بعدد هر مومنی و منافقی که در دنیا باشد ایضاً رسول
فرمود صلعم هر کس که سوره روم بخواند او را ده حسنه باشد بعدد هر فرشته که خدا تعالی
را تسبیح گوید در میان آسمان و زمین و دریابد آن اوقات شود که در شب و روز
ضایع کرده باشد ایضاً رسول فرمود صلعم هر کس که سوره لقمان علیه السلام بخواند
روز قیامت رفیق لقمان باشد و او را ده حسنه دهند بعدد هر کس که امر معروف و نهی منکر
کرده باشد ایضاً رسول فرموده صلعم هر کس که سوره الم تنزیل و سوره تبارک الذی بیده الملک
بخواند همچنان باشد که شب قدر را احیا کرده باشد ایضاً از رسول صلعم فرموده هر کس که سوره
الاحزاب بخواند و اهل و مملوک خود را تعلیم کند از عذاب قبر ایمن گردد ایضاً رسول فرمود صلعم
هر کس که سوره فاطر بخواند روز قیامت هشت در بهشت بروی بگشایند و او را گویند از هر در که خواهی
درآی ایضاً از رسول صلعم روایت منقول که هر چیزی را دلیست و دل قرآن سوره یس است
هر کس که بخواند خاصه از برای خدا تعالی ... او را چنان باشد که از وی ثواب که بیست
دو بار قرآن تمام خوانده باشد و نیز فرمود پیغمبر صلعم که در قرآن سوره ایست که شفاعت کند
مر خواننده خود را و خدا تعالی بیامرزد مر شنونده آنرا و آن سوره یس است و نیز فرموده

که هر کس که هر روز بخواند حق سبحانه و تعالی روز قیامت با وی حساب نکند و نیز فرموده هر کس که
سورهٔ یس در روز یا در شب بخواند خدای تعالی او را توفیق دهد که در آن شبانروز معصیت
نکند و در بعضی روایات آمده است هر کس این سوره را بر خوانندگان باشد که هزار دینار
در راه خدای تعالی صدقه داده باشد ایضاً رسول فرمود صلعم هر کس که سورهٔ والصافات
بخواند خدای تعالی او را ده حسنه دهد بعدد هر پری و دیوی که در دنیاست و دیوان
همه از وی جدا و دور شوند و از شرک بری شود و آن دو فرشته که بر وی نگاهبان اند
گواهی دهند در روز قیامت که او تصدیق کرده پیغمبران را ایضاً رسول فرمود صلعم
هر کس که سورهٔ ص بخواند او را ده حسنه دهند بوزن هر کوهی که مسخر داود بوده
و او را نگاه دارد از آنکه بر گناه صغیره و کبیره اصرار نماید ایضاً رسول فرمود صلعم
هر کس که سورهٔ زمر را بخواند روز قیامت خدای تعالی او را نومید نکند و او را ثواب
اهل خوف دهد ایضاً رسول فرمود صلعم که سورهٔ حم المؤمن بخواند همه انبیا و صدیقان
و شهیدان و جمیع مؤمنان او را دعا کنند و بجهت او آمرزش خواهند و نیز
فرمود پیغمبر صلعم که هر کس که حوامیم بخواند درهای دوزخ بر روی وی ببندد و درهای بهشت
بر وی بگشایند ایضاً رسول فرمود صلعم هر کس که سورهٔ حم سجده بخواند خدای تعالی او را
بهر حرف ده حسنه بدهد ایضاً رسول فرمود صلعم هر کس که سورهٔ حم عسق بخواند
از جملهٔ کسانی باشد که ملایکه بر وی صلوات فرستند و آمرزش خواهند و بجهت او طلب
رحمت کنند ایضاً رسول فرمود صلعم هر کس که سورهٔ زخرف بخواند از جملهٔ آنکسانی باشد
که در روز قیامت ایشان را گویند ای بندگان من شما را امروز ترسی و اندوهی
نیست در آیید در بهشت بی حساب ایضاً رسول فرمود صلعم هر کس که سورهٔ دخان بخواند
در شب یا صباح کند آمرزش میخواهند برای وی هفتاد هزار فرشته ایضاً رسول صلعم
فرمود هر کس که سورهٔ جاثیه بخواند الله تعالی معایب او بپوشد و در وقت حساب
کردن در روز قیامت ترس از دل وی بیرون رود ایضاً رسول فرمود صلعم هر کس که
سورهٔ الفتح بخواند او را ثواب آنکسان بدهد که با محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم
در فتح مکه معظمه حاضر شده باشد ایضاً رسول فرمود صلعم هر کس که سورهٔ الحجرات بخواند او را
مزد دهند بعدد هر کسی که فرمان حق سبحانه و تعالی برده اند و بعدد هر کس که نافرمانی کرده است
ایضاً رسول فرمود صلعم هر کس که سورهٔ ق بخواند خدای تعالی سکرات موت بر وی آسان کند
ایضاً رسول فرمود صلعم هر کس که سورهٔ الذاریات بخواند خدای تعالی او را ده حسنه بعدد

مردی که وزیده است ایضاً حضرت رسول فرمود صلعم هر کس که سورهٔ والطور بخواند
حق است او را بر خدای تعالی که او را ایمن گرداند از عذاب دوزخ و نعیم جنت کرامت کند ایضاً
رسول فرمود صلعم هر کس که سورهٔ النجم بخواند الله تعالی او را ده حسنه دهد بعدد هر کس که محمد مصطفی صلعم
ایمان آورده است و بعدد هر کس که او را انکار کرده ایضاً از رسول فرمود صلعم هر کس که سورهٔ
القمر ورد خود سازد یک روز بخواند و دیگر روز بخواند برانگیزد الله تعالی روز قیامت او را
با روئی چون شب چهاردهم باشد ایضاً پیغمبر فرمود صلعم هر کس که سورهٔ الرحمن بخواند الله تعالی رحم
کند بر ضعیفی و عاجزی او ایضاً از حضرت پیغمبر صلعم مرویست که هر کس که سورهٔ الواقعه
بعد از نماز مغرب بخواند دوست دارد او را الله تعالی و نیز مردمان بیگانه را دوست
وی گردانند و در دنیا سختی و فقر و فاقه نکشد ختم سوره مذکور چهل و یکبار بجهت
گشاده شدن روزی بخواند ایضاً سورهٔ الحدید هر که بخواند پیش از آن که خواب کند
نمیرد تا در خواب نه بیند حضرت پیغمبر را و هر گاه که بمیرد در جوار محمد مصطفی صلعم باشد ختم سوره
هفت بار بجهت کارها بخواند ایضاً رسول فرموده صلعم هر کس که سورهٔ المجادله
بخواند او را بنویسند از حزب الله در روز قیامت ایضاً رسول فرمود صلعم
هر که حشر بخواند خدای تعالی گناهای ما تقدم و ما تاخر او را بیامرزد و فرمود صلعم که هر که
سورهٔ حشر بخواند عرش و کرسی و بهشت و آسمان و زمینها بر وی آفرین کنند و بجهت
وی استغفار خواهند و شهید بمیرد و نیز فرمود امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
که در شب سورهٔ حشر بخواند تا در دنیا است از تو باز نماند ایضاً رسول فرمود صلعم
هر کس که سورهٔ الممتحنه بخواند جمیع مؤمنین و مؤمنات او را شفاعت کنند در روز قیامت
ایضاً رسول فرمود صلعم هر کس که سورهٔ صف بخواند مادام که در دنیا باشد عیسی ع بجهت
او آمرزش خواهد و بر وی دعا و امر خیر کند و روز قیامت رفیق عیسی ع باشد ایضاً رسول
فرمود صلعم که هر کس که سورهٔ جمعه بخواند او را از ده حسنه دهند بعدد هر کس که در
نماز حاضر شده و بعدد هر کس که حاضر نشده در شهرها ایضاً فضیلت سورهٔ المنافقون هر کس که بخواند
شفیع باشد مر او را در قیامت و گواه عدالت نزد آنکه اجازت کند شهادت او را و از
مفارقت نکند تا او را به بهشت برد و از شرک منافقات ایمن باشد ختم سوره مذکور
صد و هشت بار بجهت دفع غمازان و ساحران بخواند ایضاً فضیلت سورهٔ التغابن
هر که بخواند شفیع باشد در قیامت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم ختم سوره مذکور
هفت بار برای دفینه نهادن در زمین بود هم از دزد راه برد ایضاً فضیلت سورهٔ الطلاق
و سورهٔ التحریم در فضیلت بخواند الله تعالی پناه دهد او را از آتش دوزخ در روز قیامت از آنکه ترسیده

باشد و در آورده در بهشت ختم سوره مذکور سه بار جهت متفرقه شدن از خویشان بخواند
الله تعالی او را باز بجمعیت رساند بخویشان از تفرقه شدن بخواند ایضاً رسول فرمود صلعم
هرکه سوره التحریم الله تعالی او را توبه نصوح دهد ایضاً رسول فرمود صلعم هرکه سوره
تبارک بخواند همچنانست که شب قدر احیا کرده باشد و نیز فرموده که هرکس که سوره ملک
بخواند از وی ثواب جان کنده شد که همه گناهان وی خدای تعالی خوانده باشد و بهر آیتی
او عبادتی سالی بعطا او را عذاب گور نبود ایضاً رسول فرمود صلعم که هرکس که سوره
القلم بخواند خدای تعالی بدهد او را ثواب آنکسانی که ایشان نیکو اخلاق کرد اینده است
ایضاً رسول فرمود صلعم هرکس که سوره الحاقه بخواند خدای تعالی با او حساب آسان کند
ایضاً و رسول فرمود صلعم سوره سأل سائل بخواند الله تعالی او را ثواب آنکسان
دهد که امانت و عهد نگاه دارند ایضاً فضیلت سوره نوح هرکه بخواند الله تعالی او را با سایر
ابرار ساکن گرداند و او را در بهشت کرامت کند با دوست حور عین ختم سوره مذکور هزار
و یکبار به نیت هلاک دشمن بخواند که بر حق باشد او را هلاک گرداند ایضاً رسول صلعم
هرکس که سوره الجن بخواند او را بعدد هر جنی که تصدیق محمد مصطفی صلعم کرده است و بعدد هر جنی
که تکذیب او کرده باشد ثواب بنده آزاد کرده ایضاً فضیلت سوره المزمل
هرکه بخواند الله تعالی دشواری دنیا و آخرت ازو بردارد ختم سوره مذکور صد و هفت
بار بخواند برهنگی تن بخواند ایضاً رسول صلعم هرکس که سوره المدثر بخواند الله تعالی او را
ده حسنه بهر عدد هرکس که تصدیق کرده باشد محمد مصطفی صلعم را و بعدد هرکس که
تکذیب او کرده باشد از اهل مکه معظمه ایضاً فضیلت سوره المزمل هرکس که بخواند
الله تعالی دشواری دنیا و آخرت ازو بردارد ختم سوره مذکور صد و هفت بار بجهت برهنگی تن
بخواند ایضاً رسول فرمود صلعم هرکه سوره القیمه بخواند من و جبرئیل گواهی دهیم در روز
قیامت که او ایمان داشته باین روز ایضاً فضیلت سوره الدهر هرکه بخواند
حق بهشت و حور و قصور روزی او کند ختم سوره مذکور همشیها [illegible] جهت
ثواب [illegible] را داده باشد بخواند ایضاً فضیلت سوره المرسلات
هرکه بخواند از [illegible] کان او را بنویسند ختم سوره مذکور صد بار بخواند [illegible]
نویسند فردای قیامت ایضاً فضیلت سوره النبا که هرکه بخواند حق تعالی از شراب خنک
بهشت بخوراند ختم سوره مذکور بعد از نماز عصر یکبار بخواند حق تعالی او را [illegible]
بخشد ایضاً فضیلت سوره النازعات هرکه مداومت نماید سکرات [illegible] آسان
شود و سیراب بمیرد و در بهشت [illegible] ختم سوره مذکور بیست و یکبار بخواند در وقت

نزع ایمان بسلامت برد ایضاً فضیلت سوره عبس هرکه بخواند فردای قیامت
در سایه رحمت الهی باشد و کرامت یابد ختم سوره مذکور هزار بار جهت بینایی چشم روز قیامت
و درماندگی در دست دشمنان بخواند ایضاً رسول فرمود صلعم هرکه سوره التکویر
بخواند خدای تعالی او را حسنه دهد بعدد هر قطره که از آسمان بزمین آید ختم سوره مذکور
جهت دفع بلا و بوقت درماندگی بیست و یکبار بخواند و نیز گشادگی کار بخواند
ایضاً رسول فرمود صلعم سوره الانفطار بخواند او را حسنه دهد بعدد هر قطره که از آسمان
بزمین آید ختم سوره مذکور بوقت و دفع دشمن هزار بار بخواند ایضاً فضیلت سوره
المطففین هرکه پیوسته بخواند خدای تعالی از جهیم با ما نگاه دارد و فردای قیامت از
آتش دوزخ ایمن باشد ختم سوره مذکور هفت بار جهت دفع گرسنگی و کم گریستن کودکان
بخواند ایضاً فضیلت سوره انشقت خواننده سوره را الله تعالی در پناه خود نگاه دارد
ختم سوره مذکور همیشه وقت درد زه بخواند ایضاً رسول فرمود صلعم هرکه سوره البروج
بخواند الله تعالی او را بعدد هر روز جمعه و هر روز عرفه که در دنیا شده ده حسنه کفایت کند ختم
سوره مذکور جهت دفع بدگویان سه بار بخواند ایضاً رسول فرمود صلعم هرکه سوره
الطارق بخواند بعدد هر ستاره که در آسمان است الله تعالی او را ده حسنه دهد و بجهت دفع
جن و پری هم بخواند ایمن شود ایضاً رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم هرکه سوره الاعلی
بخواند او را ده حسنه دهد بعدد هر حرفی که خدای تعالی بر محمد مصطفی صلعم و بر ابراهیم علیه
و فرستاده و بر موسی ع و بر عیسی ع فرو فرستاده و ختم [illegible] نویسند بجهت سلامت
از سفر باز خانه آمدن بخواند ایضاً رسول فرمود صلعم هرکه سوره الغاشیه بخواند الله تعالی
او را در قیامت حساب آسان گرداند و بجهت پادشاه مخالف یکبار بخواند ایمن گردد
ایضاً فضیلت سوره الفجر هرکه بخواند الله تعالی او را بیامرزد و هرکه سایر ایام بخواند او را در
روز قیامت نوری حاصل شود از امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که هرکه در فرایض و نوافل بخواند
فردای قیامت با امام حسن بن علی علیه السلام در بهشت باشد و بجهت دفع [illegible] هفت بار بخواند
آفت باد و ترس ایضاً رسول فرمود صلعم هرکه سوره البلد بخواند الله تعالی او را در [illegible]
از غضب خود ایمن گرداند و در دین مشهور شود و از حالها در آخرت معروف گردد که او را
نزد الله تعالی قرب و مکانتست با پیغمبران و بجهت مراجعت از سفر و دخول بلده [illegible] بار بخواند
ایضاً رسول فرمود صلعم هرکه سوره الشمس بخواند از روی ثواب که صدقه داده باشد
بعدد بر هرچه آفتاب و ماه پرتو می تابد در روایتست که بوقت طلوع آفتاب یکبار بخواند
الله تعالی او را از آفات نگاه دارد ایضاً فضیلت سوره اللیل که بخواند آنقدر بدهد که راضی شود

وارد شواری اورا عاقبت دهد بجهت حفظ مال صد و بیست بار بخواند ایضاً فضیلت
سوره الضحی خواننده شفاعت محمد روز دهد و بوقت کم شدن چیزی و گریختن بنده یکبار
بخواند باز پیدا شود ایضاً فضیلت سوره الم نشرح هر که بخواند از کل غم حضرت پیغمبر صلعم برده
باشد و شادمان کرده باشد و بجهت آسانی مهمات چندانکه تواند بخواند ایضاً فضیلت
سوره التین خواننده را عاقبت یقین روزی دهد ختم سوره مذکور هر صباح چهل و یکبار بخواند
تا نیک از عالم غیب چیزی بوی نازل شود ایضاً فضیلت سوره العلق مانند کسی
که درخت در شب یا در روز چون بمیرد شهید مرده باشد مانند کسی که در خدمت پیغمبر صلعم
جهاد کرده باشد بجهت خوف از سلاطین سه بار بخواند ایمن شود ایضاً رسول فرمود صلعم
هر کس که سوره القدر بخواند از روی ثواب چنان باشد که تمام ماه رمضان روزه
داشته باشد و شب قدر احیا کرده باشد و مردولت این سوره در فرایض بخواند حق تعالی
ندا کند که عبد الله گناهان تو آمرزیده شد مدرگاه غفار الذنوب و بجهت
پیمایی چشم بیست و یکبار بخواند و دیگر بجهت برآمدن ... بلغکسیر هم بخواند
باین عدد که مذکور شد ایضاً فضیلت سوره البینه هر که بخواند حق تعالی اورا در
روز قیامت در زمره خیر البریه محشر گرداند و بجهت قبول طاعات بیست و یکبار بخواند
ایضاً رسول فرمود صلعم هر که سوره الزلزال بخواند چهار بار از روی ثواب قرآن
تمام خوانده باشد و بجهت چشم بزرگ چهل هزار بار به نیت بخواند ایضاً سوره العادیات
بخواند ... در روز قیامت با علی علیه السلام برانگیزانند و انیس
و جلیس وی باشد و بجهت چشم زخم سه بار بخواند ایضاً فضیلت سوره القارعه
خواننده در روز قیامت ترازوی وی از کردار روی خوب گران بار باشد بجهت ساز واری
میان زن و شوی صد و شصت بار بخواند ایضاً فضیلت سوره التکاثر الله تعالی خواننده
را در روز قیامت از هر نعمتی که بوی داده حساب نکند و بجهت نگاهداشتن بلا از تن
سه بار بخواند ایضاً رسول فرمود صلعم هر که سوره العصر بخواند گناهان اورا امرزیده بشوند
و در قیامت روی او نورانی باشد وی حساب در بهشت رود و بجهت ... دفع
درد شکم هشتاد و پنج بار بخواند ایضاً رسول فرمود صلعم هر که سوره الهمزه بخواند اورا
چنان ثواب بود که هم سنگ کوه احد زر صدقه داده باشد و بجهت دفع بد گویان
و غمازان بخواند ایضاً فضیلت سوره الفیل خواننده از خسف و مسخ ایمن باشد و بجهت دفع
دشمنان این سوره هزار و دویست بار در میان شام و عشا بخواند ایضاً رسول فرمود صلعم
هر که سوره القریش بخواند الله تعالی اورا حسنه دهد بعدد هر کسی که خانه کعبه طواف کرده باشد

و بعد

و بعد دهم کسی که آنجا معتکف شده باشد فضیلت او اینست روزی سه بار
بخواند چنان باشد که ختم قرآن کرده باشد ختم سوره مذکور هر روز هفتاد بار
بخواند بجهت ... وسعت رزق ... و بی‌احتیاجی ... ایضاً فضیلت سوره
الماعون در نماز فریضه و نوافل بخواند حق تعالی نماز و روزه وی قبول کند ختم سوره
مذکور چهل و یکبار بجهت آنکه فرزندان را از بلا ایمن داشتن بخواند ایضاً
فضیلت سوره الکوثر هر که بخواند الله تعالی از انهار در جنت اورا آب
دهد ختم سوره هزار بار به نیت آنکه حق تعالی اورا آب کوثر بخوراند ایضاً
رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که سوره الکافرون بخواند همچنان باشد که ربع قرآن
خوانده باشد و شیطان از و دور شود ختم سوره هر روز سه بار بخواند از جهت داشتن
ایمان ایضاً رسول فرمود صلعم هر که سوره النصر بخواند اورا ثواب دهند با محمد مصطفی صلعم
در فتح مکه معظمه حاضر شده باشد و نیز فرموده که این برابری می‌کند با ربع قرآن
ایضاً در خبر است از سرور کائنات هر که سوره تبت بخواند اورا بیزاری نامه
از دوزخ دهند ختم سوره بیست بار بجهت دفع دشمن بخواند ایضاً از رسالت پناه
محمد مصطفی صلی الله علیه و آله مرویست که سوره اخلاص بخواند برابری می‌کند با ثلث قرآن
هر که آنرا با اخلاص بخواند ... حرام گرداند الله تعالی گوشت اورا بر آتش دوزخ
ختم سوره هر روز سه بار در حبس بخوانند ایضاً حضرت پیغمبر صلعم فرمود که معوذتین
هر که بخواند همچنان باشد که همه کتابها که الله تعالی فرستاده است خوانده باشد و در دست
هر که سوره الفلق بخواند جمیع ... از وی خشنود شوند و ختم سوره هر روز سه بار از دو ...
شیطان و دشمن حاسدان نگاه دارد و مرویست سوره الناس حضرت محمد مصطفی صلعم
فرموده یا علی در گور او در رحمت بگشایند گویا که هر روز صد هزار دینار در راه خدا
صدقه داده ... در پناه خود آنکس را نگاه دارد و الله اعلم بالصواب

باب سیوم در دفع تلبیات و حفظ اولاد الصغار و دفع دشمن

حضرت محمد صلی الله علیه و سلم هر کس که بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوة الا
بالله العلی العظیم بر زبان بگرداند الله تعالی از وی هفتاد نوع بلا بگرداند و دفع کند
دیگر مربع محبوب او دفع کند حمی و طریقه اش آنکه بسم الله الرحمن الرحیم
بر صورت مربعی بنویسد و در داخل آن مربع بنویسد حسبنا الله و نعم الوکیل
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم یا حی لا تعذب فلان بن فلانه
باذن الله تعالی باین صورت بنویسد و آنرا در زیر سر آن بیمار نهد شفا یابد و آن بکرات

تجربه شده است بیقین حاصل اید فرموده حضرت رسالتپناه مصطفی صلعم

که چون کسی را چشم درد کند و یا در بینای ضعیفی پیدا شده باشد در اول ماه چون هلال نو بیند دست راست بر چشمهای خود مالد و ده بار سوره فاتحه بخواند در اول تسمیه و در آخر امین و بعد از ان هفت بار سوره اخلاص بخواند و بعد از ان هفت

یا حی ولا حول
العلی العظیم
۲۹۱۳۳

بار بگوید شِفَآءٌ مِن کُلِّ دَآءٍ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ بس پنج بار بگوید یَارَبِّ و بس بگوید قُوَّةً بَصَرِی اللّٰهُمَّ عَافِ اَنْتَ العَافِی ان درد و ضعف بصحت مبدل گردد امام جعفر صادق علیه منقولست که فرموده هر که سوره فاتحه چهل بار بخواند بر قدح آب و ان اب را بر روی کسی که او را تب گرفته باشد بریزد تب از و زایل گردد بقدرت الله تعالی و هر کسی که فاتحة الکتاب در ظرف پاک بنویسد و ازا بروغن گل در گوش چکانند درد گوش زایل گردد و از بعضی صحابه منقولست که چون حروف ال م ص ر ک ه ی ع ط س ح ق ن بر صادیق انهند و امتعه و اطعمه و در ها و دیوار ها و سرا ها و بوستانها نویسند الله تعالی انها را از دزد و آفات و عاهات محفوظ دارد و از شیخ شرف الدین یونی رحمه الله علیه منقولست هر که این کلمات سوره عنی مکرر در روز شنبه بعد از نور و ر نویسد و با آب پاک بشوید و بخورد در ان سال از درد چشم ایمن باشد و کلمات اینست الم المص الر المر کهیعص طه طسم یس حم عسق ق ن دفع بواسیر قوله تعالی وَاِذْ یَرْفَعُ اِبْرٰهِیمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَاِسْمٰعِیلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا اِنَّکَ اَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ و چون کسی را بواسیر باشد این آیه بر بلور نویسد از زعفران و گلاب و ازا باب انگور بشویند اندکی کافور و گهربا و مشک سوده با ان اضافه کند و بخورد ان مرض از و زایل شود قوله تعالی قَدْ نَرٰی تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّمَآءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَةً تَرْضٰیهَا فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَیْثُ مَا کُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهٗ وَاِنَّ الَّذِینَ اُوتُوا الْکِتَابَ لَیَعْلَمُونَ اَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا یَعْمَلُونَ این آیه لقوه و فالج و تشنج را نافع است بگیرد جام رویین که از انک جلا داده باشند و روشن کرده این آیه را دران بنویسند بگلاب و پاک بشویند و صاحب لقوه

و فالج و تشنج

و فالج و تشنج دیرند ان امراضها زایل شود در جامع ترمذی که حضرت پیغمبر صلعم فرموده که اگر آیة الکرسی در میان مال و اقمشه نهند و یا بر فرزندان بندند از همه بلاها محفوظ مانند و در خبر است که هر کس که هر صباح آیة الکرسی و یا در شب در امان حق باشد و شیخ ابو العباس یونی گفته که بجهت حفظ اولاد صغار از همه آفات بنویسند و بر گردن ایشان بندند محفوظ باشند و بجهت تب گرفته بنویسند و بر و بندند تخفیف حمی شود و بعضی علما گفته اند اگر این آیه را در ظرفی بنویسند و با آب کرفس بشویند و بمستسقی دهند شفا یابد در روایتیست که روزی کسی پیش عبد الله عباس آمد و گفت شکم من درد می کند گفت آیة الکرسی بزعفران بر شکم خود بنویس و آنرا بشوی و در قدحی کن و بخور چنان کرد شفا یافت قوله تعالی اَوْ کَالَّذِی مَرَّ عَلٰی قَرْیَةٍ وَهِیَ خَاوِیَةٌ عَلٰی عُرُوشِهَا قَالَ اَنّٰی یُحْیِی هٰذِهِ اللّٰهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَاَمَاتَهُ اللّٰهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهٗ قَالَ کَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ یَوْمًا اَوْ بَعْضَ یَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ اِلٰی طَعَامِکَ وَشَرَابِکَ لَمْ یَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ اِلٰی حِمَارِکَ وَلِنَجْعَلَکَ اٰیَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ اِلَی الْعِظَامِ کَیْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَکْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَیَّنَ لَهٗ قَالَ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ هر که این آیه را در ظرف پاک بنویسد و با آب چاه آنرا بشوید و قدری شکر و طرزد پاک بیامیزد هفت روز این آب بمریض دهد عافیت یابد هر نوع مرض که باشد زایل گردد ایضا و اگر آنرا بنویسند و بروغن زیتون بشوید و در دو و حیض بحمام رود و در سر و لحیه مالد چون باین دستور عمل کند موی که ریخته باشد بر آید ایضا و اگر انرا بر کاسه چینی نویسد از چوب انجیر و یا چوب زیتون و با آب باران بهاری بشوید هر کس که آنرا بخورد سختی دل از و برود و رحم بشود و فی الحال یاد گیرد قوله تعالی الٓمّٓ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ نَزَّلَ عَلَیْکَ الْکِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَیْنَ یَدَیْهِ وَاَنْزَلَ التَّوْرٰیةَ وَالْاِنْجِیلَ مِنْ قَبْلُ هُدًی لِلنَّاسِ وَاَنْزَلَ الْفُرْقَانَ چون این آیه را بر کاغذی نویسند بمشک و زعفران و در ا بندند از قصب فارسی پیش از طلوع افتاب و آنرا بموم گیرند و بر گردن طفل بندند از همه آفتها محفوظ باشد بتخصیص از شر دیو و پری و از مرضی که ام الصبیان گویند قوله تعالی رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهَّابُ این آیه را بر خرما یا نایند

نوبت بخوانند و بکسی دهند که اورا درد معده بود تا بخورد شفا یابد از ابن عباس رضی الله عنه
منقولست که چون کسی را کابوس زحمت دهد این آیه شهد الله انه لا اله الا هو
والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ۝
ان الدین عند الله الاسلام بخواند خلاص شود واز آل عمران قوله تعالی افغیر
دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه
ترجعون قل آمنا بالله وما انزل علینا وما انزل علی ابرهیم واسمعیل
واسحق ویعقوب والاسباط وما اوتی موسی وعیسی والنبیون من ربهم
لا نفرق بین احد منهم ونحن له مسلمون ومن یبتغ غیر الاسلام دینا
فلن یقبل منه وهو فی الآخرة من الخاسرین ۝ این آیات را بر ظرف پاک
سفالی باید نوشت وآنرا بآب باران پاک یا بآب شیرین از جایی که آفتاب بران
نیفتد بشویند و بخورد کسی دهند که اورا خفقان بود وضعف دل آن امراض زایل گردد
باذن الله تعالی رام شدن اسب از ابن عباس منقولست که چون اسب بد لگام باشد و در
برنشستن سواری را رنجه دارد گوش راست او بگیرد و در گوش چپ این آیه بخواند
که بصلاح باز آید قوله تعالی وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل
افان مات او قتل انقلبتم این چند کلمه از این آیه بنویسد بر ورقی و بعد
آن بنویسد انقلب یا دم بانف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
واین حروف نیز با آن بنویسد ههج ههج لج هج لج هج لج ههج ههج لحطاس
هوحطاس هی دیبا و یرد امرا از میان دو ابروی کسی که رعاف داشته باشد چون
باز ایستد واگر زنی باشد که اورا استحاضه باشد این آیه را در سه رقعه بنویسد یکی
بر دامن او بپا و یرد واز جانب پیش ویکی هم از دامن او بپا و یرد واز جانب پس ودیگر
چنان بندد که محاذی زیر ناف او باشد وخون باز ایستد باذن الله تعالی واگر این آیه را
تمام بنویسد وباقی این آیه اینست بعد از کلمه انقلبتم انقلبتم علی اعقابکم ومن
ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئا وسیجزی الله الشاکرین
واسماء چهار فرشته مقرب یعنی جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل بر اطراف
آن بنویسد وبا خود دارد مقبول القول گردد واز شر جن وانس ایمن شود
واگر این آیه را نقش کند بر خاتمی از آهن در ساعت شمس از روز یکشنبه وقتی که آفتاب
در شرف باشد وقمر زاید النور هر که آن خاتم در انگشت کند واشاره بمصروع کند بهوش آید

واگر همان خاتم را بر موم زنند وان موم را بخور کند در زیر دامن مستحاضه آن
مرض زایل گردد واگر سوره المائده بنویسند وبشویند و بمستسقی دهند سیراب گردد
واز امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون سوره انعام بمشک وزعفران بنویسد
و بشویند و بخورد شش روز واز درد طحال واز همه امراض خلاص یابد قوله تعالی
وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یمسسک بخیر
فهو علی کل شیء قدیر ۝ وهو القاهر فوق عباده وهو الحکیم
الخبیر ۝ این آیه در شب بوقت سحرگاه بر کاغذی نویسد و بر کسی بندد که اورا درد
پهلو باشد شفا یابد دفع درد سر و تب و سرسام قوله تعالی بدیع السموات
والارض انی یکون له ولد ولم تکن له صاحبة وخلق
کل شیء وهو بکل شیء علیم ۝ وهو علی کل شیء وکیل
لا تدرکه الابصار وهو یدرک الابصار وهو اللطیف
الخبیر ۝ اگر کسی را درد سر بود این آیات بر روغن گل بر جبین او بنویسد و در شش
این آیه بخوانند درد سر زایل گردد واگر موضعی تب بسیار بود این آیات را بر برگهای
انار نویسند و در آتش اندازد در جایی که بی علت بود چنانکه دود آن بهمه کس برسد از آن
تب در امان شود واگر کسی سرسام داشته باشد این آیات را در درون دیگی
را بنویسند وآن دیگ را بر آتش نهند وقدری تخم خشخاش در آن دیگ کنند تا بریان
شود وبسایند بر سر او طلا کنند وهفت روز از آن خشخاش در آن دیگ
بناشتا بخورند هر روز قدری آن سرسام سالم از او زایل گردد دفع مرض دق
وضعف دل وغیره وتمت کلمة ربک صدقا وعدلا لا مبدل لکلماته
وهو السمیع العلیم واگر این آیه را بحروف مقطعه بنویسند و در موم
گیرد و در گلاب اندازد ونبات مصری شیرین کند وهفت روز بکسی دهد که اورا مرض
دق باشد از آن خلاص گردد اگر کسی را ضعف دل باشد انرا بحروف مقطعه بر چینی
چینی نویسند بمشک وزعفران وگلاب و بزبان بلیسد بناشتا هفت روز بدین
دستور عمل کنند آن مرض زایل گردد دفع دشمن اگر دشمن قوی داشته باشد قدری
خاک از سر چهار راه بگیرد واین آیه را هفت بار بران خواند و بر طرف دشمن اندازد
مقهور وخوار و حقیر گردد دفع درد دل وضعف ونزعنا ما فی صدورهم
من غل تجری من تحتهم الانهار وقالوا الحمد لله الذی هدانا لهذا وما

كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَيٰنَا اللّٰهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ اگر این را در ظرف سفال نو که همان لحظه از داش برون آورده باشند بزعفران و گلاب بنویسند و بعد از ان با آب چاه بشویند هر کس که ازان آب بیاشامد درد دل و ضعف ازو زایل گردد **دفع درد دل لقوه و فالج** إِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ هر کس که این آیات بخواند در وقتی که بجامه خواب آید الله تعالی او را از شر ابلیس و اتباع او محفوظ دارد و از لقوه و فالج ایمن گردد **دفع صرع** اگر اسم الله را در ظرف سفالین مکرر بنویسد چندانکه توان نوشت و بآب بشوید و بر روی مصروع ریزد صرع ازو زایل گردد **دفع مرض** اگر کسی را دردی باشد اسم الرَّبُّ وَالْمُمِيتُ بر دست او بنویسد و باین دو اسم دعا می کند ازو درد زایل گردد **دفع درد سر** الْمُصَوِّرُ الْمُبْدِئُ این دو اسم را در پوست آهو بنویسد و هر که درد سر داشته باشد با خود نگاهدارد درد زایل گردد **دفع تب** الْفَعَّالُ الْقَادِرُ اگر بر سبیل امتزاج باین طریق ف ق ع اا د ل د نقش کند بر موم وقتی که قمر تمام النور باشد بآن موم بخور کند در زیر لباس کسی که او را تب گرفته تب ازو زایل گردد **دفع امراض گوش** اگر اسم السَّمِيعُ را بنویسد و بر روغن گل محو کند و در گوش کند هر که درد گوش داشته باشد شفا یابد **دفع تب و افلاج** اسم قَوِيٌّ وَقَائِمٌ در ساعت اول روز یکشنبه بر ورق آهو صد بار بنویسد و آنرا در زیر نگین خاتم نهد چون این خاتم را در آب نهد و آن آب را بکسی دهند که او را حمی مطبقه باشد شفا یابد و اگر این حروف را صد بار بر برگ مورد بنویسد و آنرا در روغن زیت بجوشند و آن روغن را در بدن مفلوج بمالند شفا یابد **دفع بلیات** اگر در آخر روز جمعه الرَّحْمٰنُ وَالرَّحِيمُ بر خاتمی نقش کند و با خود دارد هیچ مکروهی باو نرسد مادام که با او باشد **دفع جذام** و برص و غیره اگر کسی را جذام و برص یا علتی دیگر باشد ایام بیض روزه دارد و در ان سه روز تکرار اسم الْمَجِيدُ کند بر دوام ازان مرض شفا یابد **دفع بیم کلب** عقور و دفع اسهال و غیره الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ بنویسد و بکسی دهند که او را سگ دیوانه گزیده باشد خلاص شود

وَالشَّمْسَ

و اگر انرا بنویسد در صاحب اسهال دهند و چون با خود دارد شفا یابد و اگر بنویسند در روغن زیت اندازد و بمار گزیده نخورد به شود **دفع مرض دل معده** و خفقان دل الْبَدِيعُ النُّورُ اگر حروف این دو اسم را بنویسد مقطعه پنج بار و کسی را که مرض معده یا خفقان داشته باشد با خود نگاهدارد شفا یابد **دفع برسام** الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ این دو اسم بر صاحب برسام بسیار خوانند شفا یابد **دفع امراض** اگر اسم کوید بر پوست نارنج نویسند و بر آتش دود کنند هر دردی که باشد زایل گردد **دفع امراض** شیخ ابو العباس یونی رحمه الله آورده که بر سه پاره کاغذ نویسند یَا غَفُورُ سه بار بر هر بیماری که ... و بر د شفا یابد **دفع لقوه** شَدِيدُ ذُو الْقُوَّةِ وَقَاهِرُ بر آیینه نقش کند و چهل روز هر روز صد بار این اسم بران خوانند چون صاحب لقوه دران آیینه نگاه کند شفا یابد **دفع صداع** اگر کسی ذُو الْقُوَّةِ را باین ذو ال قوة بنویسد شش بار بر پوست آهو در ساعه دوم از روز جمعه و کسی که او را صداع باشد با خود نگاهدارد شفا یابد **جهت حفظ اولاد** شیخ ابو العباس یونی رحمه الله گوید که چون طفل متولد شود سه روز هر روز این اسم الْبَرُّ هفتاد بار بخوانند و باد بران طفل دمد از بلیات محفوظ ماند **دفع همه بیماریها** و امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام فرمود که اسم السَّلَامُ را صد و سی و یک بار بر سر بیمار بخوانند ازان مرض صحت یابد **دفع وسواس** وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ تا آخر آیه إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ١٠ اعراف این آیه جهت دفع وسواس و ترس خیالات مناسب است آنرا بگلاب و زعفران در روز جمعه وقت طلوع آفتاب بر هفت قطعه کاغذ نویسد و هر روز یکی را ازان محو کند و بجرعه آب بر بالای آن بخورد ازان رنج خلاص شود **دفع تب** از غزالی رحمه الله علیه منقولست که شیخ حسن بصری رحمه الله رقعه کاغذ داشت که هر کس که تب داشت آنرا با خود نگاهداشت تب ازو زایل می شد بعد از وفات او دران رقعه ملاحظه کردند این آیات نوشته بودند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يُرِيدُ اللّٰهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **دفع غرق شدن و غیره**

فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب
العرش العظیم از ابو درداء رضی الله عنه منقولست که هر کس که هر روز این آیه را هفت
بار بخواند الله تعالی همه مهمات دینی و دنیایی او را کفایت کند و از غرقه شدن و در آتش
افتادن نگاه دارد و از زیر دیوار و از کشته شدن بتیغ نگاه دارد و بعضی گفته اند
که بعد از نماز صبح پیش از آنکه با کسی سخن این آیه را ده نوبت بخواند و باد بر
کفهای دست خود دمد و بر روی خود مالد و دستها بتمام اعضا برساند دران
دران روز بهیچ بلایی مبتلا نگردد دفع درد پهلو وپا واذا مس الانسان الضر
دعانا لجنبه او قاعدا او قائما فلما کشفنا عنه ضره مر
کان لم یدعنا الی ضر مسه کذلک زین للمسرفین ما کانوا یعملون
این آیه را بجهت درد پهلو و درد پا نافع است از ابر کاسه نو پاک نویسند بسیاهی
وان کاسه را پر از روغن زیتون کنند وان نوشته را بان روغن محو کنند پس از آن باتش
نرم دو سه جوش دهد بعده آن روغن در موضع درد مالد زایل گردد دفع درد گوش
قل من یرزقکم من السماء والارض امن یملک السمع والابصار
ومن یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من الحی ومن یدبر
الامر فسیقولون الله فقل افلا تتقون اگر این آیه را در جامی نقره نویسد
باب کنند و آن نعل که کف آن گرفته باشند محو کنند و باتش بجوش دهند تا غلیظ
شود دو سه قطره از آن در گوش چکانند درد گوش زایل گردد دفع امراض واوحینا
الی موسی واخیه ان تبوآ لقومکما بمصر بیوتا واجعلوا بیوتکم
قبلة واقیموا الصلوة وبشر المؤمنین وان یمسسک الله بضر
فلا کاشف له الا هو وان یردک بخیر فلا راد لفضله یصیب به
من یشاء من عباده وهو الغفور الرحیم این دو آیه بجهت دفع امراض
مجربست هر دو را بر قطعه از شکر طرزد بسوزن آهن نقش کنند پس آن را بگدازند
باب کاجوی برگرفته باشند بوقت طلوع صبح پس آن بمریض دهند و بخوانند که وعده
الحق وقوله الصدق وهو الشافی شفا یابد باذن الله تعالی دفع رعاف
وقیل یا ارض ابلعی ماءک ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی
الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا للقوم الظالمین
از عبد الله عباس رضی الله عنه منقولست که چون کسی را خون بسیار از بینی آید

این آیه را بخواند خون باز ایستد دفع درد مفاصل وما لنا الا نتوکل علی
الله وقد هدینا سبلنا ولنصبرن علی ما آذیتمونا وعلی الله فلیتوکل
المتوکلون این آیه بنویسد و با خود دارد درد مفاصل زایل گردد دفع بلیات
الله الذی خلق السموات والارض وانزل من السماء ماء فاخرج
به من الثمرات رزقا لکم وسخر لکم الفلک لتجری فی البحر بامره وسخر لکم
الانهار وسخر لکم الشمس والقمر دائبین وسخر لکم اللیل والنهار
وآتیکم من کل ما سألتموه وان تعدوا نعمت الله لا تحصوها ان
الانسان لظلوم کفار این آیه بجهت سلامتی است از آفات بر و بحر و حفظ
احوال دواب و زروع هر کس که این آیه را در صباح و مسا در وقت خواب و در وقت
آمدن در منزل خود و منزل دوستان و خویشان و در وقت دیدن دواب و مواشی
و زرع خود بخواند از هرچه بترسد ایمن گردد و برکت و سعادت بسیار مشاهده کند
دفع بلیات انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون چون این آیه
بر صفحه نقره نقش کنند و در شب جمعه چهل نوبت این آیه بران خوانند و آنرا در زیر
نگین خاتم نهند و در انگشت کنند خدا تعالی نفس او را و مال و فرزندان او را از آفات
محفوظ دارد و اگر خاتم بر موم خام زنند و بان بخور کنند هر دردی که باشد شفا یابد
در حضرت هر کس که این آیه هزار بار بخواند هر حاجت که خواهد روا شود گشاده شدن
زبان اطفال اگر کودکی دیر در سخن آید یا در سخن گفتن زبان او گیرد سوره بنی اسرائیل
مشک و زعفران بنویسد و بشوید و باو دهند و بخورد زبانش گشاده گردد دفع صرع
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین
الا خسارا روایت کرده که زنی پیش پیغمبر صلعم آمد و با او فرزند صغیری بود گفت
یا رسول الله این فرزند مرا صرع رنجه دهد پس حضرت این آیه بود خواند آن مرض
بالکلیه زایل شد و از غزالی منقولست که در بغداد مردی بود که امراض مختلفه را
علاج میکرد بجز این که بان میخواند کسی از و سوال کرد که علت امراض هر چند مختلف
است اما دعا یکیست و شفا دهنده حق سبحانه وتعالی و دعا اینست که بالامر کون
است دفع درد نیم سر وکلبهم باسط ذراعیه بالوصید لو اطلعت
علیهم لولیت منهم فرارا ولملئت منهم رعبا اگر این آیه را بر کاغذی
بنویسد و بجانب درد نیم سر بران طرف که درد میکند بندد شفا یابد دفع درد دند

كهيعص ذكر رحمة ربك عبده زكريا اذ نادى
ربه نداء خفيا قال رب انى وهن العظم منى واشتعل الرأس
شيبا ولم اكن بدعائك رب شقيا چون کسی را درد سر باشد این
آیه بنویسد و بعد از آن بنویسد محمد رسول الله والذین معه اشداء
على الكفار تا آخر سوره در سر بندد درد سر زایل گردد دفع عسر البول
در بعضی کتب آورده است که از اول سوره طه تا آنجا که على العرش
استوى بگلاب و زعفران در ظرف پاک بنویسد و به آب بشوید و از آن آب
بکسی دهد که او را عسر البول باشد شفا یابد دفع درد سینه رب اشرح لی
صدری ویسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی اگر کسی را درد سینه
باشد این آیه را سه بار بر قدری آب خواند و باو دهد تا بخورد و پاره بر سینه او مالد
شفا یابد دفع آبله و دمل وغیره ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی
نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا ترى فیها عوجا ولا امتا چون
این آیه را بر ظرف پاکی بنویسد بسیاهی و بروغن بنفشه ... بشوید و بر دمل
و بثر و آبله و جراحتی که بر بدن باشد بمالد شفا یابد دفع درد پشت وغیره
ان الذین سبقت لهم منا الحسنى اولئك عنها مبعدون لا یسمعون
حسیسها وهم فیما اشتهت انفسهم خالدون لا یحزنهم الفزع
الاكبر وتتلقاهم الملائكة هذا یومكم الذی كنتم توعدون
اگر این آیات در ظرف پاک نویسند بسیاهی پاک جایی که آفتاب نبیند باشد
بشویند و مریض را از آن سه جرعه دهند چیزی از آن آب بر پشت او بمالند در وقتی
که درد او بغایت رسیده باشد سه روز بدین دستور عمل کنند شفا یابد و اگر از آن در ظرف
پاک نویسند و بروغن بابونه بشویند و آن روغن در پشت مالند درد زایل شود [illegible]
طفل از صرع و دفع دیوانگی افحسبتم انما خلقناكم عبثا وانكم الینا
لا ترجعون فتعالى الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم
ومن یدع مع الله الها آخر لا برهان له به فانما حسابه عند
ربه انه لا یفلح الكافرون وقل رب اغفر وارحم وانت خیر الراحمین
عبد الله بن عباس رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله علیه وآله وسلم
فرمود که چون فرزند بزمین آید این آیات را بر هر دو گوش او باید خواند تا خدای تعالی او را

از

او را از صرع نگاه دارد و آورده اند که دیوانه شود این آیات را در گوش او خوانند
بهوش آید دفع درد چشم اگر کسی درد چشم باشد بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
دخل الزبید بلا... والكهف الدمعة وانجلت الحمرة بالف لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم الله نور السموات والارض
مثل نوره كمشكوة فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة
كانها كوكب دری یوقد من شجرة مباركة زیتونة لا شرقیة
ولا غربیة یكاد زیتها یضیء ولو لم تمسسه نار نور على نور
باین دستور عمل کند و بر چشم خواند هر صباح سه نوبت درد چشم زایل گردد و ابن عباس
رضی الله عنه منقولست که هر کس که این آیه بسیار خواند روشنایی چشم او محفوظ
ماند و شیخ ابو العباس بونی رحمه الله علیه آورده است که این آیه را بر کاغذی نویسند
و بر چشم در بندد و یا بندند درد زایل گردد دفع امراض و اگر کسی همین آیه را بر آینه نقش
کند شب جمعه آخر ماه و مدت چهل روز هر شب چهل نوبت این آیه را بر آن آینه
بخواند بعد از آن هر مریضی که در آینه نگاه کند مرض او زایل گردد دفع امراض شکم
سوره القصص اگر کسی بنویسد و بکسی که زحمت شکم یا درد سپرز یا درد جگر یا درد دندان
داشته باشد با خود دارد و بعد از آن بنویسد و بشوید و باین طایفه دهد از آن رنج خلاص
یابد و اگر صاحب استسقا از آن آب بخورد شفا یابد و هر ورمی که از آن آب بشوید آن
ورم زایل گردد دفع آفات در سفر از امیر المؤمنین علی روایتست که پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
گفت هر کس که بسفر بیرون رود با او عصایی باشد از چوب بادام تلخ و این از سوره قصص
ولما توجه تلقاء مدین قال عسى ربی ان یهدینی سواء السبیل ولما
ورد ماء مدین وجد علیه امة من الناس یسقون ووجد من
دونهم امرأتین تذودان قال ما خطبكما قالتا لا نسقی حتى
یصدر الرعاء وابونا شیخ كبیر فسقى لهما ثم تولى الى الظل
فقال رب انى لما انزلت الی من خیر فقیر فجاءته احدیهما
تمشی على استحیاء قالت ان ابی یدعوك لیجزیك اجر ما سقیت
لنا فلما جاءه وقص علیه القصص قال لا تخف نجوت من
القوم الظالمین قالت احدیهما یا ابت استأجره ان خیر من
استأجرت القوی الامین قال انی ارید ان انكحك احدى ابنتی

هاتین علی ان تاجرنی ثمانی حجج فان اتممت عشرا
فمن عندک وما ارید ان اشق علیک ستجدنی ان
شاء الله من الصالحین ۝ قال ذلک بینی وبینک ایما
الاجلین قضیت فلا عدوان علی والله علی ما نقول
وکیل ۝ خدا تعالی او را در ان سفر از شر سباع و شر حیوانات زهرناک و شر
دزدان نگاه دارد و هفتاد و هفت فرشته او را محافظت کنند تا بخانه خود باز آید
و شیطان ازو دور باشد در ان سفر و در حدیث آمده که هر کس که خواهد سفر
او برود بقطع رسد عصایی از چوب بادام تلخ با خود نگاه دارد ایمن باشد
دفع تب ربع از امام جعفر صادق ع منقولست که سوره عنکبوت بنویسند و بشویند
و بکسی دهند که تب ربع داشته باشد تا بخورد شفا یابد دفع مرض فسبحان
الله حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض
وعشیا وحین تظهرون یخرج الحی من المیت ویخرج المیت
من الحی ویحیی الارض بعد موتها وکذلک تخرجون ومن آیاته
ان خلقکم من تراب ثم اذا انتم بشر تنتشرون ۝ اگر کسی را مرضی باشد
این آیات سه روز و سه شب برای مریض خوانند هر روز هفتاد بار و در شب چهارم وقت
سحرگاه بیمار را بیرون آورده در موضعی که منکشف باشد و چهار مجمره از چهار جانب او بنهند
یکی در جانب راست و دیگری جانب چپ و سیم جانب سر و چهارم زیر پای او و در ان
مجمرها کندر دود کنند تا آن وقت که صبح صادق پیدا آید انگاه در منزل او برند مرض
زایل گردد دفع تب و غیره از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که اگر سوره لقمان را
بنویسند و بشویند بکسی دهند که مریض باشد یا تب داشته هر نوع تب که باشد شفا
یابد بتخصیص تب ربع و اگر کسی را غشی داشته باشد و بهوش باز آید دفع ربع
و درد سر و نیم سر و صرع از امام جعفر صادق ع منقولست که این سوره سجده را بنویسید
و بر کسی بندد که تب و باد درد سر و باد درد نیم سر یا صرع داشته باشد دفع یرقان اگر سوره
سبا بنویسند و بشویند و صاحب یرقان از ان آب بخورد و چیزی از ان آب
بر روی او پاشند شفا یابد گشاده شدن بول اگر کسی حبس البول داشته باشد
سوره یس بنویسند و بشویند و بخورند شفا یابد دفع صرع اگر همین سوره را روز یکشنبه
یا پنجشنبه بنویسند و بر مصروع بندند شفا یابد بهم شدن شکسته و غیره قال من
یحیی العظام وهی رمیم و چون کسی را عضوی شکسته باشد یا گوشت دسته

باشد و یا کوفته گرده باشد این آیه بر قدری روغن زیتون خوانند و بر ان موضع
چرب کنند شفا یابد دفع درد دندان از عبد الله عباس رضی الله عنه منقولست که چون
کسی را درد دندان باشد این آیه وضرب لنا مثلا ونسی خلقه تا آخر سوره
بخواند و بعد از ان بخواند از سوره البقره ثم قست قلوبکم من بعد
ذلک فهی کالحجارة او اشد قسوة وان من الحجارة لما یتفجر
منه الانهار وان منها لما یشقق فیخرج منه الماء وان
منها لما یهبط من خشیة الله وما الله بغافل عما تعملون ۝
البته شفا یابد و در بعضی کتب آورده اند که قطعه از کاغذ بنویسید که قال من
یحیی العظام وهی رمیم و سوزنی بچشمه قاف فرو برد و بر دری که مقابله با
بیاویزد درد دندان تسکین یابد و بعضی گفته اند که آیه وضرب لنا مثلا ونسی
خلقه تا آخر سوره بر کاغذی نویسد و از برابر گوش بیاویزد از ان جانب که دندان
درد کند درد زایل گردد دفع رنجها از امام جعفر صادق ع منقولست که سوره والصافات
بنویسند و بشویند و از ان آب غسل کند همه رنجها و مرضها ازو زایل گردد نوعی دیگر
کاسه که در روز نوروز جهت دفع امراضها نویسند که در خزانه المذکورین آورده که
نوروز این هفت آیه را بمشک و زعفران بر کاسه چینی نویسند و بشویند هر که
ازین آب بخورد تا نوروز دیگر از مرضها و رنجها ایمن و سالم و محفوظ ماند و این
هفت آیه است ۱ سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین ۲
سلام قولا من رب رحیم ۳ سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار
۴ سلام علی نوح فی العالمین ۵ سلام علی ابراهیم ۶ سلام
علی موسی وهارون ۷ سلام علی الیاسین دفع تب و شیخ ابو العباس
بونی رحمه الله آورده که آیه ارکض برجلک تا آخر آیه بر برگ چنار نویسد
و چون کسی را تب گیرد در زیر دامن او دود کنند شفا یابد دفع دمل و جراحت
اگر کسی را دمل و جراحات بسیار باشد سوره المؤمن بنویسد و با خود دارد شفا یابد
دفع سپرز و غیره و اگر همین سوره را بنویسند و بشویند و با آن آرد خمیر کنند و نان
را بعد از ان که خشک شده نرم بکوبند و در ظرف پاک کنند و هر بار که شد چون صاحب
درد جگر و درد سپرز از ان کف بخورد شفا یابد دفع امراض چشم از امام جعفر صادق علیه
منقولست که سوره حم سجده را بنویسید و با آب باران بشویند و بدین آب هم
بشوید در چشم کنند رمد و طرفه و بیاض و ناخنه و همه امراض چشم زایل گردد

واگر مرده خابشد وآن اب در چشم کشد و یا آن اب بشوید این همه را صحها زایل کرده
دفع صرع وتشنگی از سل اگر سوره حم عسق زعفران بنویسد بر صروع
بند دصرع او زایل کردد واگر سوره را بنویسد وبشوید وازان اب در سقو بخورد تشنه
نشود واگر ازان آب گل کند و کوزه سازد و بپزد و صاحب سل جون ازان کوزه آب
بخورد شفا یابد دفع سرفه ودلم شدن زن سلیط از امام جعفر صادق ع منقولست
اگر سورهٔ زخرف را بنویسد و باب باران بشوید وبکسی دهد که سرفه داشته باشد
تا بیاشامد شفا یابد واگر بزنی سلیط دهد خوش زبان کردد دفع تب رَبَّنَا
اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ جون کسی این آیه را بر سه پاره کاغذی بنویسد
ودر سه روز هر روز ناشتا یکی ازان فرو برد تب ازو زایل کردد حفظ اولاد صغار
از امام جعفر صادق ع منقولست که در اول روزی که فرزند متولد شود سورهٔ جاثیه بنویسد
و با او ببندد و از دیو و پری واز حیوانات موذیه محفوظ ماند دفع مرض ودر بعضی کتب
آورده که سورهٔ محمد صلی الله علیه وآله وسلم را بنویسد وبشوید بهر آب که پاک باشد بار او
بمریض دهند شفا یابد دفع جمیع مرضها مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ
أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ
فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ
ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ
فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ
بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ٥ درین آیه بیست وهشت کانه بتمام جمع است
ومحمت در آیه دیگر که در سورهٔ آل عمران است که ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ
الْغَمِّ أَمَنَةً نُعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً تا آخر آیه در جمیع قرآن هیچ آیتی
دیگر نیست باین صفت وهر کس که برآیه محمد رسول الله تا آخر مداومت کند هر دعا
که کند مستجاب کردد ومعیشت برو فراخ کردد واعیان وانصار محبت او
بسیار پیدا شود وخیر وبرکت در دنیا وآخرت اورا حاصل کردد اگر این را بصورت
تربیع چنانکه بعد ازین بیاید نویسد در شب جهاردهم ماه رمضان المبارک
وبروایتی بیست وجهارم رمضان بر قطعهٔ حریر سفید بمشک وکافور وزعفران
وگلاب وآنرا در مجلد ویدوزد وبعد ازانکه اورا در پوست آهو ادیم گرفته باشد
بر هر مریضی که ببندد شفا یابد از تب وجمیع بادها ودرد جگر ودرد دل ودرد دندان

ودرد سر ودرد چشم وهر مرضی که داشته باشد واز دیو وپری وهر کشیدنی
که باشد ایمن ومحفوظ کردد واین حرزیست مرکودکان را وزنان را بتخصیص زنان
حامله وبرا نرا که ضعف درمایه باشد جه موجب قوة ایشان کردد وطریق نوشتن
این آیه آنست که اول مربعی بکشد جنانکه زوایای مربع داخل بر انصاف
اصلاع مربع اول بود وصفت اسم از اسما الله بلعنت سریانی در داخل مربع
اصغر متصل باضلاع آن نویسد وباین طریق جهار کلمات سریانی دیگر نوشته
است وظاهر اکه دعاست جه در آخر امین نوشته است واین آیه را در داخل
آن مربع در پنج سطر بنویسد وباید که حروف آن درست نوشته شود وهیچ یک ازو
مطموس نبود واسماء سبعه اینست ططهورَ یدعق محیته صوره محمه سقناطیس
سقاطیم ودر زوایای مربع اصل این حروف الوحم عسق کهیعص
متفرقه بنویسند وقوله الحق وله الملک نیز دران زوایا بنویسد واین آیه سَلَامٌ
قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ نیز دران زوایا بنویسد واسماء ملایکه مقربین نیز دران زوایا
بنویسد وخواص این مربع زیاده ازانست که بمختصر شرح توان داد والله اعلم بالصواب



دفع علت شکم از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هفت بار سورهٔ الحجرات

بخواند علتهای شکم دفع کردد حفظ جنین شکم واکر همین سوره را بنویسد وبشوید
وبزن حامله دهند فرزند او بسلامت باشد دفع درد شکم اکر سوره قاف را بنویسد
وباآب باران بشوید وبکسی دهند که درد شکم داشته باشد شفا یابد دفع امراض چشم
وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا
عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ این آیه را هفت روز ناشتا بر چشم
کسی خواند که درد داشته باشد یا تاریکی یا مرضی دیگر از امراض چشم زایل شود واکر قدری آب
بادیان تر با آب خالص بیامیزد واین آیه را بران آب خواند و سرمه با توتیا بآن آب بساید
ودر چشم کشد صحت بصر او محفوظ ماند واکر در چشم ظلمتی یا وجعی باشد زایل کردد دفع امراض
از امام جعفر صادق ع منقولست که سوره والذاریات نزد بیمار بخواند صحت یابد دفع امراض چشم
واز بعضی اکابر منقولست که چون کسی پیش از صبح برخیزد و عنبر بخور کند و هزار و یکبار بر سرمه بخواند و در چشم
کشد همه امراض را نافع است دفع درد چشم و سپرز از امام جعفر صادق ع منقولست که اکر صاحب درد چشم
ودرد سپرز سوره الرحمن بنویسد و با خود دارد شفا یابد و هم از امام جعفر صادق منقولست که همین سوره
را بنویسد و بشوید و صاحب درد سپرز از آن بخورد شفا یابد دفع صرع اکر مصروع را در آب روان در آورند
پس او را سوی خود کشد و این آیات را سه بار در کوش چپ او خوانند پس دست در بدن او در آورد
واین آیات را سه بار دیکر بخواند و بکوید اخرج ایها العارض المضر والمرد والریاح الفاسد
باذن الله تعالی بهوش باز آید و از آن مرض شفا یابد آیه اینست يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا
بِسُلْطَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ
فَلَا تَنْتَصِرَانِ ازجهت راحت یافتن بیمار و دیکر جان دادن باسانی وبعضی
علما کفته اند که اکر سوره واقعه را نزد بیمار بخوانند راحت یابد واکر نزد محتضر بخوانند
جان دادن بر او آسان شود شفا یافتن از سوخته باتش أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي
تُورُونَ أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً
وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ این آیه را بر برک جوز بنویسند و در سایه نهند تا خشک شود
پس از آن نرم بساید و با روغن کل بر سوختکی آتش طلا کند بزودی شفا یابد دفع
داد از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون سوره الحدید را با خود
داشته باشد پنهان داد و دام او را نفع رساند و رنجها سخت زایل کردد دفع داد ودام
وبعضی کفته اند که کسی را دردی باشد بر دو زانو این آیات را که از سوره حشر است بران بخواند منفعت یابد آیات اینست

جهت تسکین صرع بعضی از علما کفته که سوره مجادله را بر سر بیماری خوانند مرض او تسکین یابد و در خواب رود دفع امراض
واورده اند که یکی از مشایخ بود که هر کس بجهت طلب شفای مریضی پیش او آمدی بجهت او فاتحه و چهار آیه از آخر سوره حشر بنوشتی
وقل هو الله احد سه بار و معوذتین سه بار و بعد از نوشتن اللهم رب الناس اله الناس اذهب الباس اشف کامل
کتابی هذا شفاء لا یغادر سقما ولا الم بحولک وقوتک انک علی ما تشاء قدیر وصلی الله علی سیدنا محمد وآله
وصحبه وسلم تسلیما کثیرا بعد از آن نوشته را بران بستی شفا یافتی وعلما کفته که چهار آیه از آخر سوره حشر
همه دردها را شفا دهد چون با وضو این آیات را بران خواند و در کلام بعضی مشایخ واقعست که آخر سوره حشر
شفا است از جمیع دردها مکر چهار آیه مذکور اینست لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا
مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ
الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ
الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ دفع ورم وبعضی کفته اند که اکر کسی
را ورمی داشته باشد سه روز هر روز این آیات را که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره بران ورم خواند هفت بار و بعد از سه روز
این آیات را در جام زرا کینه بنویسد بزعفران وآنرا بشوید وآنرا بصاحب ورم دهند شفا یابد دفع سپرز واورده اند که این سوره را بنویسد
و سه روز متواتر از آن آب بخورند علت سپرز زایل شود دفع درد چشم و جمیع امراض وعلما کفته اند که اکر سوره منافقون نزد درد چشم بخوانند
دیده یا میل فروج خوانند زایل کردد دفع مرک مفاجات حضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرموده که هر کس که سوره التغابن بخواند دفع کرده شود از وی مرک مفاجات
دفع صداع و درد دندان از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره القلم تمام بنویسد و صاحب صداع یا درد دندان با خود دارد شفا یابد
حفظ اولاد صغار از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون سوره الحاقه بنویسد و زن آبستن با خود دارد فرزند او از آفات محفوظ
ماند واکر کسی بر کودک بندد از شر دیو و پری و همه امراض ایمن باشد واکر بنویسد آنرا و بشوید و بحامله دهد از همه آفات محفوظ ماند واکر این سوره را بر روغن
زیت خوانند وآنرا بر اعضا مالند هر درد که باشد از آن زایل شود واکر این روغن را در مولود مالند از همه آفات و حیوانات موذیه ایمن بود جهت
کشاده شدن خون حیض فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً
وَاحِدَةً فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ چون زنی را حیض حاجت باشد وآنرا
دردی باشد این آیات در صفحه سرب نقش کنند روز سه شنبه که قمر در عقرب باشد و نام آن زن و نام مادر آن زن در آن صفحه نقش کنند و آن
صفحه را در آب روان نهد از خون روان شود و باز نه ایستد مادام که آب میرفته باشد و صحیفه در آب باشد جهت بند شدن خون
مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا چون کسی خواهد که زنی را حیض کشاده کردد یا کسی را
رعاف پیدا شود صورتی از کچ سفید بسازد و نام آنکس و نام مادر او در آن صورت نقش کند و این آیه را بر شکم آن صورت نویسد وآنرا در کوزه نو نهند در

دفن کند که آب بر بالای آن میرفته باشد چون روان میشود و باز نه ایستد مادام که آن کوزه در آن موضع باشد دفع زحمت جنیان از دیوان
وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ
تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا
این آیه را در صفحه از آهن سپید نقش کنند در ششم ماه در وقتی که آفتاب صاعد بود در جانب شمال و زاید الحساب بود در کس بندد جنیان از او حذر
میشوند مادام که با او باشد هیچ جنی او را زحمت ندهد دفع گرانی گوش فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا از ابن
عباس رضی الله منقولست که گر اکوش گرانی می کند بر خواند این آیه را و مشت کند و بعد از آن بخواند كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا
كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا شفا یابد دفع صرع اگر سوره القیمة بر پوست مدبوغ نویسند و بر مصروع بندند شفا یابد
دفع دمل اگر سوره والمرسلات بنویسد و با خود دارد از دمامیل ایمن باشد دفع رمد و شب کوری اگر سوره القیمة بر صاحب رمد و شب کور
خوانند شفا یابد خلاصی از بلیات از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره الکورة را بجهت خلاصی از بلیات بیست و یکبار بخوانند
دفع درد چشم اگر همین سوره را بر چشم خوانند یا رمد یا مرضی دیگر داشته باشد شفا یابد دفع تب سوره الانفطار بنویسد و بشوید و کسی که
تب دارد از آن آب غسل کند شفا یابد دفع بواسیر اگر سوره البروج بر صاحب بواسیر خوانند شفا یابد حفظ کودک و غیره وَاللَّهُ
مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ این آیه را بر پوست آهو نویسد و بعد از آن یا حفیظ یا حفیظ
یا حفیظ و آن را در گردن کودک بندد از همه آفات محفوظ ماند و اگر کسی در سفر با خود دارد از دزد و قطاع الطریق ایمن باشد دفع صرع
وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
شَهِيدٌ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ
این آیات در آینه هندی نقش کند در وقتی که آفتاب در درجه اول اسد بود و آن آینه را در پیش مصروع نهد تا در آن نظر کند شفا یابد
دفع جراحت از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره الطارق را بنویسد و بشوید به آب باران از آن آب جراحت بشوید ورم نکند
و درد آن زایل کند دفع زهر از طعام و اگر بر طعامی خوانند از خوردن آن متضرر نشوند و اگرچه در آن طعام زهر باشد و گفته اند که چون
این سوره را بر دارو خوانند آن دارو را بخورد از ضرری که در دارو باشد ایمن گردد دفع بواسیر حضرت رسول صلعم فرموده که سوره الاعلی را
بر صاحب بواسیر خوانند شفا یابد دفع بلیات اگر بعد از نماز جمعه همین سوره را بنویسد و با خود [illegible] از جمیع آفات و عاهات محفوظ
ماند دفع درد اندام خاصه رنج باد از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره الغاشیة بجهت بادها که در اندام باشد خاصه رنج باد
بیست و یکبار بخوانند و گفته اند که اگر این سوره را بر جوز دیر خوانند از ضرر او ایمن شوند و اگر بر عضوی خوانند که سالم باشد سالم ماند و تسکین
یابد دفع آبله برآمدن بجهت آبله بسیار مجرب ریسمانی که رشته کودکی باشد که دندان او نیفتاده باشد هفت تو کنند و الفجر
خوانند و بهر کاف که رسد یک گره بر آن زنند تا هفت گره شود و بعد از آن هفت بار دیگر این سوره را بر آن خوانند و از پس گردن کودک
آبله داشته باشد بندد آبله زایل شود دفع بلا و وبا و حفظ کودک هر که سوره البلد بوقت در آمدن در شهر بجهت دفع بلیات و وبا بر در شهر بخواند ایمن باشد

دفع امراض

دفع امراض کودک و بعضی گفته اند که همین سوره را بنویسد و بر طفل بندد از جمیع حشرات و موذیات از در و دشمن و دیو و جن ایمن باشد و اگر این سوره
بنویسد و بشوید و در بینی کودک چکانند از همه بلیها محفوظ ماند دفع صرع اگر سوره اللیل در گوش مصروع بخوانند مصروع بهوش باز آید
دفع تب اگر همین سوره را بنویسد و بشوید و بکسی که لازم دارد دهد تب وی زایل شود دفع درد دل و مثانه و گرده و تب ربع و در بعضی کتب آورده
اند که سوره الم نشرح را بر درد دل خوانند شفا یابد و اگر بنویسند و بشویند و بخورد سنگ گرده و مثانه را براند و درد مثانه و همه دردها
زایل کند و اگر این سوره را بر بادام نویسد و بکسی دهد که تب ربع داشته باشد آن را بناشتا بخورد شفا یابد زیادی نور چشم و مداد شود از امام جعفر
صادق علیه السلام منقولست که سوره القدر بجهت زیادتی نور چشم بیست و یکبار بخوانند دفع لقوه و درد جگر اگر همین سوره را بر روغن
گل خوانند قدری شیر زنان به آن اضافه کنند و کسی که روی او بلقوه بسیار مایل شده باشد روی خود را با آن چرب کند نافع باشد و اگر آینه که از آهن باشد که
بغایت جلا داده باشد پیدا کنند و این سوره را بر عنوان دکان بران نویسند و صاحب لقوه در خانه تاریک در آید و در آن آینه نظر کند شفا
یابد و اگر همین سوره را در ظرف سفالین نو نویسد و آن را به آب باران بشوید و قدری شکر با آن اضافه کند و صاحب درد جگر از آن آب
بخورد شفا یابد دفع یرقان و برص و گفته اند که اگر سوره البینة بنویسد و بشوید و صاحب یرقان و برص آن آب را بخورد و بعد از آن این سوره را
بنویسد و با خود دارد شفا یابد دفع لقوه از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که بجهت صاحب لقوه این سوره را بنویسد تا در آن
نظر کند شفا یابد ایضاً و گفته اند که اگر این سوره را در طشت نو نویسند که اصلا کار نفرموده باشند و بشویند و آب آن به صاحب لقوه دهند
زایل شود ایضاً و بعضی گفته اند که بجهت دفع لقوه بر آینه آهنین نویسند آن را بر عنوان دکان و صاحب لقوه در خانه تاریک آید و در آن آینه
نظر کند تا آن زایل شود دفع تب اگر کسی را تب باشد سوره العادیات در ظرف سفالین نو نویسد و به آب باران بشوید و قدری شکر
بآن اضافه کند و سه روز بیاشامد شفا یابد درد سر و نیم سر اگر سوره التکاثر بعد از نماز عصر بر درد سر و نیم سر خوانند تسکین یابد [illegible]
از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که همین سوره بجهت دفع بلاها سه بار بخوانند شفا یابد دفع تب اگر کسی سوره العصر بر کسی خوانند که تب داشته
باشد تب زایل شود دفع صرع اگر سوره الفیل بر مصروع خوانند بهوش باز آید دفع درد گرده و غیره اگر کسی را درد گرده باشد سوره قریش
بر زینی یا طعامی خوانند و بخورد شفا یابد و خفقان و اضطراب دل را نیز نافع است کم شدن درد و گفته اند که چون دردی باشد که وهم
آن بود که زیاده شود این سوره را بر موضع درد نویسد درد کم شود دفع درد [illegible] پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که اگر سوره الاخلاص
بر کسی که درد چشم داشته باشد [illegible] بخواند و هر بار که بخواند اول ده بار بسم الله الرحمن الرحیم بخواند و بر دست دمد و بر چشم [illegible] شفا یابد
حفظ اولاد و دشمنان از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره معوذتین را بنویسد و بر کودکان بندد از دیو و پری و از چشم
بد آدمی و از زر چینکان در حرکت ام الصبیان که ینی محفوظ مانند و الله اعلم بالصواب

باب [illegible] در [illegible]

دفع خوف و خون و غضب و قوت حافظه و دفع [illegible] از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر کس که حاجتی بود بر کاغذ نویسد که
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ مِنْ عَبْدِ الذَّلِيلِ إِلَى رَبِّهِ الْجَلِيلِ رَبِّ إِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ بر آن کاغذ
در آب روان اندازد و بگوید اللهم بمحمد و آله الطیبین الطاهرین و صحبه المرتضین اقض حاجتی یا اکرم الاکرمین
و آن حاجت را بر دل بگذارد ان شاء الله روا گردد و هر که بر قسم مداومت کند روزی بروی فراخ گردد و صفا باطن او را حاصل آید

هر که فاتحة الکتاب در ساعت اول از روز جمعه در ظرف طلا با مشک و زعفران و کافور بنویسد و بگلاب بشوید و آن گلاب را در چشم
کند و هر روز نظری بر روی خود مالد قدر جاه او نزدیک حکام و سلاطین زیاده گردد و از هر چه میترسد ایمن گردد و اگر سوره البقره
باب باران بشوید و بخایف دهند تا بخورد ترس او زایل شود و ثواب یابد که در راه خدا تعالی شهید شده باشد و از شیخ
شرف الدین یونی منقولست که هر که این حروف را الم ص ر ک ه ی ع ط س ح ق ن در شکل مدور از نقره نقش
کند بطالع ثور و قمر آنجا باشد و با خود دارد کیسه او از نقره هرگز خالی نشود و نیز از منقولست که هر که این حروف نورانیه را بر خاتمی
نقره نقش کند بر طالع ثور بوقتی که قمر زاید النور و آنرا در انگشت کند جمیع حاجتهای وی روا شود باذن الله تعالی و هم ازو
منقولست که هر که این کلمات الم المص الر المر کهیعص طه طسم طس یس حم عسق ق ن در حالتی که
غیر ملول باشد نقش کند بر خاتمی از نقره روز پنجشنبه از اول ماه رجب چون این خاتم را خالی در انگشت کند ایمن شود
و اگر پیش پادشاه رود در نظر پادشاه بزرگ و با هیبت نماید و کارهای او را برادر سازد و اگر کسی در غضب باشد و این خاتم بوی
بنماید از وی زایل گردد و اگر تشنه آنرا در دهان نهد سیراب شود و اگر بیکار در انگشت کند او را کاری پیدا شود و اگر زنی شوهر
نداشته باشد در انگشت کند شوهری بمدعای وی پیدا شود و اگر برصرع بندند بهوش باز آید و اگر کسی بکسی آنرا در آب
باران نهد و در صباح آن آب را بر ناشتا بخورد قوت حافظه او قوی گردد و از شیخ شرف الدین یونی منقولست که
چون شب جمعه چهاردهم هر ماه که باشد بعد از نماز خفتن بگلاب و زعفران این آیات بنویسد بر پوست آهو از اول سوره
البقره اولئک هم المفلحون ۰ الم الله لا اله الا هو الحی القیوم نزل علیک الکتاب بالحق مصدقا
لما بین یدیه و انزل التوریة و الانجیل من قبل هدی للناس و انزل الفرقان ۰ المص کتاب
انزل الیک فلا یکن فی صدرک حرج منه لتنذر به و ذکری للمؤمنین ۰ المر تلک آیات
الکتاب والذی انزل الیک من ربک الحق ولکن اکثر الناس لا یؤمنون ۰ کهیعص
ذکر رحمت ربک عبده زکریا ۰ طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی الا تذکرة
لمن یخشی ۰ طسم تلک آیات الکتاب المبین ۰ طس تلک آیات القرآن و کتاب
مبین ۰ یس والقرآن الحکیم ۰ ص والقرآن ذی الذکر بل الذین کفروا فی عزة
و شقاق ۰ حم تنزیل الکتاب من الله العزیز العلیم غافر الذنب و قابل التوب شدید
العقاب ذی الطول لا اله الا هو الیه المصیر ۰ حم عسق کذلک یوحی الیک و الی الذین
من قبلک الله العزیز الحکیم ۰ ق والقرآن المجید ۰ ن والقلم و ما یسطرون ما انت
بنعمة ربک بمجنون و انک لعلی خلق عظیم ۰ بعد از آن آنرا در انبوبه قطب فارسی نهند و آنرا در موم
گیرد که از شمع عروسی مانده باشد و در ادیم گیرند هر کس که آنرا بر بازوی راست خود بندد قوی دل شود و دشمن
از وی ترسند و در چشم همه کس عزیز و مکرم گردد و اگر درویش باشد توانگر گردد و اگر او را سحر کرده باشند

العلیم

باشد

باشد یا دیو زنان ماند باشد خلاصی یابد اگر از قرضی داشته باشد ادا شود اگر غمگین بود شاد گردد و اگر زنی
بی شوهر با خود دارد شوهرش پیدا شود اگر در غربت بود بسلامت بوطن باز رسد و هر حاجت که از خدای تعالی بخواهد
دعا کرده اگر بر اطفال بندد از همه آفات محفوظ مانند قوله تعالی و اذ قلتم یا موسی لن نؤمن لک حتی نری الله
جهرة فاخذتکم الصاعقة و انتم تنظرون ثم بعثناکم من بعد موتکم لعلکم تشکرون
و ظللنا علیکم الغمام و انزلنا علیکم المن و السلوی کلوا من طیبات ما رزقناکم این آیات
در خاتم نقره نقش کند و در انگشت خود کند ابواب رزق برو گشاده گردد و دنیا روی بوی نهد و از فقر و فاقه خلاص گردد قوله تعالی
و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم این آیه را بوقتی که آفتاب در اسد بود بر انگشتری
نقش کند و با خود نگاهدارد در هر مجلس بر او غالب نگردد دانا در میان و غیر ایشان و از هر مجلس ایذا بدو نرسد باذن الله
قوله تعالی الم تر الی الملأ من بنی اسرائیل من بعد موسی اذ قالوا لنبی لهم ابعث لنا ملکا نقاتل
فی سبیل الله قال هل عسیتم ان کتب علیکم القتال الا تقاتلوا قالوا و ما لنا الا نقاتل فی سبیل
الله و قد اخرجنا من دیارنا و ابنائنا فلما کتب علیهم القتال تولوا الا قلیلا منهم و الله علیم بالظالمین
و در بعضی تصانیف غزالی مذکور است که در قرآن عظیم چهار آیه است در چهار سوره متابعه که هر یک از آن ده قاف
اول این آیه که نوشته شد دوم در سوره آل عمران لقد سمع الله قول الذین قالوا ان الله فقیر و نحن اغنیاء سنکتب
ما قالوا و قتلهم الانبیاء بغیر حق و نقول ذوقوا عذاب الحریق سیوم در سوره النساء الم تر الی الذین
قیل لهم کفوا ایدیکم و اقیموا الصلوة و آتوا الزکوة فلما کتب علیهم القتال اذا فریق منهم یخشون الناس
کخشیة الله او اشد خشیة و قالوا ربنا لم کتبت علینا القتال لولا اخرتنا الی اجل قریب قل متاع الدنیا
قلیل و الآخرة خیر لمن اتقی و لا تظلمون فتیلا و آیه چهارم در سوره مایده و اتل علیهم نبأ ابنی آدم بالحق
اذ قربا قربانا فتقبل من احدهما و لم یتقبل من الآخر قال لاقتلنک قال انما یتقبل الله من
المتقین و اگر این چهار آیه بر علم نویسند آن لشکر که این علم در میان ایشان باشد هرگز منهزم نشوند و نصرت و ظفر ایشان را باشد
و بر ورق آهو نویسند و در کلاه یا عمامه نگاهدارد ارباب جاه و امرا او را حرمت دارند و از سخن او تجاوز ننمایند و در نظر ایشان
با هیبت باشد قوله تعالی و لما برزوا لجالوت و جنوده قالوا ربنا افرغ علینا صبرا و ثبت اقدامنا و
انصرنا علی القوم الکافرین این آیه را بر علم نویسند بر علم سرخ از سفیداب کاسگری بنویسند در روز جمعه در وقت زوال [illegible]
ثابت بود و سعود دوری از نحس چون در لشکری که این علم بر پا شود ترس در دل دشمنان افتد [illegible] قوله تعالی الله لا اله
الا هو [illegible] لا اکراه فی الدین [illegible] و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون هر که این آیه را [illegible]
در آستانه بالای دکان یا بر انبار [illegible] مال او زیاده گردد و هرگز محتاج نگردد قوله تعالی الم الله لا اله الا هو الحی القیوم
نزل علیک الکتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه و انزل التوریة و الانجیل من قبل هدی للناس و انزل
الفرقان اگر این آیه بر پوست آهو نویسند بقلم [illegible] در ساعت دوم روز پنجشنبه آنرا در زر نگین یا انگشتری خاتمی نقش کند [illegible]

نعاس با وضو باشد از شر همه اعدا محفوظ باشد و جاه او بیفزاید و فرمان او بر همه کس روان گردد و مقبول قلوب گردد قوله تعالی لن یضروکم
الا اذی وان یقاتلوکم یولوکم الادبار ثم لا ینصرون ضربت علیهم الذلة این ما ثقفوا الا بحبل من الله
وحبل من الناس وباءو بغضب من الله وضربت علیهم المسکنة ذلک بانهم کانوا یکفرون بایات الله و
یقتلون الانبیاء بغیر حق ذلک بما عصوا وکانوا یعتدون این آیه در ساعت ششم از روز شنبه نقش کند
بر نگین یا بر سنگ نیلی یا بر جوهری که بر سر نهند یا بر سپر یا بر چیزی از آلات حرب فولادی که نقاش به طهارت و روزه دار باشد هر کس که آن
سلاح با وی باشد بر دشمن ظفر یابد و او را هزیمت کند و از کید و مکر دشمن محفوظ بود قوله تعالی وما جعله الله الا بشری
لکم ولتطمئن قلوبکم به وما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم لیقطع طرفا من الذین
کفروا او یکبتهم فینقلبوا خائبین هر کاین آیه بسیار خواند در وقت مخاصمت بر دشمن ظفر یابد و دشمن را
مغلوب گرداند و اگر در روز جمعه در وقت نماز بر خاتم از طلا و یا نقره نقش کند و بعود و عنبر بخور کند در وقتی که قمر در محاق نباشد بر دشمن
ظفر یابد چون با خود داشته باشد ان شاء الله تعالی قوله تعالی الذین ینفقون فی السراء والضراء والکاظمین
الغیظ والعافین عن الناس والله یحب المحسنین والذین اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم
ذکروا الله فاستغفروا لذنوبهم ومن یغفر الذنوب الا الله ولم یصروا علی ما فعلوا وهم یعلمون
اولئک جزاؤهم مغفرة من ربهم وجنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ونعم اجر
العاملین هر کس که این آیه در شب جمعه بعد از نماز خفتن بر کاغذی نویسد و با خود بندد و در صباح پیش پادشاه و یا حاکمی از
ظلمه [illegible] رود از شر ایشان ایمن شود و هیچ ضرری با او نرسد قوله تعالی وسارعوا الی مغفرة من ربکم وجنة عرضها
السموات والارض اعدت للمتقین الذین ینفقون فی السراء والضراء والکاظمین الغیظ
والعافین عن الناس والله یحب المحسنین این آیه جهت تسکین غضب است و دفع ظلم و شر سلطان جابر و دفع دشمن
بنویسد آن را در شب جمعه بعد از نماز خفتن و با خود دارد قوله تعالی الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم
فاخشوهم فزادهم ایمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم
یمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو فضل عظیم این آیه بر پوست آهو نویسد در ساعت سعد و در زیر
نگین نهد هر کس که آن نگین با خود دارد چون بر پادشاه یا ظالمی در آید از وی ایمن باشد و نزد او عزیز و مکرم گردد قوله تعالی وله ما
سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم این آیه جهت تسکین غضب و خشم و بطش و اضطراب نافع است چون از خود یا از دیگری
این صفت مشاهده کند این آیه بخواند صفت زایل شود در ضربت الفعال القادر چون این دو اسم را بر صحن مس نقش کند و با خود دارد
در درجه جنگی مغلوب نگردد دفع نسیان ذو القوة را بر این طریق ذوالقوة بنویسد و بر پوست آهو در ساعت
دوم از روز جمعه و کسی که او را نسیان غالب باشد چون با خود دارد نسیان زایل شود خلاص از زندان و اگر اسم الولی و البر
را بر درم کسی نویسد که در زندان باشد و او ورد خود کند این دو اسم بسیار گوید از زندان خلاص شود خلاص از بند و زندان از امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که اگر کسی در بند و زندان افتاده باشد یا به دست ظالمی گرفتار باشد چون سوره انفال هفت بار بخواند خلاص شود دفع غم

جهت ظفر یافتن بر اعادی و دفع غم وما جعله الله الا بشری لکم ولتطمئن
قلوبکم به وما النصر الا من عند الله ان الله عزیز حکیم چون این آیه را
در روز بیست و هفتم شهر رمضان بر قطعه کاغذ نویسد و آن را در زیر نگین خاتم پنهان کند هر که
آن خاتم با خود دارد همیشه شادمان و خوشدل باشد و بر همه دشمنان ظفر یابد و اگر آن را بر عمامه
خود نویسد و بر سر نهد هم بر اعدا مظفر شود جهت فتح و ظفر بر اعدا از امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که به نیت فتح و ظفر بر اعدا چهل و یکبار سوره التوبه بخواند و بروایتی بیست و یکبار الصا
از امام جعفر علیه السلام منقولست که سوره یونس بجهت ظفر بر دشمن بیست و چهار بخواند دفع ترس از دیو و پری
اگر همین سوره را بمشک و زعفران بر پوست آهو نویسد و با خود دارد از دیو و پری نترسد هر چند بر وی
ظاهر گردند جهت شجاعت از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره الهود بنویسد بر پوست آهو
و با خود دارد قوت تمام او را حاصل گردد و با هر که مجادله و محاربه کند غالب آید و هر کس که او را ببیند
از و ترسنده گردد و اگر این سوره را بزعفران بنویسد و بشوید و بخورد سه روز هر روز صباح یکبار و بنماز شام
یکبار قوی دل گردد و از هیچ چیزی نترسد جهت قوت حافظه الر کتاب احکمت آیاته
ثم فصلت من لدن حکیم خبیر الا تعبدوا الا الله انی لکم منه نذیر و
بشیر وان استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یمتعکم متاعا حسنا الی اجل مسمی ویؤت کل
ذی فضل فضله وان تولوا فانی اخاف علیکم عذاب یوم کبیر الی الله مرجعکم
وهو علی کل شیء قدیر هر که این آیه بر کاسه چینی بنویسد در وقت طلوع صبح بمشک
و گلاب و بشوید آن را با آب چاهی که این در جهت از آن آب بخورد و آن را چهار روز و به نماز شام
بخورد دل او منشرح گردد و تعلم علم علوم و حفظ قرآن بر او آسان شود جهت خلاص از حبس آیه
فلما دخلوا علی یوسف آوی الیه ابویه وقال ادخلوا مصر ان شاء الله آمنین
ورفع ابویه علی العرش وخروا له سجدا وقال یا ابت هذا تاویل رؤیای من قبل
قد جعلها ربی حقا وقد احسن بی اذ اخرجنی من السجن وجاء بکم
من البدو من بعد ان نزغ الشیطان بینی وبین اخوتی ان ربی لطیف لما یشاء
انه هو العلیم الحکیم چون کسی را در زندان کرده باشند تا این آیه بنویسد و بر بازوی راست
بندد و بعد از آن بر خواندن این آیه مداومت کند خلاص شود جهت دفع غم و غیره وما ارسلناک الا
مبشرا ونذیرا وقرآنا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث ونزلناه تنزیلا این آیه بجهت دفع
غم است و تنگ دلی و خوابهای شوریده و خیالات باطله و ترس و وهم چون کسی را این عوارض چیزی پیدا
شود آن روز روزه دارد و چیزی حلال افطار کند که از کسب خود پیدا کرده باشد پس نماز خفتن بگزارد و ده نوبت
این آیه را بر کوزه آب خواند و از آن آب جا بیاشامد و در خواب رود چون از خواب بیدار شود در حجره ابتدا از آن
بخورد و باقی را بگذارد تا وقت سحر بخورد و این آیه یکبار بخواند آن عارضه زایل گردد جهت دفع نفرت یافتن
وهزی الیک بجذع النخلة تساقط علیک رطبا جنیا فکلی واشربی وقری عینا
فاما ترین من البشر احدا فقولی انی نذرت للرحمن صوما فلن اکلم الیوم انسیا

ک

شیخ ابو العباس بونی رحمة الله اورده است که اگر این آیه را در پوست آهو بشنجرف نویسند در روز جمعه اول ماه با خود دارد الله تعالی نصرت و فتح کرامت فرماید و برکت و دل و ذرع او کم پیدا شود و اگر بر کاه چنین نویسد و بنویسد و بریزد و همه غمهای او زایل گردد **در نصرت**

و قوة حافظ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ۝ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ۖ لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا ۖ نَّحْنُ نَرْزُقُكَ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ چون این آیه را کسی بنویسد و با خود نگاه دارد اگر کسی در غرب باشد زوجه صالحه او را پیدا شود و اگر فراموش کار بود قوة حافظ او زیاده گردد و اگر بیمار گردد با شد که شفا یابد و اگر درویش باشد توانگر گردد **حصول فرح**

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ چون غم و بیرون شدن کسی را دست دهد و اسباب معیشت بر او تنگ گردد از معاصی توبه کند و صد بار استغفر الله گوید و صد بار بر محمد مصطفی علیه الصلوة والسلام صلوة فرستد پس سر بر زمین نهد و این پنج آیه بخواند داد خداوند تعالی زوال غم و حصول فرح طلب کند مقصود حاصل گردد و آن پنج آیه این است **اول** الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ **دوم** وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِن ضُرٍّ ۖ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ **سیوم** وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَٰهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ ۚ وَكَذَٰلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ **چهارم** فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ ۚ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ۝ فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا ۖ وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ **پنجم** فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۖ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ **دفع غرق شده** و از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که اگر کسی ببهتانی گرفته باشد هفت بار سوره النور بخواند خلاص گردد **دفع غضب** قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ ۝ إِنَّهُ مِن سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝ أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ۝ اگر این آیه را بر پوست آهو بنویسند بمشک و زعفران و بخور کنند از ابتدا بر بیش هر که بیاورند خشم و غضب او ساکن شود **حدت**

قوة حافظ وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ۝ أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ۝ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ۝ چون کسی که خواهد که قوة حافظ زیاده شود

وكهنكا

قوله تعالی لَّا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَن ظُلِمَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا اگر این آیه بر پوست آهو بنویسد و با خود دارد و نزد ظالمی یا حاکمی که از و ترسناک باشد بوقت رفتن این آیه با خود داشته باشد ایمن گردد و هیچ ضرری بوی نرسد

قوله تعالی يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا ۝ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا این آیه را **جهت دفع مجادله** است روز یکشنبه اول ماه در دو قطعه چوب ادیمی بنویسد و با خود داشته باشد بر خصم غالب و دلیل و حجت خصم همه باطل شود **قوله تعالی** وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ اگر کسی این آیه را در وقت خواب هفت بار بخواند چون بیدار شود آن غم از و زایل شده باشد **خلاصی از زندان** فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ۝ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ۝ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ اگر کسی در زندان کرده باشد این آیه را بخواند خدای تعالی او را ازود خلاصی دهد **غلبه کردن بر دشمن** كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۝ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۖ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ۝ چون این آیه را در پاره از جامه دشمن بنویسد و در آخر آن بنویسد که كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ فلان بن فلان و با خود دارد و روی بر روی دشمن بایستد و با او مجادله کند بر و غالب آید شوانو که با او سخن کند **جهت حدت ذهن** وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِن بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ مَّا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ چون کسی خواهد که حدت ذهن او زیاده شود این آیه را بر نیم مثقال کندر خواند و او را با میل آن شکر با عسل بهم ناشتا بخورد مقصود او حاصل شود **ربح در تجارت** إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ ۝ لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ ۚ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ خاصیت این آیه آنست که برکت و سود و ربح در اقمشه و اطعمه پیدا کردد و این تجار ایمکا

دفع غم الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور
شکور هر کرا این آیه را بسیار خواند غم و اندوه که داشته باشد زایل گردد جهت قوت حافظه
از امام جعفر صادق منقولست که سوره یس را با زعفران و گلاب بنویسد هفت بار و بشوید و هفت روز
بخورد هر چه بشنود یاد گیرد و باید که حفظ کند غالب آید و در جسم آدم بزرگ باشد و اگر زنی
این آیت بخورد شیر او بسیار گردد دفع خوف از پادشاه و غیره از شیخ ابو الحسن شاذلی منقولست
که اگر کسی از پادشاه ترسی داشته باشد یا حاجتی از و طلب داشته باشد یا راهی گم کرده باشد
هفت سوره یس بخواند و بعد از آن بگوید بسم الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم بسم الله
الذی لا اله الا هو ذو الجلال و الاکرام بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
شیء فی الارض و لا فی السماء و هو السمیع العلیم اللهم انی اعوذ بک من شر
فلان بن فلان از آن خلاص گردد و مطلوب حاصل آید دفع ترس و غیره و جعلنا
من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون
شیخ ابو العباس بونی آورده که این آیه را بر نگین خاتمی نقش کنند اول ماه رجب و نقش کنند با آن
این حروف الم کهیعص حم عسق طه طس یس ق ن پس کسی از او در
انگشت کند اگر ترسان بود از آن کس ایمن گردد و از نزد حاکم و سلطان رود حاجت او روا
کرده و اگر بیکار گردد شغل فتح او را دست دهد و اگر زنی بی شوهر بود شوهر او را پیدا شود و اگر
این خاتم را در آب باران اندازند و فرو برد هر بیماری که از آن آب بخورد شفا یابد و اگر این خاتم
برکنند و بزنند و در دامن بسحر رود و دکند یا کسی دهند که زهر خورده باشد یا مار گزیده باشد شفا یابد
دفع ترس از پادشاه از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره شوری جهت دفع ترس از پادشاه بخواند
ایمن شدن از کید اهل کبر والذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش و اذا ما
غضبوا هم یغفرون و الذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة
و امرهم شوری بینهم و مما رزقناهم ینفقون و الذین اذا اصابهم
البغی هم ینتصرون و جزاء سیئة سیئة مثلها فمن عفا و اصلح فاجره
علی الله انه لا یحب الظالمین این آیات را در روز اول ماه بر صفحه از ارزیز نقش
کند و با خود نگاه دارد و بر هر کس که در آید سلاطین و حکام و اهل تکبر خشم بگیرند و از کید و مکر ایشان
ایمن گردد و منقاد او گردند جهت قوت حافظه و غیره و کذلک اوحینا الیک روحا من امرنا
ما کنت تدری ما الکتاب و لا الایمان و لکن جعلناه نورا نهدی به من
نشاء من عبادنا و انک لتهدی الی صراط مستقیم صراط الله الذی له ما فی

ما فی السموات و ما فی الارض الا الی الله تصیر الامور منافع این آیه بسیارست از جمله زیادتی
قوت حفظ و ادراک و میل طاعت و تهجد و حسن توکل و آسانی تعلم علوم در قطعه این آیات را در ظرف آبگینه
پاک سفید بنویسد بزعفران و گلاب و عسل که با آتش نرسیده باشد پس بآب باران بشوید و بعد از نماز صبح اول
جمعه از این آب سه دفعه بخورد و آنچه از این امور مذکور که مراد او باشد در وقت آب خوردن نام برد مطلوب حاصل آید
و اگر این آیات را در پوست آهو پاک نویسد بمشک و گلاب بنام آن کاری که خواهد چون با خود دارد
او را میل عبادت پیدا شود و اگر بد مذهب بود یا از دین بیگانه بود براه راست باز آید و اگر این آیات را
در قطعه از پوست پلنگ بنویسد بلاجورد در شب شنبه و در زیر سر خود نهد و بعد از آن که نماز خفتن بگذارد و بخاطر
گذراند آنچه او را مجهول بود و خواهد که معلوم کند چون بخواب رود در خواب آن چیز او را خبر دهند دفع گردانی
و لئن سالتهم من خلق السموات و الارض لیقولن خلقهن العزیز العلیم الذی
جعل لکم الارض مهدا و جعل لکم فیها سبلا لعلکم تهتدون و الذی خلق الازواج
کلها و جعل لکم من الفلک و الانعام ما ترکبون لتستووا علی
ظهوره ثم تذکروا نعمة ربکم اذا استویتم علیه و تقولوا سبحان الذی
سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و انا الی ربنا لمنقلبون اگر کسی در کار خود
سرگردان باشد و حیران بود نیم شب برخیزد و وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و هفت بار این
آیت بخواند و بعضی گفته اند که این آیات میخواند تا در خواب رود و چون در خواب رود در خواب
ببیند که کسی او را ارشاد کند و از آن حیرت خلاص شود جهت عزت علیه اهم یقسمون رحمة ربک
نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوة الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات
لیتخذ بعضهم بعضا سخریا و رحمة ربک خیر مما یجمعون چون کسی خواهد که خدمت سلطان
یا دیگری کند و بمرتبه اعلی برسد این آیه را روز جمعه در پوست گور خر نویسد و در عمامه یا در طاقیه
نهد مطلوب حاصل آید غالب شدن بر خصم در بحث ان المتقین فی مقام امین فی
جنات و عیون یلبسون من سندس و استبرق متقابلین کذلک و زوجناهم بحور
عین یدعون فیها بکل فاکهة آمنین لا یذوقون فیها الموت الا
الموتة الاولی و وقیهم عذاب الجحیم فضلا من ربک ذلک هو الفوز العظیم
فانما یسرناه بلسانک لعلهم یتذکرون فارتقب انهم مرتقبون
چون کسی خواهد که با کسی دیگر مباحثه کند و مجادله نماید و غالب شود این آیات را در قطعه حریر سفید نویسد
بمشک و کافور و گلاب در وقت نماز دیگر بعد از آن که طهارت کرده و آن را در گریبان جامه خود نگاه دارد با هر که
خصمی که مجادله کند بر او غالب گردد جهت فتح و ظفر از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره الفتح در
وقت مصاف از جهت فتح و ظفر چهل و یک بار بخواند و اگر بنویسد و با خود دارد بوقت حرب محفوظ ماند

و الذی نزل من السماء ماء بقدر فانشرنا به بلدة میتا کذلک تخرجون

جهت ظفر یافتن بر دشمن هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ
إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا اگر این آیه را در وقت روز پنجشنبه
وقتی که قمر در ثور بود در دایره از برنج نقش کند و آن دایره را در وسط سپر ترکیب کند چون در مقابله دشمن برود ظفر یابد
و دشمن منهزم گردد خلاصی از تهمت یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ
بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ
لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ چون کسی بچیزی متهم باشد
روز شنبه بریت ناخن دست و پا باز کند و قدری موی سر و قطعه جامه و همه را بسوزد و بلعاب
اسبغول و قدری خاک از خانه متهم بر سرشند و از آن صورتی بسازند مثل آن شخص و نام او و نام مادر
بر سر آن صورت رسم کنند و این آیه بنویسد در موضعی دفن کند که کس بآن نرسد و در وقت دفن گوید اقطع
الشعبه فلان بن فلان بر نو دی از آن تهمت خلاص شود دفع ترس اگر سوره ق را بآب باران بخواند اگر
ترسناک باشد و از آن آب بخورد ترسناکی از او زایل شود خلاصی از زندان اگر محبوس با قرات سوره
الطور مداومت نماید از حبس خلاص شود غالب شدن بر خصم از امام جعفر صادق منقول است که سوره النجم
را بر پوست پلنگ نویسد و در زیر دستار پنهان کند بر همه خصمان در همه جا دله غالب شود جهت قوت حافظ
و حدت ذهن و غیره وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى وَمَا يَنْطِقُ عَنِ
الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى وَهُوَ بِالْأُفُقِ
الْأَعْلَى ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى
مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى أَفَتُمَارُونَهُ عَلَى مَا يَرَى وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى عِنْدَ سِدْرَةِ
الْمُنْتَهَى عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى لَقَدْ
رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى این آیات را در جامی از زر یا برنج بمشک و گلاب بنویسد و بآب زمزم
بشوید و هفت روز بعد از نماز بامداد بر ناشتا از این آب بخورد حدت ذهن او قوی گردد و قوت حافظه
او زیاده شود و وسواس نسیان از او زایل شود جهت قوت حافظه در جمیع کار الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ
خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ این آیه را خطبا و واعظ و شعرا
و اهل علم و قرا مناسب است حفظ را زیادت کند و نسیان را زایل کند اگر کسی بگیرد شکر و عسل و آب بهی
و آب سیب همه برابر و آب انگور سیاه صنف یکی از این اشیا و آبها باهم بیامیزد و هر یکی رطل
از این آب بگیرد زعفران و دارچینی و ابسون و گل و فلفل دراز و فلفل و دهالی و زرنباد و کبابه و جوز بوا
و قرنفل از هر یک سه درم و از مشک ربع درمی و همه را باتش بجوشانند تا به نیمه باز آید پس عسل و شکر با آن
اضافه کند و بجوشانند تا قوام آید پس این آیات در جام آبگینه بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و بشوید و در آن میان
بریزد و او را قدری دیگر بجوشاند تا انعقاد او زیاده شود پس قدری برگ نارنج نرم سوده در آن میان اندازد و از آتش

والارض

برگیرد

و از آتش برگیرد و در رنگین کند و هر شب وقت خواب یک قطعه بخورد مطلوب او بر وجه کمال حاصل آید
دفع ترس یَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَ
الْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يُرْسَلُ
عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ این آیه را بر پوست آهو نویسد و بر بازو
بندد از جمیع آفات و خطرها که از آن بترسد از آن ترس ایمن گردد جهت غالب شدن بر خصم فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ
آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ این آیه بر پوست آهو بنویسد با برگ آب
هو و دو و در روز جمعه بعد از نماز و آنرا بعود و عنبر بخور کند و در غلافی از نقره کند و آنرا در طاقه د بیستار
نگاه دارد و با هر که در جنگ و مجادله مقابل شود غالب آید جهت قوت حافظه اگر سوره حشر را در جام سفید
نویسد و بآب باران بشوید و بخورد نسیان را زایل کند و قوت حافظه او در زیرکی زیاده گردد دفع غم مَا أَصَابَ
مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ چون کسی را غمی
پیش آید سه روز روزه دارد و افطار بر حیوانی نکند بعد از آن بحمام رود و خود را پاک بشوید و آنرا حقیقت سازد
و چون نیم شب شود این آیه را در جام نو بزعفران با آب باران که نو باشد نزدیکی آن باشد پس هر جرعه از آن بخورد تا پانزده
جرعه تمام شود پس در خواب رود چون صباح برخیزد و در آن روز هیچ نخورد دیگر آنچه که آن کوثر بن کرده بلند سه روز تمام برد
بگذرد که از آن غم خلاص گردد جهت دفع جن و اگر سوره الحاقه بنویسد و بشوید و بکودک شیرخواره دهد صاحب ذهن و فطنت
گردد خلاص از بند و بعضی گفته اند که کسی در بند باشد این سوره را یعنی سوره الجن بسیار بخواند خلاص گردد جهت حفظ قرآن از امام جعفر صادق علیه السلام
منقول است که هر کس که سوره المدثر را بخواند و در آخر آن از الله تعالی طلب حفظ قرآن کند از دنیا بیرون نرود تا قرآن یاد نگیرد تمام حاجت
و گفته اند هر کس که در نیم شب جمعه برخیزد و نماز تهجد که ورد داشته باشد بگذارد و بعد از آن چهار رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی
و گفته اند که هر کس که در نیم شب بعد از فاتحه سه بار سوره المدثر بخواند و بعد از آن صد بار صلوات بر رسول صلعم فرستد
بعد از آن هر حاجتی که داشته باشد روا گردد و از خواسته‌های دو جهان بهره یابد محفوظ ماندن از مکر مکاران اگر سوره الاعلی
را بر قطعه جامه نویسد که از مهر دختر بکر بود و با خود نگاه دارد از مکر مکاران و ظلم ظالمان محفوظ ماند و جمیع کارها درست
گردد خلاص از بند اگر سوره الانفطار محبوسان و اسیران بخوانند از بند خلاص شوند جهت قوت حفظ اگر سوره الاعلی بنویسد
و کسی با خود دارد و بعضی گفته اند که ذهن او صافی گردد و قوت حافظه او زیاده شود دفع ترس از امام جعفر صادق منقول است
که هر کس که سوره الفجر در وقت طلوع صبح یازده بار بخواند از هر چه بترسد ایمن شود تا طلوع صبح دیگر دفع بلادت و نسیان
آورده اند که سوره الفجر در ظرف نویسد و بآب برگ سوده و قدری شیره انگور تازه با آن اضافه کند و بخورند بلادت نسیان از او
زایل گردد ذهن او صافی گردد و هر مشکلی که او را بود حل گردد و بعضی این خاصیت را مخصوص ساخته اند بآنکه این سوره را بآب جاری
الذی حرر مسطور نویسد جهت قوت حافظه لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ وَوَالِدٍ
وَمَا وَلَدَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ يَقُولُ أَهْلَكْتُ

تعالی لکبرة المحبب ان کمدیرة احدی این آیات را بنویسد و بآب زمزم بشوید هفت روز برین آیات
مداومت نماید فهم و قوت حفظ او زیاده شود و تعلم علوم بر او آسان گردد **جهت ذهن و حافظه** اقرأ
باسم ربک الذی خلق خلق الانسان من علق اقرأ و ربک الاکرم الذی علم بالقلم
علم الانسان ما لم یعلم ده این آیات را در طبقی پاکیزه که از چوب گز باشد بنویسد بقلم فولاد
بشرطی که روزه دار باشد و قدری آب از جایی که آفتاب بآن نرسیده باشد در آن ظرف کند هر کس که
از آن آب بخورد حاجت او روا گردد و تعلم علوم بر او آسان گردد و این عمل جهت اطفال بسیار مجرب است **و شیخ ابو العباس**
تونی رحمة الله آورده که این آیات بر پوست فیل نویسد روز دوشنبه بطالع ثور چون قمر در ثور رسد و با خود نگاه دارد
فهم و علم و حفظ زیاده گردد **دفع ترس** از پادشاهان و چون خواهد که نزد پادشاهی رود محل در آمدن سوره الزلزال
بخواند ترس او زایل شود **ایمن شدن از دشمن** اگر سوره الکوثر بنویسد و با خود دارد از شر دشمنان ایمن گردد
جهت ظفر یافتن بر دشمن اگر سوره النصر را بر آیینه حرب نقش کند و در مقابل دشمن دارد ان شاء الله تعالی او را بر دشمن ظفر دهد **ایضا**
اگر همین سوره را در شرف شمس و مقابله مریخ بنویسد و با خود نگاه دارد در جنگ بر دشمن غالب آید و از جراحات ایمن ماند
خلاصی از بند از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره الاخلاص اگر کسی در زندان یا در شهر ادبار بخواند خلاص گردد
دفع شر پادشاه اگر سوره معوذتین در وقت آمدن پیش پادشاه بخواند از شر او ایمن گردد **ایمن شدن از بلاها** از جعفر صادق علیه السلام
منقولست که سوره المعوذتین هر بامداد و هر شبانگاه بخواند جمیع بلاها از خانه او دور گردد

باب سیم در دفع بخل و زنا و غیره

در صلوة و دفع زنا و کذب و دفع عذاب قبر لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون و ما تنفقوا
من شیء فان الله به علیم هر که این آیه را بر جامه بخیل نویسد بگلاب و مشک بشوید و این آب بدو
دهند ان شاء الله تعالی بخل از دل او بیرون رود و جواد گردد **و اگر** این آیه را بر شیر برنج بنویسد هر کس که از آن بخورد دار بجهت نماز
شود و همه نمازها را در وقت ادا کند **قوله تعالی** یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود احلت لکم
بهیمة الانعام الا ما یتلی علیکم غیر محلی الصید و انتم حرم ان الله یحکم ما یرید
این آیه را در ظرف آبگینه نویسد و آن را محو کند بعسلی که آتش ندیده باشد چون کسی کذاب باشد و دو بار او
باطل کند از این عسل بخورد آن صفت از او زایل شود و جهت دفع زنا از زانیه این آیات بنویسد بر قطعه پوست آهو
و این آیات را بر آن قطعه خوانند بگویند بحق هذه الآیات اخرج الزنا و ارفع من قلب فلان بن فلانه فانک
فعال لما تشاء و انت القادر من تشاء یا ارحم الراحمین پس این قطعه جامه را دفن کند در قبری
که مجهول باشد و بگوید کما کان صاحب القبور یموت الزنا و حبه من قلب فلان بن فلانه
چون این عمل بکند محبت زنا از دل بیرون رود باذن الله تعالی **جهت ذهن کور** اگر این اسم المصور المبدی
بالیکه بگیر ممزوج بنویسند در قطعه از پوست آهو این نوع م م ص ب و د د ی و با بیت دفن کند خدای
تعالی فرزند او را منور گرداند و از فساد کس محفوظ ماند ان شاء الله تعالی **دفع عذاب قبر و غیره** و بعضی از مشایخ گفته اند

که هر کس جمل وزا اسم القابض والباسط را بر جبل القه بنویسد و بر بازو بندد از خوف و جوع و هلاک
فراغت کند **دفع معصیت و غیره** اگر اسم الرقیب بر در سرای نقش کند اهل آن سرا از معصیت محفوظ باشند
و اگر بر زبان نویسند و به تبرک گویند یا دهان صفت از و زایل شود **و اگر کسی با دهن** زن جمیل یا فرزندان صاحب
جمال باشد بر خواندن اسم الرقیب مداومت نماید حق سبحانه و تعالی ایشان را از فساد در حفظ امان خود دارد
دفع بخل و غیره انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم
آیاته زادتهم ایمانا و علی ربهم یتوکلون هر کس که خواهد سختی دل از دل او زایل شود و بخل از دل
او بیرون رود و بر طاعات و اعمال خیرات راغب گردد و قدری از جو خالص خمیر کند بی نمک و از آن قرصی
بزد پیش از طلوع آفتاب و بنویسد بر آن قرص این آیه را بتعلیمی که فارغ باشد از سیاهی هفت بار پس آن روز
روزه دارد و بر آن قرص افطار کند مقصود حاصل گردد **دفع گرسنگی** از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون
گرسنه باشد سه بار سوره ابراهیم علیه السلام بخواند سیر شود و او را تسلی حاصل آید **دفع کاهلی در نماز** قل ادعوا
الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلوتک و لا تخافت
بها و ابتغ بین ذلک سبیلا و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی
الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا چون کسی کاهل باشد در نماز
و در طلب علم شب پنجشنبه برخیزد در وقت طلوع صبح کاذب و وضو سازد و دو رکعت نماز گزارد پس
این آیات را در جام آبگینه بزعفران بنویسد و آن را بگلاب بشوید و بخورد پس بگوید یا مقلب القلوب یا عالم
کل خفی یا محجوب لا ینسی من ذکره یا من لم یخیب السائلین و یا من یجیب دعوة
المضطرین و یکشف الضر رد علی النشاط فی العمل پس این آیات را هفت بار بخواند و برخیزد و فرض
بامداد بگذارد و بعد از آن دعا کند این کاهلی زو زایل شود البته دعا مستجاب گردد **رغبت در نماز و اجتناب**
از خوردن خمر از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون کسی را در نماز رغبت نبود این سوره را یعنی سوره المؤمنون
نوبتی بخواند در نماز راغب گردد و اگر از امام جعفر منقولست و چون کسی در نماز رغبت نبود اگر این سوره را بر جرم سفید
و یا بر جام خمر خواره بندد هرگز خمر نخورد و در بعضی نسخها آورده اند که این سوره را در شیب جامه سفید نویسد
و بر خمر خوار بندد و دیگر خمر نخورد **دفع احتلام شهوت** اگر سوره النور بنویسد و در فراش خود نهد محتلم نشود و نیز
از امام جعفر صادق منقولست که این سوره را بنویسد و بآب زمزم بشوید و بخورد شهوت جماع ازو منقطع شود و اگر جماع کرد
شل آن لذت نیابد **دفع غیبت و غیره** و لولا اذ سمعتموه قلتم ما یکون لنا ان نتکلم بهذا
سبحانک هذا بهتان عظیم یعظکم الله ان تعودوا لمثله ابدا ان کنتم مؤمنین
و یبین الله لکم الآیات و الله علیم حکیم این آیات را بلاب انگور سفید خوانند و قدری
شکر بر آن اضافه کند و از آن حلوا سازند و بکسی دهند که غیبت کنده و بد زبان باشد تا که بخورد

کندآن صفت از وزایل شود واگر این آیات بر قطعه سفال پخته نویسند و بعد از آنکه آتش نبوده باشد و آنرا در کوزه نهند و این جمع از آن آب بخورند چون آب بخورند این صفت از ایشان زایل شود **اجابت دعا**

شیخ ابو العباس بونی رحمه الله علیه که هر کس که خواهد مستجاب الدعوة شود دو رکعت نماز کند در آخر شب و این آیه که وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ بر کف دست راست نویسد و حاجت بخواهد و بگوید یا رب بحق هذا اجب وانک سمیع الدعاء مطلوب حاصل کرده **رغبت در نماز** وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ مَا أُرِيدُ أَن يُطْعِمُونِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ

اگر کسی در نماز رغبت نباشد این آیه را با خود دارد در گذاردن نماز او را ذوق پیدا شود **دفع عذاب قبر**

اگر سوره الواقعه بر سر قبری خوانند صاحب قبر از عذاب خلاص شود **دفع نحس کینه** يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ چون شقاوت و نحس بر کسی غالب باشد و خواهد که از و زایل شود اول غسل کند و جامه پاک بپوشد و سه روز روزه دارد و این آیه را در جام بکینه نویسد و به آب باران بشوید و هر سه روز از آن افطار کند آن صفت از و زایل شود **اجابت دعا** و از بعضی مشایخ منقولست که هر کس که سوره الحشر را در جبل متوالی هر روز جبل و یکبار بخواند مستجاب الدعوت گردد و جمیع مهمات بر وفق مراد او باشد **دفع عذاب قبر**

اگر سوره تبارک بر سر قبر خوانند عذاب وی سبک گردد **جهت آسان شدن سوال و جواب گور** از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره الحاقه بجهت آسانی سوال و جواب گور هشتاد و پنج نوبت بر سر گور میت بخوانند آسان گردد

دفع احتلام وغیره اگر کسی شب سوره الواقعه بخواند وی را احتلام نیفتد و نیز گویند که هر که در وقت خواب این سوره بخواند خوابهای شوریده نه بیند و تا صباح از همه آفات محفوظ ماند **دفع غم وغیره** اگر سوره الم نشرح در ظرف آبگینه نویسد و بگلاب بشوید هر کس که از آن بخورد غم و وسوسه و شک از و زایل شود **تسکین باد و موج**

اگر سوره فیل در وقت هبوب ریح و ریاح عاصفه بخوانند تسکین یابد والله اعلم

باب ششم

در بعضی تفرقه و دفع ظالم وغیره قوله تعالی أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ این آیات بر پاره کفن مانده باشد بنویسند بس قدری بس قدری خاک از قبر کهنه بر آن پاره ریزد و آنرا در زیر تنور آتش یا در زیر دیوار کهنه دفن کند آن دشمن را درد سر و چشم پیدا شود و باشد که چشم او نابینا گردد و گوش او کر شود و اگر آن دشمن مومن بود روا نبود که این عمل کند

قوله

قوله تعالی وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُم بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ چون کسی خواهد که در شهری هلاک شود و یا در زحمت مستغرق شود این آیه را نقش کند بر صحیفه از آهن و در وقت نقش کردن نام آنکس و نام مادرش و نام کسی که او را یاری کرده باشد نیز نقش کند و آن آهن در آتش اندازد و به آواز بلند بگوید بنام فلان بن فلانه آن شخص در بیماری و رنجی افتد که طاقت آن نداشته باشد **قوله تعالی** وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُم بِهِ إِيمَانُكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ چون کسی دشمنی داشته باشد بر قطعه جبن بنویسند و بدو دهند تا بخورد ذهن او و حفظ او باطل گردد **قوله تعالی** إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُم بِنَهَرٍ فَمَن شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَن لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ این آیه بزعفران و گلاب بنویسد و به آب باران بشویند و بجماعتی دهند که در کاری متفق شده باشند از هم پراکنده شوند و آن کار ایشان از دست بهم ندهد و اتفاق ایشان برطرف گردد **قوله تعالی** إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ چون حاکم ظالم باشد و رعیت از و در رنج و تعب باشند این آیه بر سفال نویسد که از لای ساخته باشد و نام آن ظالم بر آن نویسند و در محکمه او دفن کنند او را انحطاط مرتبه دست دهد **وجهت دفع دشمن** از شهری بنویسند آیة الکرسی در وده که از ایشان دفن کنند پس نتوانند آیند **قوله تعالی** حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا و از خواص این آیه تفرقه است میان زن و مرد که بحرام اختلاط اختلاط داشته باشند و آن طریق که قدری موم سیاه بگیرد و از آن صورت سازد شبیه مرد و شبیه زن صورت دیگر سازد و بر هر صورتی نام او و نام مادر او بنویسند و این آیه را بر قدری پوست آهو بنویسد و آنرا در میان هر دو صورت بپیچد و در موضعی که ایشان هر دو باشند دفن کند بینهما افتراق افتد **قوله تعالی** لَّا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَن ظُلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا

اکرامی بهرا بزعفران و گلاب بنویسد و باب باران بشوید و آن آب را بروی حاکم که باشند حکم براست کند
و عدول را است نکند قوله تعالی واتل علیهم نبأ ابنی آدم بالحق اذ قربا قربانا فتقبل من
احدهما ولم یتقبل من الآخر قال لاقتلنک قال انما یتقبل الله من المتقین لئن بسطت الی یدک
لتقتلنی ما انا بباسط یدی الیک لاقتلک انی اخاف الله رب العالمین انی ارید
ان تبوء باثمی واثمک فتکون من اصحاب النار وذلک جزاء الظالمین
فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله فاصبح من الخاسرین چون کسی خواهد که یکی از
اهل بدعت یا ظلمه هلاک شود صورت او بسازد و این آیه بر سینه آن صورت بنویسد و نام آن شخص
در پشت آن صورت و باید که این عمل در روز سه شنبه کند بوقتی که قمر در محاق باشد و خنجری بگیرد و بر آن نویسد
فاذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب پس آن خنجر در موضعی از اعضاء آن صورت زند
آن شخص بآفات و بلیات بسیار گرفتار گردد و بعد از آن هلاک شود قوله تعالی قل یا اهل الکتاب
هل تنقمون منا الا ان آمنا بالله وما انزل من قبل وان اکثرکم فاسقون
قل هل انبئکم بشر من ذلک مثوبة عند الله من لعنه الله وغضب علیه وجعل
منهم القردة والخنازیر وعبد الطاغوت اولئک شر مکانا واضل عن سواء
السبیل این آیه جهت ابنیاء دشمن مجربست اول روز پنجشنبه روزه دارد و چون نماز شام و خفتن
بگذارد در شب جمعه بگوید یا قدیم الازلی لم یزل یا من لا یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور
علیک فلان بن فلان تاخذ عزیز مقتدر سه پنجشنبه بدین دستور روزه دارد و در شب جمعه همین نوع
کند پس یک قبضه خاک برگیرد و بر آن خاک خواند و آن خاک را در راه آن دشمن افکند و عجایب بیند در نفس
و مال و مرتبه کو جران کند قوله تعالی وقالت الیهود ید الله مغلولة غلت ایدیهم ولعنوا بما قالوا
بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء ولیزیدن کثیرا منهم ما انزل الیک من
ربک طغیانا وکفرا والقینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیمة کلما اوقدوا
نارا اطفأها الله ویسعون فی الارض فسادا والله لا یحب المفسدین چون جمعی از اراذل
جمع شوند و ایشان را داعیه آن شود که باتفاق کاری کنند که خلاف رضاء خدا تعالی باشد و خواهی که متفرق
شوند بگیر از بزرگترین ایشان قدری موی و از خوردترین ایشان نیز قدری موی بگیر و هر دو را بجای بسوزد تا خاکستر شود
این آیات در طرفی پاک بنویسد یا در قطعه جامه که از گریبان پیراهن تو برگرفته باشند پس آن را بشوید
از آب برگ سپندی که از آن فشرده باشند پس این آب و این خاکستر در موضع اجماع ایشان پاشد همه متفرق
شوند و دیگر اجماع میان ایشان دست ندهد قوله تعالی فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم ابواب کل

شیء حتی

شیء حتی اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذا هم مبلسون فقطع
دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین این آیه را بر استخوان شتر
که کهنه شده باشد بنویسد در خانه ظالم اندازد سرای او ویران گردد جهت فرقت قوله تعالی
ولو تری اذ الظالمون فی غمرات الموت والملائکة باسطوا ایدیهم
اخرجوا انفسکم الیوم تجزون عذاب الهون بما کنتم تقولون علی
الله غیر الحق وکنتم عن آیاته تستکبرون ولقد جئتمونا فرادی
کما خلقناکم اول مرة وترکتم ما خولناکم وراء ظهورکم
وما نری معکم شفعاءکم الذین زعمتم انهم فیکم شرکاء لقد
تقطع بینکم وضل عنکم ما کنتم تزعمون چون جمعی از ظلمه اتفاق کرده قصد شهری کنند سه برگ بید از
درخت بگیرد در روز یکشنبه پیش از طلوع آفتاب بروجهی که هیچکس از آدمیان او را نه بیند
و نام آن قوم در یکروی برگها بنویسد و این آیات را در روی دیگر و باید که در وقت نوشتن
هیچ آدمی او را نه بیند و هر روز یک برگ در آبی اندازد که ایشان میخورند و یا در موضعی که ایشان باشند
متفرق شوند دفع ظلم ظالم بدیع السموات والارض انی یکون له ولد ولم تکن له
صاحبة وخلق کل شیء وهو بکل شیء علیم ذلکم الله ربکم لا اله الا هو
خالق کل شیء فاعبدوه وهو علی کل شیء وکیل لا تدرکه
الابصار وهو یدرک الابصار وهو اللطیف الخبیر اگر این آیه را
بر قطعه چوب که زنویسد و بر روی دیگر صورت ظالمی و یا حاکمی بکشند و یا بنویسند
فلان بن فلان مرتبه در موضع تاریک بنهد در کار آن ظالم اختلاط پیدا شود جهت دیر
ماندن دشمن در زندان قال ادخلوا فی امم قد خلت من قبلکم من الجن
والانس فی النار کلما دخلت امة لعنت اختها حتی اذا اداركوا فیها
جمیعا قالت اخراهم لاولاهم ربنا هؤلاء اضلونا فاتهم عذابا ضعفا
من النار قال لکل ضعف ولکن لا تعلمون چون کسی را دشمن در زندان باشد
و خواهد که در زندان مدت دیر بماند این آیه در پوست نرغاله سرخ بنویسد که مدبوغ باشد بنام المکس و بنام
مادر المکس یا بن طرتی مکثا مکثا یا فلان بن فلانه لبثا لبثا فلان بن فلانه
تثبیطا مکثا بلا زوال پس آن نوشته را دفن کند در آن موضع که محبوس باشد ما دام که
آن نوشته در آن زمین مدفون باشد آن شخص محبوس باشد جهت هلاک شدن دشمن اگر اسم
القوی الواجد روز شنبه در روی ظالمی بخواند و باد بر او دمد و بگوید اللهم محق هذین الاسمین
امح اسم فلان بن فلان من الدنیا آن ظالم هلاک شود جهت هلاکی دشمن شیخ ابو العباس بونی رحمه الله

آورده است که چون کسی را دشمن قوی باشد قدری ریگ آرد جمع کند و هر دو یک غلوله خورد و سار دارایی
و بر هر یکی بنویسد یا قوی و به نیت دشمن آنرا در نهر پاک بیندازد تا بر غلان کوه برزان دشمن مقهور و مغلوب
کردد و اگر بعد از عمل این خواندن این اسم مداومت نماید آن دشمن هلاک کردد و چنین گویند که خواجه نصیر الدین
طوسی در آورده شکار کو بجهت خلفاء عباسیه این عمل کرد تا آنکه فتنها بظهور آمد دفع خصم امام علی بن
موسی الرضا علیه السلام فرموده که هر که اسم الحسیب را روزی از روزهای هفته هشتاد و نه بار
بگوید و ابتدا از روز پنجشنبه کند در دفع دشمن از این قوی تر وردی نباشد و هم از آن حضرت منقول است
که مظلومی در سحرگاه شصت و شش نوبت بگوید یا وکیل و دعا بر ظالم کند آن ظالم را زوال
برسد ذلیل شدن خصم از بعضی مشایخ منقول است که هر کرا خصمی قوی باشد طهارت کند و دو
رکعت نماز بگذارد و در سجده بنهد هفتاد و پنج بار بگوید اسم المعز تبضرع تمام انشاء الله تعالی
نکبت آن خصم در خواهد هم او خوار و ذلیل شود دفع ظالم قوله تعالی فلما جاء امرنا جعلنا عالیها
سافلها وامطرنا علیها حجارة من سجیل منضود مسومة عند
ربک وما هی من الظالمین ببعید چون کسی شریری یا ظالمی گرفتار باشد و خواهند که
کار او در تزلزل افتد این آیه را در ساعت هفت قطعه سفال سبز بنویسد و در آخر شب جمعه که آخر ماه باشد
و یکی از قطعات در سرای او پنهان کند و باقی را هم بگوید در اطراف سرای او باشد آن منزل او ویران
شود و او را قدرت شرارت و ظلم نماند و اگر این آیه در دیگ نویسد بنام ظالمی و آنرا بر آتش جان بار
کند تا بجوشد آن شخص را تب گیرد و چون تعظیم آیات قرآن واجبست باید که امثال این اعمال
خالصاً لله تعالی باشد بجهت خلاصی مسلمانان و اگر کسی عیاذاً بالله این عمل بسبب مسلمانی کند بجهت بغض و حسد
وبال و نکبت باو راجع شود و آن مسلمانرا از آن ضرری نرسد ایضا وکذلک اخذ ربک
اذا اخذ القری وهی ظالمة ان اخذه الیم شدید خاصیت این آیه آنست که
بر قطعه از دیگ سنگین کهنه نویسد و در خانه پنهان کند اما باید که احتراز کند از آنکه بسبب
مسلمانی این کند البته شر او باو راجع شود و آن مسلمان از آن سالم بماند جهت انحطاط
حاکم ظالم اگر سوره رعد در شب تاریک در روشنائی آتش بعد از نماز خفتن بنویسد و در همان
لحظه آنرا در خانه حاکم ظالم آویزد لشکر و رعیت او دیگر در سخن او نشنوند و متنفر او را انحطاط افتد
جهت معزول شدن عمله ظالم و حاکم اگر سوره رعد در شب تاریکی که در آن شب رعد و برق و باران باشد
در کاسه کهان نو بنویسد و آنرا از باران بشوید و هم در آن شب تاریک در خانه عمله ظالم و حاکم بپاشد
و چون بامداد آن ظالم از خانه خود بیرون آید و باز بخانه خود در نگردد الا که معزول شده جهت هلاکی ظالم فاسق
الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه ویقطعون ما امر الله به ان یوصل
ویفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة ولهم سوء الدار این آیات را جهت هلاکی ظالم

که مسلمان نباشد و یا ظالم فاسق بود بجهت اول روز بیست و هشتم ماه روزه دارد و اگر در دوشنبه بود بهتر
و بزمان جوا افطار کند و نیم شب برخیزد و در صحرا اگر کسی نباشد و یا در بام خانه که کسی نباشد بعد از آن
بکند و سر برهنه کند و این دو آیه را هفت بار بر آن بخواند و ده بار بگوید اللهم علیک فلان بن فلان
اللهم اعکس علیه امره واخذل نصره ولا تثبت اقدامه وذلله بما ذللت کل جبار عنید
و چون چنین کند آن دشمن متفرق الحال گردد و هلاک نزدیک شود دفع ظالم قوله تعالی ومثل کلمة خبیثة
کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار چون ظالمی یا شریری که مسلمانان
از و متضرر باشند در روز چهارشنبه از طین پاک که در یک نداشته باشد لوح مربع سازد پیش از طلوع آفتاب
در سایه خشک کند و این آیه که در چهارشنبه دیگر بر آن لوح بنویسد با آب نیل از قلمی که از چوب زیتون بود و بسی اینج
لوح را نرم بکوبد و در خانه آن ظالم ریزد امور عجیب مشاهده کند و اگر چنین این را روز شنبه بر پوست مدبوغ
که مدبوغ باشد بنویسد در وقتی که ماه ناقص النور بود و آن پوست در آبی اندازد که آن شخص از آن آب
بخورد بیمار گردد و هلاک شود دفع ظالم از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام منقول است که مظلومی
را از دست ظالمی برآید در برابر او بایستد و ده بار بگوید یا رؤف آن ظالم شفاعت او را
در حق مظلوم قبول کند جهت متفرق شدن خصمان از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که اگر کسی خواهد
که دشمنانرا متفرق کرداند سوره النحل را بیست و یکبار و بروایتی صد و بیست بار بخواند و اگر بنویسد و
با خود دارد همه دشمنان مسخر او کردند و اگر در موضعی که اهل فسق یا اهل ظلم جمع میسازند این سوره را نوشته
در آن موضع دفن کنند تا آن قوم متفرق گردند و هلاک و بیمار شوند در همان سال دفع شر از اشرار و اعادی
وینذر الذین قالوا اتخذ الله ولدا ما لهم به من علم ولا لآبائهم کبرت کلمة تخرج
من افواههم ان یقولون الا کذبا فلعلک باخع نفسک علی آثارهم ان لم یؤمنوا
بهذا الحدیث اسفا انا جعلنا ما علی الارض زینة لها لنبلوهم ایهم
احسن عملا وانا لجاعلون ما علیها صعیدا جرزا خاصیت این آیه را دفع اشرار
و اعادی و یکدیگر عیش و بال ایشان بگیرد در روز شنبه اول از ماه محرم پیش از طلوع آفتاب هفت
قبضه خاک از هفت موضع اول مسجدی که خراب شده باشد دوم بقعه که متروک شده باشد سیوم
سرایی که انجا مجالس نباشد چهارم حمام معطل پنجم داش خانه که خراب شده باشد ششم خانه که
موضع جان باشد هفتم سر چهار راه بر این آیات را بر هفت قبضه خاک هفت بار بخواند و در
آخر بگوید فلان بن فلانه را و جمیع ما هو فیه و حرکته و سکون و قول و عمل و زرع و ما یشبهه
اللهم اجعل ذلک وبالا فعله ونکالا لا لحق غیره و امره بر آن خاکها را باهم بیامیزد
و قبضه از آن در سرای یا باغ و یا زرع تا هفت شنبه این چنین باشد بعد از آن شاید کند دفع ظالم قوله تعالی
قال له صاحبه وهو یحاوره اکفرت بالذی خلقک من تراب ثم من

نطفة ثم سواك رجلا لكنا هو الله ربي ولا اشرك بربي احدا چون ظالمی زنی که
از دین بیگانه باشد و خواهد که دفع او کنند باید که روز پنجشنبه و روز جمعه روزه دارد و نیم شب
شنبه این آیه را بنویسد بر زنانه کهنه باشد و آنرا در خرقه پیچد که از پیراهن ترسایی باشد پس آنرا
در خانه او دفن کند تا عجایب بیند **فی البغض** وما ارسلنا من قبلک من رسول
الا نوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون وقالوا اتخذ الله ولدا
سبحانه بل عباد مکرمون لا یسبقونه بالقول وهم بامره یعملون یعلم ما بین
ایدیهم وما خلفهم ولا یشفعون الا لمن ارتضی وهم من خشیته مشفقون
ومن یقل منهم انی اله من دونه فذلک نجزیه جهنم کذلک نجزی الظالمین
چون ظالمی و فاسقی که مومنان را آزار رساند و مردم از او متوهم باشند هر روز شنبه از هفت
موضع خاک بردارد از قبر مسلمانان از قبر یهودان از قبر ترسایان از قبر مجوس
از قبر ظالمی و یا از حاکمی و یا از پادشاهان قدیم از سرایی که ویران شده باشد از زمین وقف پس این آیه را
هفت بار بر هر یکی از این خاکهای هفتگانه خواند و همه را با هم بیامیزد و در روز چهارشنبه آخر ماه این خاک
در منزل آن ظالم پاشد تا از این خاکهای هفتگانه خواند و همه را با هم بیامیزد تا عجایب و غرایب مشاهده کند
جهت آواره کردن ظالم از مکان او از امام جعفر الصادق علیه السلام منقولست که اگر سوره الحج را بنویسند
و بشویند و بپاشند در موضعی که حاکم ظالم یا پادشاه جابری نشیند معطل و منقص گردد و ترس
برو غالب شود و از آن موضع انتقال کند **اف ام حال ظالم** ثم اخذتهم فکیف کان
نکیر فکاین من قریة اهلکناها وهی ظالمة فهی خاویة علی عروشها
وبئر معطلة وقصر مشید افلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون صح
بها او آذان یسمعون بها فانها لا تعمی الابصار ولکن تعمی القلوب
التی فی الصدور خاصیت این آیات افساد حال ظالم و پریشانی حال او ست هفت
برگ درخت از درختهای بیابان بگیرد و هر روز یک برگ پیش از طلوع آفتاب و ابتدا از روز شنبه
آخر یکشنبه از ماه و بر روی و پشت هر برگ این آیه بنویسد پیش از آنکه خشک شود و همه را در سایه
خشک کند و همه را نرم بکوبد و در وقت کوفتن نام آن ظالم می گفته باشد پس آنرا در خانه آن
ظالم بپاشد و عجایب بسیار مشاهده کند **جهت معزول شدن ظالم** یا ایها الناس
ضرب مثل فاستمعوا له وان یسلبهم الذباب شیئا لا یستنقذوه منه
ضعف الطالب والمطلوب ما قدروا الله حق قدره ان الله لقوی
عزیز خاصیت این مثل آیه بیشتر است این آیه را در ظرف چوبین نویسد با یک شکر
در آب کرده باشد روز آنرا بشویند با آب چاهی که معطل باشد که مالک آن معلوم نباشد

بلزان

[illegible]

بلزان آب در محلی که محکمه آن ظالم باشد بپاشد کار او در تزلزل افتد و معزول شود **در تفرقه میان**
ولا تکرهوا فتیاتکم علی البغاء ان اردن تحصنا این آیه را در ظرفی نویسد با آب و عسل
و آنرا با آب بشویند و در موضعی بپاشند که اهل فتنه و شر و فتنه در آن موضع جمع میشوند تفرقه در میان
ایشان جمع می افتد و متفرق الحال گردند **در منکوب شدن دشمن** طسم تلک آیات الکتاب المبین
لعلک باخع نفسک الا یکونوا مومنین ان نشا ننزل علیهم من السماء آیة
فظلت اعناقهم لها خاضعین هر که این آیه را بر کف خاک خواند که آفتاب ندیده باشد بر روی
دشمن پاشد منکوب و مخذول گردد **در تفرقه و عداوت میان جمعی دشمنان** واذ نادی ربک موسی ان
ائت القوم الظالمین قوم فرعون الا یتقون این آیه را بنویسد و بشویند و در طعامی کنند که جمعی
که نزارت و فساد اتفاق کرده باشند متفرق شوند و میان ایشان عداوت پیدا شود و دیگر اجتماع ایشان
متصور نباشد **دفع ظالم و شرار و غیره** ولما توجه تلقاء مدین قال عسی ربی ان یهدینی سواء
السبیل ولما ورد ماء مدین وجد علیه امة من الناس یسقون ووجد من دونهم امرا
تین تذودان قال ما خطبکما قالتا لا نسقی حتی ... ثم تولی الی الظل فقال رب انی لما انزلت
الی من خیر فقیر فجاءته احدیهما تمشی علی استحیاء قالت ان ابی یدعوک لیجزیک
اجر ما سقیت لنا فلما جاءه وقص علیه القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمین

چون این آیات در روز جمعه بعد از نماز که مردم بیرون آیند در روزی که ابر نباشد بنویسد و با خود دارد و چهل بار
این آیات برخواند حامل از شر دشمنان و ظالمان و پادشاهان جابر ایمن باشد و از هر چه ترسناک باشد محفوظ ماند
و اگر حم سوره را بنویسند و با باران **جهت بیمار شدن دشمنان** از امام جعفر الصادق علیه السلام منقولست که اگر
سوره زمر را بنویسند و در ظرف آبگینه سر سنگ نهند و آنرا در سرای دشمن بگذارد اهل آن سرا بیمار شوند **و اگر یمن**
سوره را بنویسند و با آب باران بشویند و در ظرف سفالین کنند هر کس که از آن آب بخورد بیمار شود مگر آنکه
باشد که نابینا گردد **جهت خراب شدن خانه ظالم** وقالت طائفة منهم یا اهل یثرب لا مقام لکم
فارجعوا ویستاذن فریق منهم النبی یقولون ان بیوتنا عورة وما هی بعورة ان
یریدون الا فرارا ولو دخلت علیهم من اقطارها ثم سئلوا الفتنة لآتوها وما تلبثوا بها الا یسیرا
چون کسی خواهد که دفع ظالمی کند این آیات را بر هفت پاره سفال که از کوزه کهنه باشد نویسد و آن پارهای سفال را از گورها
را با هم بیامیزد و بکوبد و قدری خاک وقف از مسجدی که ویران شده باشد با آن بیامیزد و در منزل ظالم بپاشد حال او
متغیر گردد و خرابی بخانه او راه یابد و کار او در تنزل افتد **جهت فساد حال دشمن** لئن لم ینته المنافقون
والذین فی قلوبهم مرض والمرجفون فی المدینة لنغرینک بهم ثم لا یجاورونک فیها الا قلیلا
ملعونین اینما ثقفوا اخذوا وقتلوا تقتیلا سنة الله فی الذین خلوا من قبل ولن تجد لسنة

الله تبدیلا يسئلك الناس عن الساعة قل انما علمها عند الله وما يدريك لعل الساعة
تكون قريبا ان الله لعن الكافرين واعد لهم سعيرا خالدين فيها ابدا لا يجدون وليا
ولا نصيرا يوم تقلب وجوههم في النار يقولون يا ليتنا اطعنا الله واطعنا الرسولا این را
بجهت فساد حال دشمن بحاجت چون دشمن باشد که تقوی او بر خلایق بسیار می‌کند و ضرر او از حد گذشته کسی ... و ... دستد که
که باز کرد و از شر و افساد و بلا که خدا سوال فرموده بران عمل کن و گرنه بلای بزرگ متوجه تو خواهد شد تو را با این طریق ... او کشته
اگر باز نه ایستد و توبه نکند جای معطل هم نیست از آب چاه قدری بگیرد و این آیات در رقعها نویسد یا در یک
وزن از ان آب را بشوید و در منزل ان شخص پاشد حال و بقا در انجا بد و دیگر نتواند که در ... دمال و باور
جهت دفع ظالم قل جاء الحق وما يبدئ الباطل وما يعيد قل ان ضللت فانما اضل على نفسي وان
اهتديت فبما يوحي الي ربي انه سميع قريب چون ظالمی باشد که به بندگان خدا از زحمت ... رسد و نصیحت
کسی قبول نکند این آیات را در رقعه نویسد و بر ظرف آب که از چاه معطل باشد کرده باشند بشویند و در منزل او بپاشند
کار ظالم در منزل افتد که دیگر قدرت ظالم نباشد که بر عمل ظلم راه یابد دفع اعدا وجعلنا من بين ايديهم
سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون اگر این آیه را بر ... نویسد یا نقش کند در صحیفه
مس یا صفحه زر و محکم کند آن را بر ... و از اطراف اعدا و مخالفان دین کند همه مخذول و منکوس گردند و مکر و کید ایشان
بنفس ایشان باز گردد دا کردن ... آیه را در وقت مخاصمه دو کس بخوانند هر یکی که ظالم که باشند مخذول گردد دا کردن
آیه را بوقتی که جامه خواب در آید بخواند از دزد و هر مفسدی که باشد محفوظ ماند خواب و مبهوت و حیران شدن دشمن خصم
ان كانت الا صيحة واحدة فاذا هم خامدون يا حسرة على العباد چون کسی با دشمنی در ...
ملاقات کند این آیه را در پیش روی او بخواند از درد و هر مفسدی که باشد و بعد از ان بگوید الله الغالب
الله القادر المذل لكل شئ جبار عنيد ناصر الحق حيث كان بي الحول والقوة ان
دشمن خوار و حیران و مبهوت گردد جهت معزول شدن حاکم ظالم از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که سوره ص را بنویسد
و در ظرفی از آبگینه یا سفال نو نهد و در موضع حاکم ظالم نهان کند سه روز نگذرد که معزول شود جهت توبه کردن ظالم
از ظلم وذكر عبدنا داود ... ايد انه اواب لا تخف خصمان بغى بعضنا على بعض فاحكم
بيننا بالحق ولا تشطط واهدنا الى سواء الصراط این آیه را الوحی ازقلعی ... نقش کند و در محکمه
هر ظالم که باشد دفن کند از ظلم توبه کند و قادر نشود دیگر بار ظلم کردن جهت ظالم معزول شدن از حکم ولقد
فتنا سليمان والقينا على كرسيه جسدا ثم اناب قال رب اغفر لي وهب لي
ملكا لا ينبغي لاحد من بعدي انك انت الوهاب فسخرنا له الريح تجري بامره رخاء
حيث اصاب والشياطين كل بناء وغواص وآخرين مقرنين في الاصفاد
هذا عطاؤنا فامنن او امسك بغير حساب این آیه را جهت عزل حکام ظالم است قطعه سفالی که
کهنه بگیرد و این آیات را بر آن نقش و بعد از ان بگوید که کذلك نخرج فلان بن فلان عن حكمه وبحق اسماء

هذه و آن قطعه سفال را دفن کند در موضعی که بجهت حکم می‌نشیند و معزول شود جهت عزل ... دشمن
ونفخ في الصور فصعق من في السماوات ومن في الارض الا ما شاء الله ثم نفخ فيه اخرى فاذا هم
قيام ينظرون واشرقت الارض بنور ربها ووضع الكتاب وجيء بالنبيين
والشهداء وقضي بينهم بالحق وهم لا يظلمون هر کس که این آیه را در روی دشمن بخواند
مبهوت و متحیر گردد ترک کردن ظالم ظلم سنريهم آياتنا في الآفاق وفي انفسهم حتى
يتبين لهم انه الحق اولم يكف بربك انه على كل شئ شهيد الا انهم
في مرية من لقاء ربهم الا انه بكل شئ محيط این آیات را بنویسد
بر قطعه از جامه دختر بکر غیر بالغه و در آخر بنویسد کذلك یری الله فلان بن فلان من آياته العظمى
وقدرته القاهرة يا مودع ظلمة ... في ظلم غرهم وبصرت لسانه و ليسكن جنانه ... الي
نوشته بغیر بالغه دهد تا در بالش ظالم آن را پنهان سازد بجایی که او واقف نشود آن ظالم را صفتی حاصل
شود که ترک ظلم دهد و المتعال پسندیده بکند دفع شر ظالم حم عسق این کلمه پنج حرف
و كهيعص پنج حرف اگر در قرآن پنج آیه است که در اول هر یک حرفی از حروف
كهيعص است و آخر حرفی آن حروف حم عسق و چون این آیات را خواهد که بخواند
ابتدا از آیه اول کند ابهام دست راست فرو گیرد و همچنین در حروف كهيعص انگشتهای دست
چپ و این پنج آیه اینست ك كماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض
فاصبح هشيما تذروه الرياح ه هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب
والشهادة هو الرحمن الرحيم ي يوم الازفة اذ القلوب لدى الحناجر
كاظمين ما للظالمين من حميم ولا شفيع يطاع ع علمت نفس ما احضرت
فلا اقسم بالخنس الجوار الكنس ص ص والقرآن ذي الذكر بل الذين
كفروا في عزة وشقاق ق چون بدین طریق این پنج آیه بخواند و بر باد دهد ظالمی که
باشد در آید از شر او ایمن شود و جمع مرادات او بر آید و فواید و منافع آن زیاده از آنست که محصور توان
بود دور واره کردن دشمن والذين قتلوا فدعا ربه ان هؤلاء قوم مجرمون فاسر بعبادي

لیلا انکم متبعون واترک البحر رهوا انهم جند مغرقون کم ترکوا
من جنات وعیون وزروع ومقام کریم ونعمة کانوا فیها فاکهین کذلک واو
رثناها قوما آخرین چون کسی خواهد که از شهری یا بشهری یا بمکانی بیرون رود بگیرد
گربه سیاه و سر دم او را ببرد و روز سه شنبه آخر ماه که قمر در محاق باشد و این آیات را بر پوست آهو نویسد
و آنکس را نام برد و گوید بحق هذه الآیات یخرج فلان هاربا من هذا المکان فلا یرجع الیها و آنرا دفن کند
در راهی که میخواهد که از آن راه برود و سر گربه و دم گربه را بسوزد و خاکستر آن در آن جا باشد و بگوید
هکذا یخرج ویتفرق البلاد از آن موضع برود و سر گربه و دم بان موضع رجعت نکند جهت شکست
و مقهور شدن دشمن والذین قتلوا فی سبیل الله فلن یضل اعمالهم یا ایها الذین
آمنوا ان تنصروا الله ینصرکم ویثبت اقدامکم فلا تهنوا وتدعوا الی
السلم وانتم الاعلون والله معکم ولن یترکم اعمالکم این آیه را از محمد صلعم
استجابت این سه آیه بر سپر نویسد و سپر را در روز جنگ در مقابل اعدا دارد دشمن مخذول و مهزوم اول والذین
کفروا فتعسا لهم واضل اعمالهم دوم اولئک الذین لعنهم الله فاصمهم واعمی
ابصارهم سیم ذلک بانهم اتبعوا ما اسخط الله وکرهوا رضوانه فاحبط
اعمالهم چون قبضه خاک از زمین معرکه جنگ و قتال که در آن موضع واقع باشد برگیرد و این سه آیه را بر آن خاک
خواند و بر روی دشمن باشد هم بگریزند و مقهور گردند جهت ویران شدن خانه ظالم وکاین من قریة
هی اشد قوة من قریتک التی اخرجتک اهلکناهم فلا ناصر لهم بگیرد آجر
و این آیه را بر آن نویسد و این اشکال بسوزد و خاکستر آن در حوالی سرای ظالم یا فاسق یا جایی که
مسلمانان از و متنفر باشند بریزد آن سرا خالی و ویران گردد جهت بعدل آمدن ظالم قوله
یا ایها الذین آمنوا اذا جاءکم فاسق بنبأ فتبینوا ان تصیبوا قوما
بجهالة فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین جهت خراب شدن سرای دشمن والذاریات
ذروا فالحاملات وقرا فالجاریات یسرا فالمقسمات امرا انما توعدون
لصادق وان الدین لواقع والسماء ذات الحبک انکم لفی قول مختلف یؤفک عنه

من افک

صون

من افک قتل الخراصون الذین هم فی غمرة ساهون یسألون ایان یوم الدین
یوم هم علی النار یفتنون ذوقوا فتنتکم هذا الذی کنتم به تستعجلون
این آیه بجهت خرابی خانه دشمن مجربست از برای که خراب شده چهل قطعه سفال از ... سفالها از برای منزل
بنویسد ابتدا از روز شنبه کند و هر روز آنرا در ساعت زحل باشد بنویسد بعد از آن که سفالها
تمام نوشته باشد در مدت هفت روز پنج سفال را زان ساعت مریخ نرم بکوبد و بعد از آن قدری
خاک از مقبره قدیم بآن بیامیزد و آنرا در خانه آن ظالم یا دشمن بریزد عجایبها مشاهده کند
خراب کردن سرای فلان وفی عاد اذ ارسلنا علیهم الریح العقیم ما تذر من شیء اتت
علیه الا جعلته کالرمیم وفی ثمود اذ قیل لهم تمتعوا حتی حین فعتوا عن
امر ربهم فاخذتهم الصاعقة وهم ینظرون فما استطاعوا من قیام
وما کانوا منتصرین چون قمر در مقارن مریخ باشد این آیات بر صورت
گاوی یک سر که از مس ساخته نقش کند و در سرای ظالمی یا فاسقی یا جایی دفن کند آن را
خراب و ویران گردد و کسی دیگر در انجا مقام نکند جهت نکبت و وبال دشمن و فاسق و ظالم والطور
وکتاب مسطور فی رق منشور والبیت المعمور والسقف المرفوع
والبحر المسجور ان عذاب ربک لواقع ما له من دافع یوم تمور السماء
مورا وتسیر الجبال سیرا فویل یومئذ للمکذبین الذین هم فی خوض
یلعبون یوم یدعون الی نار جهنم دعا هذه النار التی کنتم بها
تکذبون افسحر هذا ام انتم لا تبصرون اصلوها فاصبروا او لا
تصبروا سواء علیکم انما تجزون ما کنتم تعملون این آیات بجهت
وبال و نکبت دشمن ظالم و فاسق و کافر مناسبست بگیرد لوحی از چوب خرطوب شنبه در آخر ماه
این آیات را بر آن لوح نقش کند و در وسط سقف خانه آنکس دفن کند و اگر آن دشمن
از اهل خیمه باشد این آیات را در جامه قطعه قطعه از جامه را هم بنویسد و آن قطعه در بالای
خیمه محکم کند تا عجایب بیند جهت هلاکت ظالم وما ارسلنا علیهم ریحا صرصرا
فی یوم نحس مستمر تنزع الناس کانهم اعجاز نخل منقعر چون این آیات
کسی در پیش روی ظالمی بخواند چند نوبت و باد بجانب او دمد هفت روز متوالی باین دستور
عمل کند آن ظالم بمردن رسد یا توبه کند بهتر گردد جهت تفرقه شدن ظالم و فاسق سیهزم الجمع
ویولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة ادهی وامر هر کس که این آیه را در لوحی از ارزیز

در شرف زحل نقش کند و نگاه دارد و آن لوح را در موم زند و این دواء را بر قدری خاک خوانده هفتاد بار
بدان موم بر شده و دفن کند در مکانی که جمعی ظالمان و فاسقان که در آن جمع می‌شوند همه متفرق و مخذول
کردند و آن لوح را با خود دارد و در مقابل دشمن بایستد دشمن را قرار نماند جهت دفع شر و قطاع الطریق
از جنگ و دشمن وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ
يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ چون آفتاب در اوایل حمل باشد در
روز یکشنبه این آیات بر شمشیر نقش کند بر شرطی که با طهارت باشد بر روی دشمن و قطاع الطریق که
این تیغ را بکشد حرکت ایشان ساقط شود و مخذول گردند ایضا این آیه بر لوح از فولاد
نقش کند و هر کس که با خود دارد از جن و از و ترسان باشند و جهت اطفال نیز مناسبت
دفع شر شیطان و ظلم سلطان از امام جعفر الصادق علیه السلام منقول است که اگر سوره ممتحنه بجهت دفع
شر شیطان و دفع ظلم ظالمان پنج نوبت بخواند دفع ضرر دشمن شود قوله تعالی وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ
تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ
يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ این آیه را بر خاک پاک
خوانده که پای کسی بدان نرسیده باشد و اندکی از آن در روی دشمن و بدگوی بپاشد خاک [illegible] زبان او
بسته شود و دیگر از شر او نرسد دفع البغض و المکر و گفته‌اند سوره الطلاق را بنویسد
و بشوید و آن آب در هر خانه که بریزند و کس در آن خانه مقام نکند و اگر آن آب را در موضعی سکونی ریزند
فتنه و شور و قتال در آن موضع ظهور آید جهت تفریق بین الزوجین عَسَى رَبُّهُ إِنْ
طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ
تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا چون زنی صالحه به نکاح فاسقی یا جعدی
در آمده باشد و باز پشیمان شده و خواهد که میان ایشان تفریق شود این آیه را در کاسه‌ای کبود دیباجی
و قطران بنویسد و نام ایشان بنویسد و بآب بشوید و در آن اسرار ریزد که در آن ساکن
باشند میان ایشان مفارقت افتد و دیگر میان ایشان اصلاح نپذیرد التفرقه بین الزوجین وَلَوْ تَقَوَّلَ
عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا
مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ چون زنی صالحه در نکاح شخصی فاسق باشد و از وی متأذی
باشد و خواهد که خلاص شود صورتی از زر بسازد و این آیات را بر پشت آن صورت بنویسد و بگوید
اقطع النکاح فلان بن فلانه عن سایر الف مقصود حاصل گردد دفع جور حکام وَمَا تَشَاؤُونَ
إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ
أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا این آیه را جهت دفع جور حکام است در صحیفه‌ای از زر یا مس بدستار دو این آیات را
بر آن نقش کند در روز جمعه اول ماه بوقتی که قمر زاید العدد باشد و ناظر مشتری و بری از نحوس
و بعد از آن بگوید احبس هذا الظالم و رد کیده علیه انک انت القادر المقتدر و این را در محکمه او
دفن کند حکم بدی نکند دفع شر سلاطین اگر سوره حمد بنویسد و بر ذراع خود بندد قوت او زیاده گردد و چون

سر سلطان

پیش سلطان رود از شر او ایمن گردد جهت آواره کردن دشمن قوله تعالی يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ
وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وُجُوهٌ
يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ
تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ چون خواهند که شریری یا جنبیدی از شهر غایب
شود این آیات را بر پوست خرس بنویسند و صورت آن شخص در آن رسم کنند در روز پنجشنبه بوقتی که قمر
در عقرب باشد و آن را در قدحی آهنین نهند و سر آن محکم کنند و در دروازه شهر آن را دفن کنند و از آن شهر بیرون رود و نتواند
که در آن شهر مقام کند جهت معطل کردن اهل بازار وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ
يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ
عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ این آیات را بر سنگی نویسد و در دکان بزاز یا تاجر اندازد
از بیع و شرا معطل ماند و کار او بی رونق شود و این بوقتی جایز باشد که آن شخص چیزی که از بیع و شرا امیدواری کند بفسق و معاصی
خرج کند و حق الله ادا نکند دفع شر حکام اگر کسی در آمدن نزد حکام سوره کهیعص بخواند از شر ایشان محفوظ ماند
در نقصان رسانیدن تجار فاسق ظالم و بخیل سوره العصر را بر صحیفه‌ای از زر نقش کند در روز شنبه بوقتی که زحل در طالع
بود این صحیفه را در دکان او پنهان کنند در معامله او زیان کند و بیع و شرا در دکان او کمتر واقع شود دفع بدی بدگویان
از امام جعفر صادق منقول است که سوره همزه بجهت دفع بدگویان بیست و یکبار بخواند و اگر با خود دارد همیشه نفع دهد
دفع دشمن مطلق اگر در رکعت اول از سنت نماز بامداد سوره الم نشرح بخواند و در رکعت دوم الم تر کیف الله تعالی دشمن را
از وی دفع کند و حکما گفته‌اند که اگر کسی در میان لشکر سوره الفیل بخواند لشکری که از اهل بغی باشند مخذول و منهزم گردند
اگر مبارز این سوره را در وقت جنگ بخواند غالب گردد جهت هلاک دشمن از امام جعفر الصادق علیه السلام منقول است اگر در شب یکشنبه یا
شب سه‌شنبه یا از چهارشنبه بعد دو رکعت که در آن سوره الفیل است و اینها را بخواند و بجانب دشمن باد دمد دشمن هلاک شود باذن الله تعالی
جهت حبس البول اشقیا و ظالمان اگر فاسقی و یا ظالمی یا مبتدعی را خواهند که حبس البول شود سوره الم تر کیف بر پوست تخم مرغ
بنویسد و اگر در قطعی بپیچد که از جامه او بود و در آتش اندازد بول او محبس شود باذن الله تعالی دفع دشمن از امام جعفر صادق
علیه السلام منقول است که سوره نصر را بجهت دفع دشمن بیست و یکبار بخواند جهت هلاک دشمن از امام جعفر الصادق منقول است

صح

که سوره کریمه تبت یدا ابی لهب از برای هلاک شدن دشمن هفت بار بخوانند کفایت کند دفع پادشاهان
اگر سوره قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس در وقتی که پیش پادشاهان بخوانند از شر ایشان ایمن گردد انشاء الله

باب ششم در دفع موذیات و غیره الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم
وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم ان الله لذو فضل علی الناس و
لکن اکثر الناس لا یشکرون این آیه را بسیار در طشتی نویسد و بعضی دهد برگ زیتون را
بشویند و در خانه پاشند مار و کژدم و کیک و همه حیوانات موذیه که دران خانه باشند بمیرند و اگر پنجشنبه الی
چهار برگ زیتون نویسند و در چهار کنج آن مکان خانه دفن کنند همه پشه از ان خانه بگریزند و آیة الکرسی بر چهل برگ
زیتون نویسند و در چهار کنج خانه دفن کنند همه پشه بمیرند قوله تعالی وما محمد الا رسول قد خلت
من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم ومن ینقلب علی عقبیه
فلن یضر الله شیئا وسیجزی الله الشاکرین هر کس که این را بر دیوار خانه نویسد مار و کژدم
دران خانه نیاید قوله تعالی الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات
والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون هو الذی خلقکم من طین ثم
قضی اجلا واجل مسمی عنده ثم انتم تمترون وهو الله فی السموات وفی
الارض یعلم سرکم وجهرکم ویعلم ما تکسبون وما تاتیهم من
آیة من آیات ربهم الا کانوا عنها معرضین این آیه را بر صحیفه چینی
سفید بنویسد و به آب باران بشوید آن آب را در چهار کنج خانه بپاشند مار و کژدم و هر حیوانی که موذیه باشد از ان منزل
بیرون رود و دیگر باز دران نزدیک دفع مار و کژدم المص کتاب انزل الیک فلا یکن فی
صدرک حرج منه لتنذر به وذکری للمؤمنین اتبعوا ما انزل
الیکم من ربکم ولا تتبعوا من دونه اولیاء قلیلا ما تذکرون شیخ ابو العباس
بونی رحمة الله علیه فرموده که اگر این آیه بر سنگ سفید نقش کند و در موضعی از خانه محکم کند هر کس که دران خانه نشیند
بغض و حسد و غل و غش از دل بیرون رود و مار و کژدم هرگز دران خانه نیاید و بعضی از مشایخ جهان عمل کرده اند که اگر این

اول اسوره ابراهیم

اگر این آیه اول از سوره ابراهیم با ... ختم باید کرد قوله تعالی الر کتاب انزلناه الیک لتخرج
الناس من الظلمات الی النور باذن ربهم الی صراط العزیز الحمید دفع مار
و کژدم و حیوانات موذیه از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست افامن اهل القری ان یاتیهم
باسنا بیاتا وهم نائمون او امن اهل القری ان یاتیهم باسنا ضحی وهم یلعبون
افامنوا مکر الله فلا یامن مکر الله الا القوم الخاسرون هر که این را اول در
روز محرم در کاغذی نویسد و آن را در آب بشوید و آن آب در چهار کنج خانه یا سرا بپاشند آن خانه یا آن سرا در آن
سال از مار و کژدم و از جمیع حیوانات موذیه محفوظ ماند باذن الله تعالی دفع هوام موذیه الفاطر ذو الجلال
والاکرام اگر در ساعت هفتم از شب بر سفال بنویسد و آن را در آن موضع دفن کنند شر دران موضع در
نیاید و بگریزد اگر در ساعت اول شب آن را بر پوست پلنگ نویسند و دران موضع بگذارند هوام موذیه از ان موضع
بگریزد باذن الله تعالی دفع کیک العلیم الحلیم اگر این دو اسم بر دیوار خانه نویسند کیک دران خانه نباشد
دفع موش و سوس اگر اسم الوهاب را در ظرف سفالین نویسد روز شنبه پیش از غروب آفتاب در انبار غله نهند از موش
و سوس محفوظ ماند دفع سباع اگر اسم الوارث را وقت غروب آفتاب بحروف مقطعات بر پوست بز نویسند
و با خود نگاه دارند سباع از ان منزل بگریزند دفع گرگ از گله گوسفندان از ابن عباس رضی الله عنه منقولست
که چون این لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین
رؤف رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو
رب العرش العظیم بخوانند با دگله گوسفندان از گرگ محفوظ ماند دفع شپش قالوا
یا ذا القرنین ان یاجوج وماجوج مفسدون فی الارض فهل نجعل لک
خرجا علی ان تجعل بیننا وبینهم سدا قال ما مکنی فیه ربی خیر فاعینونی
بقوة اجعل بینکم وبینهم ردما آتونی زبر الحدید حتی اذا ساوی بین
الصدفین قال انفخوا حتی اذا جعله نارا قال آتونی افرغ علیه قطرا فما اسطاعوا
له نقبا قال هذا رحمة من ربی فاذا جاء وعد ربی جعله دکا وکان

ان یظهروه وما استطاعوا

وکان وعد ربی حقا وترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض ونفخ
فی الصور فجمعناهم جمعا از عبد الله عباس رضی الله عنه منقولست که چون پیش هر کسی علیه کنند
این آیه را بسیار خواند از آن آفت خلاص گردد **دفع ترس از مار** والله خلق کل دابة من ماء
فمنهم من یمشی علی بطنه از عبد الله عباس منقولست که چون کسی که از مار ترسد این آیه بسیار خواند
هرگز از مار متضرر نشود **دفع مار و کژدم و جمیع حیوانات موذیه** از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون سورة
النمل بنویسد بر ورق آهو و در پوست مدبوغی به پیچند که از آن چیزی نبریده باشد و در صندوقی
نهند و در هر خانه که این صندوق باشد مار و کژدم و سباع و حیوانات موذیه نزدیک آن خانه نشوند **دفع حیوانات موذیه**
از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر کس که سورة سبا را بر کاغذی نویسند و در قطعه جامه سفید به پیچند و با خود
نگاه دارد از جمیع حیوانات موذیه محفوظ ماند و مادام که با او باشد هیچ آفتی بدو نرسد **دفع موذیات**
اگر سورة الرحمن بر دیوار خانه نویسند جمیع جنبندگان زیانکار در آنجا در نیایند **دفع مار و کژدم و موش و کیک و پشه**
شیخ ابو العباس بونی رحمة الله علیه آورده که این سوره را بر پوست جلد و بنویسند و در آن خانه که دود کنند مار و کژدم و کیک
و موش و پشه از آن خانه بگریزند **دفع حیوانات موذیه و پشه** از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سورة عم بنویسند و در
هر کجا خواهند بنهند پشه و حیوانات موذیه باز نزدیک آنکس نشوند **دفع موش و غیره** از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سورة المطففین
را بنویسند بر چیزی مخزون یا بخوانند الله تعالی آنرا از موش و از بعضی جانوران موذیه محفوظ دارد **آسان شدن درد گزیدن مار و کژدم**
که سورة الانشقاق بر مار و کژدم گزیده بخوانند درد ساکن شود **و چون بر دیوار** خانه نویسند جنبندگان بیکار در آن خانه در
نیایند **حفظ انبار غله از موذیات و غیره** علما آورده اند که اگر کسی سورة التین بر انبار غله خواند الله سبحانه و تعالی انبار
از آفات نگاه دارد و برکت در آن انبار پیدا شود باذن الله تعالی **دفع عقرب** اگر این دو اسم القائم والواحد
بنویسند و بشویند و به کژدم گزیده دهند وجع درد زایل شود **دفع هوام موذیه** اگر در منزل هوام بسیار باشد سورة لم یکن
در طشتی بنویسند به آب چاه ازو باز دارد **دفع هوام** اگر سورة القارعة بر طشت نویسد و به آب چاه بشوید و در هر خانه که بپاشند
هوام در آن خانه نباشند و بگریزند **دفع زهر** اگر در طعامی زهر کرده باشند چون سورة التکاثر بر آن طعام بخوانند و بخورند زهر کار نکند
و از این جهت مرتضیان در دی که از بعضی طعامها پرهیز کنند چون خوردن آن ضرور است باید که این سوره را بر آن خوانند و بخورند

ضرورت

دیگر این سوره در ظرف پاک بنویسند و به آب باران بشویند و بکسی دهند که او را زهر داده باشند باذن الله تعالی شفا یابد

باب سیوم در جلب و قبول موعظه و فتح الرجال و قبول خاطر و شغل و حکومت

قوله تعالی واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا واذکروا نعمة الله علیکم اذ کنتم
اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا وکنتم علی شفا حفرة من النار
فانقذکم منها کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون ولتکن منکم امة
یدعون الی الخیر ویامرون بالمعروف وینهون عن المنکر واولئک هم المفلحون
و چون این آیه بر پوست آهو بره بنویسند و در روز دوشنبه بوقتی که قمر زاید النور بود و به آب شاه توت و با خود بندد
نام آن دو کس که الفت در میان ایشان خواهد باین طریق که مؤلف القلوب العزیز فلان بن فلان کذلک یؤلف الله
بینهما کما الف بین الثلج والنار اللهم یا ودود الف بین قلوبهما علی طاعتک بعد از آن
آنرا با خود ببندد دشمنی از دل آنکس بیرون رود و دوستی گردد و اگر این آیه درویشی یا واعظی بنویسد بعد از آن آنرا با خود
دارد موعظه این فرد و سخنان او را همه کس قبول کنند **جهت قبول خلق** فالق الاصباح وجعل اللیل سکنا
والشمس والقمر حسبانا ذلک تقدیر العزیز العلیم وهو الذی جعل لکم النجوم لتهتدوا بها
فی ظلمات البر والبحر قد فصلنا الآیات لقوم یعلمون هر کسی که این آیه نقش کند بر نگین لاجورد در ساعت سیوم
روز چهارشنبه در خاتمی نشاند و با خود دارد همه حاجات او بر آورده شود و نزد همه کس محبوب باشد و مقبول القول گردد
فتح الرجال علما این آیه را هر کس نویسد و او را بسته باشد گشاده گردد باذن الله تعالی **للحب** وهو الذی
انشاکم من نفس واحدة فمستقر ومستودع قد فصلنا الآیات لقوم یفقهون
این آیه بر پوست آهو بنویسند بنام هر کسی که خواهد بنام او دارد آنکس که خواهد طاقت مفارقت او نداشته باشد و بی او صبر
نتواند کرد **للحب** شیخ ابو العباس بونی رحمة الله فرموده است که هر کسی که هر روز صد بار اسم الرحیم بخواند بر همه خلقان
مهربان گردد و همه خلقان بر وی مهربان گردند و خاصه او برادر او **للحب** الودود این اسم در محبت اثری تمام
دارد و اگر این اسم را در وقتی که قمر در شرف باشد متصل به مشتری بنویسند بر قطعه حریر سفید بیست و پنج بار و با خود
دارد در دل همه کس محبوب باشد و مقبول القول گردد **جهت تسخیر خلایق** الر تلک آیات الکتاب الحکیم اکان للناس

عجبا أن أوحينا إلى رجل منهم أن أنذر الناس وبشر الذين آمنوا أن لهم
قدم صدق عند ربهم قال الكافرون إن هذا لساحر مبين. إن
ربكم الله الذي خلق السموات والأرض في ستة أيام ثم استوى على العرش
يدبر الأمر من شفيع إلا من بعد إذنه ذلكم فاعبدوه أفلا تذكرون
اگر کسی در ایام البیض از ماه رمضان و از ماه شعبان روزه دارد پس نماز شام بگزارد بار که وتره و بناج نکرده
و نمکی نیم کوفته روزه بگشاید و در روی قبله بنشیند و بر حضرت کاینات صلوات فرستد تا آن وقت که نماز خفتن بگزارد
و بعد از آن با دعیه و تسبیح الجهر مشغول شود بخواند و این آیات را بر کاغذی نویسد از آب برگ مورد و زعفران و در زیر سر نهد
و در خواب رود چون در صباح برخیزد نماز صبح بگزارد این را با خود دارد هر چون رود هر کس او را ببیند منقاد او گردد و در نعمت
و قدر و علو مرتبه او بغایت رسد جهت قبول از خلایق ولقد جعلنا في السماء بروجا وزيناها
للناظرين وحفظناها من كل شيطان رجيم چون این آیه بر نگین خاتم نقش کند و در انگشت کند
و یا آن را بر پوست آهو نویسد و با خود دارد مقبول القول و نزد مردم و بدرجه اعلی رسد و نزد حکام و قضات و سلاطین
اعتبار تمام گردد جهت قبول از خلایق کهیعص و سایر حروف مقطعات که در اوایل سورهاست مکی خاتمی نقش کند و با
خود دارد محبوب القلوب و مقبول القول مردم گردد در جهت قبول [illegible] شیخ ابو العباس بونی رحمة الله آورده است که در روز
چهاردهم ماه که عدد سوره طه بر صفحه نقره نقش کند و با خود دارد در نعمت و عزت و جاه او را بلند گرداند و مقبول
القول و نزد همه کس اعتبار گردد جهت قبول ناطق ولقد خلقنا الإنسان من سلالة من طين ثم
جعلناه نطفة في قرار مكين ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة
مضغة فخلقنا المضغة عظاما فكسونا العظام لحما ثم أنشأناه
خلقا آخر فتبارك الله رب العالمين اگر این را بنویسد بر جامه بچه که باید بوتانا اقامت
داده باشد و او را در زیر دستار نهان کند و زنان را در زیر عصابه خود کند مقبول القول گردد و در نظر مردم عزیز
و محترم نماید جهت محبت خلایق یا موسی لا تخف إني لا يخاف لدي المرسلون أقبل ولا تخف
إنك من الآمنين لا تخف نجوت من القوم الظالمين لا تخاف دركا ولا تخشى

لا تخافا

لا تخافا إنني معكما أسمع وأرى چون این آیه را در روز جمعه از ماه رجب بر نگین خاتم عقیق
نقش کند هر که او را ببیند دوستی گیرد و در نظر مردم با هیبت نماید و نزد همه کس گرامی و معزز و مکرم باشد جهت محبت
أولم يروا أنا خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعاما فهم لها مالكون وذللناها لهم
فمنها ركوبهم ومنها يأكلون ولهم فيها منافع ومشارب أفلا يشكرون
چون خواهد که میان دو کس محبت و الفت پیدا گردد این آیه را در پوست آهو نویسد و بگلاب و مشک و زعفران به نام
آن کس و نام مادرش چنان کند نوشته و ساس بر بدن او کند منقاد گردد و محبت همه دست برو غالب شود جهت قبول
از امام جعفر الصادق منقول است که هر کس که سوره زمر بنویسد و بر بازوی خود ببندد همه کس در نیکی او گویند و او را
دوست دارند برادرانه جهت منقاد شدن خلایق الله الذي سخر لكم البحر لتجري الفلك فيه بأمره
ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون وسخر لكم ما في السموات وما في الأرض
جميعا منه إن في ذلك لآيات لقوم يتفكرون این آیه را بر صفحه نقره نقش
کند در وقت بانگ نماز با خود دارد هر کس که او را ببیند مطیع و منقاد او گردد اگر هر وقتی که مریخ در هبوط باشد
در مقارن قمر در روز جمعه از [illegible] قطعه از حریر سفید بنویسد و در گشتی اندازد از جمع آفات محفوظ ماند جهت دوستی خلایق
قوله تعالی عسى الله أن يجعل بينكم وبين الذين عاديتم منهم مودة والله قدير
والله غفور رحيم این آیه را در روز جمعه بعد از نماز بر صفحه ای نقش کند بوقتی که قمر در تابع طالع بود و مسعود بود
هر کس که این صحیفه با خود دارد محبوب القلوب گردد جهت مطیع شدن فرزندان از امام جعفر صادق منقول است
که سوره صف را هفت بار بخواند همه فرزندان مطیع او گردند و منقاد او باشند جهت مطیع شدن خلایق
قوله تعالی يريدون أن يطفئوا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو كره الكافرون
هو الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره
المشركون يا أيها الذين آمنوا هل أدلكم على تجارة تنجيكم من عذاب
أليم تؤمنون بالله ورسوله وتجاهدون في سبيل الله بأموالكم وأنفسكم ذلكم خير

لكم

إن كنتم تعلمون. يغفر لكم ذنوبكم ويدخلكم جنات تجري من تحتها الأنهار ومساكن طيبة في جنات عدن ذلك الفوز العظيم. وأخرى تحبونها نصر من الله وفتح قريب وبشر المؤمنين. فالله خير حافظا وهو أرحم الراحمين. این آیات را بر حریر سفید بمشک خالص بنویسد و زعفران و گلاب که از گل نرین گرفته باشند و او را در میان پنهان کند و در زیر همه جامها و هر کس که او را ببیند از وی حرمت و احتشام او کند **جهت عزت و قبول** قوله تعالی لا أقسم بهذا البلد وأنت حل بهذا البلد ووالد وما ولد. لقد خلقنا الإنسان في كبد أيحسب أن لم يره أحد ألم نجعل له عينين ولسانا وشفتين وهديناه النجدين. این آیه بر جامه نویسد و آن جامه بپوشد پیش هر کس که رود هیبت و قبول آن در دل آن کس آید و محترم و منقضی الحوائج گردد **جهت قبول القول شده** هر کس که بر قرائت سورة والشمس مداومت نماید او را نزد همه کس قبول و حظ بود و بعضی گفته اند که این سوره را بر پوست آهو نویسد و بر عمامه خود نگاه دارد محبوب همه دلها گردد و هر کس که او را ببیند از وی بترسد **جهت قبول خاطر عامه** هر کسی که با قرائت سورة الماعون مداومت نماید همه خلایق سخن او قبول کنند و الله تعالی دعاهای او مستجاب گرداند **جهت قبول خاطر حکام** قوله تعالی يريدون أن يطفئوا نور الله بأفواههم ويأبى الله إلا أن يتم نوره ولو كره الكافرون. هو الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون. این آیات در جام آبگینه نو بزعفران و گلاب بنویسد و آن را بعود و عنبر بخور کند و بروغن یاسمین بشوید و در شیشه نگاه دارد و چون خواهد که پیش کسی از ارباب جاه و دولت رود از آن روغن بر جبین کشد قبول عالم تمام یابد و عزت و جاه او بیفزاید **اگر آن آیه** بر پوست آهو بزعفران و گلاب بنویسد و بر بازوی راست بندد به همان مقصود حاصل آید **فتح الرجال** اگر سوره یس بمشک و زعفران بنویسد و بکسی دهد که او را بسته باشند گشاده گردد **فتح الرجال** قوله تعالی إنا نحن نحيي الموتى ونكتب ما قدموا وآثارهم وكل شيء أحصيناه في إمام مبين. این آیه را بر تخم مرغ جوشیده پوست باز کرده بنو

[Margin:] الذي أنقض ظهرك ورفعنا لك ذكرك فإن مع العسر يسرا

بعفران

و بعد از آن عسل و روغن گاو بآن اضافه کند و بکسی دهد که او را بسته باشند گشاده گردد **فتح الرجال** قوله تعالی ومن آياته خلق السموات والأرض وما بث فيهما من دابة وهو على جمعهم إذا يشاء قدير. این آیه را بر ظرف سفال سفید بگلاب و زعفران بنویسد و بآب باران پاک بشوید و بکسی دهد که او را بسته باشند گشاده گردد **جهت عزة یافتن** نزد خلایق از امام جعفر علیه السلام منقولست که هر کس سوره القمر بنویسد روز جمعه بوقت نماز و آن را در زیر عمامه خود نهد نزد خلایق عزیز و مکرم و محترم باشد و کارهای صعب بر او آسان شود باذن الله تعالی **فتح الرجال** قوله تعالی ومثل الذين ينفقون أموالهم ابتغاء مرضات الله وتثبيتا من أنفسهم كمثل جنة بربوة أصابها وابل فآتت أكلها ضعفين فإن لم يصبها وابل فطل والله بما تعملون بصير. چون کسی را بسته باشند این آیه بر پشت او بنویسند گشاده گردد **عقد الرجال** قوله تعالی حرمت عليكم أمهاتكم وبناتكم وأخواتكم وعماتكم وخالاتكم وبنات الأخ وبنات الأخت وأمهاتكم اللاتي أرضعنكم وأخواتكم من الرضاعة وأمهات نسائكم وربائبكم اللاتي في حجوركم من نسائكم اللاتي دخلتم بهن فإن لم تكونوا دخلتم بهن فلا جناح عليكم وحلائل أبنائكم الذين من أصلابكم وأن تجمعوا بين الأختين إلا ما قد سلف إن الله كان غفورا رحيما. **جهت عقد الرجال** این آیه را بنویسد و نام آن شخص و نام مادر آن کس و درستی بسازد و نوشته در میان نهد و بگوید یا فلان بن فلانه ذهب شهوتک من النساء بهذه الآیه و آن صورت در خرقه سیاه بجدود در مقبره دفن کند آن شخص دیگر بار قادر نشود بر صحبت داشتن و شهوت زنان از دل او بیرون رود و بسیاری طایفه از زنان که شهوت بر ایشان غالب بود چنین عمل کرده اند و از قید شهوت خلاص یافته اند قوله تعالی يا أيها الناس قد جاءكم برهان من ربكم وأنزلنا إليكم نورا مبينا. فأما الذين آمنوا واعتصموا به فسيدخلهم في رحمة منه وفضل ويهديهم إليه صراطا مستقيما. اگر این آیه را بگلاب و زعفران بنویسند و در زیر دستار باشد و این را بکسی دهد که او را بسته باشند در زمان گشاده شود

در برابر پیشانی کرده و در بعضی رساله آورده اند که بشویند و بخورانند به کسی که گنگ شده شود **جهت عزت اکابر** قوله تعالی

وَقُل رَّبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَل لِّي مِن لَّدُنكَ

سُلْطَانًا نَّصِيرًا وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا چون

کسی خواهد که پیش سلاطین و وزرا و اشراف رود اول غسل کند و جامه پاک بپوشد و دو رکعت نماز بگذارد و در آید

و در راه این آیه میخواند تا وقتی که پیش ایشان رسد اقبال و اکرام و تعظیم بسیار معین نماید **فی تسخیر الرجال**

اگر مردی کسی بسته باشند بنویسند سوره مریم و بشویند و بخوراند مرد گشاده شود **جهت دادن وغیره که زود برآید**

قوله تعالی وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ

مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا منقولست که هر وقت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم کاری که

صعب پیش آمدی جبرئیل علیه السلام او را گفتی برخوان که تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ أَبَدًا

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وَلِيٌّ مِّنَ

الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا حق سبحانه تعالی آن مهم صعب را سهل گردانیدی و در اثنا را آمده است که هر کس که این

آیه را بخواندی و بعد از آن تکبیر گفتی اگر درویش باشد غنی گردد و صحابه این را تجربه کرده اند و گفته اند که هر کس که این را بر او خواند

او را بر ابر آسمانها و زمینها و کوهها ثواب دهند **برآمدن حاجات از ملوک** از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره

فاطر را هشتاد و پنج بار بخواند و هر حاجتی که نزد حکام و سلاطین داشته باشد بر آید **جهت کفایت شدن مهمات و بزرگ**

از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره المؤمن را بوقت درماندگی در کارها یکبار بخواند باسانی بر آید **جهت کفایت مهمات**

از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره زخرف را جهت کفایت کارها سه بار بخواند از آن مهم بکفایت رسد **در طلب حاجات**

و بعضی اکابر منقولست که چون کسی پیش از صبح برخیزد و عنبر بخور کند و هزار و یکبار بخواند که إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ

ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ مجرب یکهفته باین دستور عمل کند بهر نیتی که بخواند و هر مقصود که داشته باشد حاصل آید **برآمدن مهمات**

وغیره از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره حشر را جهت برآمدن مهمات چهل روز هر روز یکبار بخواند و اگر یکی

روز فوت شود باز از سر آغاز کند و بعضی از علما گفته اند که جهت برآمدن حاجات وضو سازد و چهار رکعت نماز بگذارد و در

و در هر رکعت بعد از فاتحه و این سوره که مذکور شد بخواند و در رکوع نیز این سوره بخواند و بهر حاجت که داشته باشد گرا انیت کند

بزودی آسانی برآید **گفته اند که در حصول مطالب شیخ ابو العباس** وله تعالی لِيُنفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ

وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا

سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا **و نیز شیخ ابو العباس** رحمه الله آورده که سیجعل الله بعد عسر یسرا

گوید و نیز گفته اند هر را بر پوست آهو بمشک و زعفران بکلاب بنویسد و با خود دارد و هر مهم و مطلوب که

داشته باشد بر آسان گردد و دشواریها بر وی آسان گردد **العزة** قوله تعالی إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ

وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ هر کس که در روز آخر ماه شعبان یا روز

عرفه یا روز جمعه اول هر ماه که باشد روزه دارد و این آیه را هزار و چهار صد بار بخواند بیک مجلس بشرطی که اول غسل کند و جامه و قدر

او بشوا باید و نزد سلاطین و حکام معزز گردد و رنج و غم از دل او دور گردد و بر خصمان غالب آید و بمراد و مقصود رسد و حصل گردد و نیز اورا

صفای باطن دست دهد و جلای روشنی قلب حاصل شود **جهت هیبت در نظر سلاطین** و چون سوره و الفجر عاشرا بنویسد و با

خود دارد در نظر حکام و سلاطین و بزرگان از اشراف هیبت نماید و هر کس که این سوره را در مکانی که خوف داشته باشد بخواند از آن مکان

بسلامت بیرون آید **جهت آسان شدن دشواریها** اگر سوره الم نشرح در عقب نمازی بخواند مدت یکهفته کارها

و دشواریها آسان گردد و بعضی گفته اند که جهت آسان شدن دشواریها این سوره را بر صفحه از سرب نقش کند و در وقت طلوع

آفتاب در درجه اول حمل شده و قمر نیز با او باشد و با خود دارد مقصودش حاصل آید **جهت برآمدن مهمات** از امام جعفر علیه السلام

منقولست که سوره الفجر صد و هشت بار بخواند و نیز گفته اند که هر کس که بر قرائت این سوره مداومت نماید در امان حق تعالی باشد **نماز**

حاجت خواستن اگر در نیم شب پنجشنبه کسی برخیزد و وضو سازد و دوازده رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از

فاتحه ده بار سوره الماعون بخواند و هر دو رکعت بگذارد ده بار بگوید استغفر الله پس چون از نماز فارغ شود

در سجده شود و از حق تعالی هر حاجتی که داشته باشد بخواهد البته ان حاجتها روا گردد والله اعلم بالصواب

باب نهم جهت قوه حافظه و جاه و قبول خلایق و ازدیاد رزق و خیر و برکت در مهمات و چون فاتحه را در طشت

آبگینه بمشک و زعفران بنویسد و از آن بگلاب بشویند و بکسی دهند که ابله و بر آمده باشد یا در قوه حافظ او ضعیفی باشد تا

هفت روز متواتر از آن گلاب بخورد ابلهی از وی زایل شود و قوه حافظ او زیاده شود **قوله تعالی** الم ذلك الكتاب

لاریب فیه هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب ویقیمون الصلوة
ومما رزقناهم ینفقون ۝ والذین یؤمنون بما انزل الیک وما انزل من
قبلک وبالآخرة هم یوقنون ۝ اولئک علی هدی من ربهم واولئک هم المفلحون
هر کس این آیات را در اول روز پنجشنبه در ظرف پاک بمشک و زعفران بنویسد و از آب چاهی که شیرین بود بشوید
و در آن روز روزه دارد و در شب بآن آب روزه گشاید مدت سه روز یا پنج روز بدین دستور عمل کند حفظ او قوی گردد
و نور و علم و معرفت در دل او ظهور کند قوله تعالی ورفع بعضهم درجات وآتینا عیسی
ابن مریم البینات وایدناه بروح القدس ولو شاء الله ما اقتتل الذین
من بعدهم من بعد ما جاءتهم البینات ولکن اختلفوا فمنهم من آمن
ومنهم من کفر ولو شاء الله ما اقتتلوا ولکن الله یفعل ما یرید ۝
هر کس این آیات بر صفحه مس بنویسد در اول ماه و با خود دارد نسیان او زائل شود و قوت حفظ او زیاده شود و اگر
از مشک و زعفران بر ورقی آهو بنویسد و با خود دارد در رفعت و جاه او بیفزاید و قبول خاطر خلایق او را دست
دهد و در حدیث سلمان فارسی رضی الله عنه آمده است که حضرت افضل کائنات و اکمل التحیات فرموده
هر کس آیة الکرسی بزعفران بر کف دست خود بنویسد و از زبان بلیسد و هفت نوبت چنین کند هیچ چیزی فراموش نکند
و دوستکان [illegible] خوانند قوله تعالی آمن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون
کل آمن بالله وملائکته وکتبه ورسله لا نفرق بین احد من رسله
وقالوا سمعنا واطعنا غفرانک ربنا والیک المصیر لا یکلف الله نفسا الا
وسعها لها ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او
اخطانا ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا
ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولانا فا
نصرنا علی القوم الکافرین . اگر این را بسیاهی در ظرف پاک بنویسد و بآب چاهی که شیرین بود
بشوید و هر کس از آن آب بخورد قوة حافظه او زیاده گردد قوله تعالی هو الذی انزل علیک الکتاب

مح

نزد حکام و پادشاه وزیر او کفایه گردد در وسعت رزق قل من یرزقکم من السماء والارض
امن یملک السمع والابصار ومن یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من
الحی ومن یدبر الامر فسیقولون الله فقل حسبی الله افلا تعقلون . اگر این را بر طومار
نویسد و در خرقه کبود پیچد و بر بازوی راست بندد اسباب حصول رزق او بآسانی مهیا شود جهت کفایه مهمات
از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر کرا کاری دشوار پیش آید سوره هود علیه السلام سیزده بار بخواند مهم او بکفایت رسد
خیر و برکت در تجارت اگر سوره ابراهیم علیه السلام بنویسد و در [illegible] با خود دارد خیر و برکت در تجارت او ظهور آید
جهت نفع رسیدن اگر کسی از اهل بازار سودا کند سوره الحجر بنویسد و در کیسه خود نگاه دارد نقد کیسه و منافع او بسیار شود
و مردم از و معامله کردن با او دوست دارند در وسعت رزق قوله تعالی والارض مددناها والقینا فیها رواسی
وانبتنا فیها من کل شیء موزون . وجعلنا لکم فیها معایش ومن لستم له برازقین
اگر کسی این آیه را بر لوحی نقش کند و در دیوار خانه دکان خود مرکب کند و یا بر کاغذی در میان متاع نهد اسباب رزق
او بسهولت مهیا شود و منافع بسیار یابد و اگر آن لوح را در باغ مرکب کند میوه آن باغ بسیار [illegible] شود و درخت آن
باغ محفوظ ماند ایضا و دفع درویشی و غیره از امام جعفر صادق منقول است که اگر کسی سوره الکهف بنویسد و در شیشه تنگ سر کند
و آنرا در منزل خود نگاه دارد از درویشی و قرض خلاص گردد و اهل و عیال او محتاج کسی نگردد و هیچکس نتواند که ایذای
بدیشان رساند و اگر همین سوره را بنویسد و در انبار نخود و برنج و گندم و جو و هر جنس غله باشد در نهد
بهمان از جمیع آفات محفوظ ماند در وسعت رزق از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است اگر کسی را روزی فراخ
نباشد به تنگدستی او هفت نوبت سوره مریم بخواند روزی او فراخ گردد و از تنگی خلاص در رفعت
قوله تعالی واذکر فی الکتاب موسی انه کان مخلصا وکان رسولا نبیا ونادیناه
من جانب الطور الایمن وقربناه نجیا این آیه را در روز پنجشنبه که آفتاب در
شرف باشد در صحیفه از زر نقش کند و باید روزه داشته باشد و آن نقش کننده را با خود نگاه دارد
و از ملوک و سلاطین عنایت حاصل کند و تقرب او بدرجه اعلی رسد و اگر در روز جمعه این آیه را بر [illegible]
قطعه کاغذ نویسد [illegible] آن بخورد زیرکی او زیاده شود و ینابیع حکمت بر زبان او جاری شود

در رفعت قوله تعالی وَاذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِنَّهُ کَانَ صِدِّیقًا نَبِیًّا وَرَفَعْنَاهُ مَکَانًا عَلِیًّا
اگر کسی این آیه را بر حریر زرد بزعفران که بعسل حل کرده باشند و بموم و کندر با یکدیگر گرفته بخور کند
و آن را با خود دارد در رفعت و قدر و علو مرتبه او بغایه رسد و نزد همه کس مقبول القول گردد و حکام و
سلاطین و وزرا او را مکرم و معزز دارند در رفعت اگر سوره طه را بنویسد و بشوید و از آب آن بخورد
و پیش حاکم و یا سلطانی رود مطلوب او بحصول انجامد در العزة والجاه و از ابن عباس رضی الله عنهما منقولست
که چون کسی را نزد سلطان حاجتی باشد و بترسد که پیش او رفتن و بگوید که لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی
مسلمین. بعد از آن نزد سلطان رود مطلوب او حاصل گردد طلب حاجات قوله تعالی یا ایها النبی
انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا و داعیا الی الله باذنه و سراجا منیرا
و بشر المؤمنین بان لهم من الله فضلا کبیرا و لا تطع الکافرین و المنافقین
بالله وکیلا فایده و منفعت این آیه بسیارست که هر کس که قدری مشک و زعفران و بروغن یاسمین حل کند
و این آیات را بر آن روغن خواند هفت روز هر روز بعد از نماز بامداد پیشه کند هر روز هر دو ابروی خود و عارض
خود را از آن روغن چرب کند هر که او را به بیند از ملوک و سلاطین و غیر آن از مخلوقات از وی بترسد و با وی
سخن کند از گفته او تجاوز ننمایند و هر حاجتی که از کسی طلب کند حاجتش را روا کنند و بمطالب خود برسد
و هیچ کس بمخاصمت بر وی ظفر نیابد در وسعت رزق قوله تعالی اللهُ لَطِیفٌ بِعِبَادِهِ یَرْزُقُ
مَنْ یَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیزُ از شیخ ابو العباس رضی الله عنه منقولست که هر که هر روزی
در ساعت اول این آیه را هزار و یکبار بخواند روزی او فراخ گردد و مرادات او حاصل شود و جاه او بیفزاید
و خلایق او را الفت گیرند جهت سعت رزق گفته اند که در شب اول ماه رمضان بوقت دیدن هلال ماه
سوره فتح بخواند الله تعالی ابواب رزق بر وی گشاده گرداند در آن سال تا اول ماه رمضان دیگر جهت سعت رزق
از عبد الله مسعود روایتست که رسول صلعم فرموده که هر که سوره واقعه هر شب بخواند خوف درویشی
در دلش ناید دفع قحط از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره والذاریات بجهت فراخی عیش

و دفع قحط

و دفع قحط معتاد و پنج بار بخوانند دیگر از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره الواقعه
بجهت فراخی روزی چهل و یکبار بخوانند در وسعت رزق قوله تعالی وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ
اِلَّا لِیَعْبُدُونِ مَا اُرِیدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا اُرِیدُ اَنْ یُطْعِمُونِ اِنَّ اللهَ
هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِینُ این آیه را در خاتم فضه نقش کند بطالع سعود و در وقت نقش
کردن این آیه میخوانده باشد و در مدت یک هفته هر روز این آیه چهل بار بخواند و آن خاتم را با خود دارد روزی
بروی فراخ گردد و خیر و برکت بیفزاید و معظم و مکرم جهت وسعت رزق قوله تعالی وَالَّذِینَ تَبَوَّءُوا
الدَّارَ وَالْاِیمَانَ وَیُؤْثِرُونَ عَلَی اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ کَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ یُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَاُولٰئِکَ
هُمُ الْمُفْلِحُونَ این آیه را در روز یکشنبه اول ماه در وقت طلوع آفتاب بر زر نقش کند و بعود
و به غالیه آن را بخور کند و آن خاتم را در انگشت کند روزی بروی فراخ گردد و خیر و برکت بسیار پیدا شود
نوعی دیگر همین آیه را بر پوست آهو بنویسد و با خود دارد کینه و بخل و حسد و غش از دل آن کس که دارد
بیرون رود جهت وسعت رزق قوله تعالی اِنْ تُقْرِضُوا اللهَ قَرْضًا حَسَنًا یُضَاعِفْهُ لَکُمْ وَیَغْفِرْ لَکُمْ
وَاللهُ شَکُورٌ حَلِیمٌ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ این آیه را بشکل مربع بنویسد و در کیسه
نهد و با خود نگاه دارد خیر و برکت بسیار بظهور آید و روزی بروی فراخ گردد جهت وسعت رزق قوله تعالی
فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ اِنَّهُ کَانَ غَفَّارًا یُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْکُمْ مِدْرَارًا
وَیُمْدِدْکُمْ بِاَمْوَالٍ وَبَنِینَ وَیَجْعَلْ لَکُمْ جَنَّاتٍ وَیَجْعَلْ لَکُمْ اَنْهَارًا چون این آیه را
در خاتمی نقش کند و خاتم از نقره باشد و او را در انگشت کند وسعت رزق و پیدا شود و در تجارت سود او
بسیار حاصل گردد و فرزندان او بسیار شوند و برکت در مال او بظهور آید در وسعت رزق بعضی علما
گفته اند هر کس که بر قرائت سوره المزمل مداومت نماید الله تعالی روزی او فراخ گرداند در وسعت رزق قوله تعالی
وَمَا تُقَدِّمُوا لِاَنْفُسِکُمْ مِنْ خَیْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللهِ هُوَ خَیْرًا وَاَعْظَمَ
اَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللهَ اِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ این آیه را در لوح نقره نقش کند
و در وقت نقش کردن این آیه را میخوانده باشد و آن لوح را با خود دارد الله تعالی روزی بروی

فراخ گرداند و از فقر و درویشی ایمن گردد **جهت برکت شدن در طعام** اگر سورهٔ الانفطار بر طعامی
بخواند و برکت در ان طعام بسیار گردد **جهت وسعت رزق** قوله تعالی یا ایها الانسان ما غرك
بربك الکریم الذی این ایتها را بر پوست سبز بنویسد و با خود نگاه دارد روزی بروی
فراخ گردد و سودا و معاملات و نفع تمام یابد **در شرف افتاب نویسد جهت وسعت رزق** قوله تعالی
فاما من اعطی واتقی وصدق بالحسنی فسنیسره للیسری وما یغنی
عنه ماله اذا تردی ان علینا للهدی وان لنا للاخرة
والاولی فانذرتکم نارا تلظی لا یصلیها الا الاشقی الذی کذب
وتولی وسیجنبها الاتقی الذی یؤتی ماله یتزکی وما لاحد
عنده من نعمة تجزی الا ابتغاء وجه ربه الاعلی ولسوف
یرضی این ایات در صفحه از زر در شرف آفتاب نقش کند و با خود نگاه دارد جمیع شوارهیا
روا سان گردد و بسیار خیر و برکت بظهور آید و کارها باسانی برو میسر شود **جهت وسعت رزق**
والضحی واللیل اذا سجی ما ودعك ربك وما قلی وللاخرة خیر لك
من الاولی ولسوف یعطیك ربك فترضی الم یجدك یتیما
فاوی ووجدك ضالا فهدی ووجدك عائلا فاغنی این ایات
بر صفحه از نقره و یا از مس نقش کند و در روز پنجشنبه در وقت طلوع آفتاب بر طالع که نظر نحس نباشد و انرا با خود دارد روزی
و معیشت او تنگ نباشد فراخ گردد **جهت سعة رزق** هر کس که بر قرات سورهٔ الطور مداومت نماید و معیشت او تنگ نباشد
روزی او از جایی برسد که گمان نداشته باشد **جهت ادا شدن قرض** و فراخی رزق در بعضی کتب آورده اند که سورهٔ الواقعه
بسیار بخواند قرض ادا شود **دیگر** اگر بنویسد این سوره را با خود دارد روزی و معیشت او از کار محفوظ ماند و اسباب جمیع اموال اسان گردد
دیگر اگر اسباب معیشت برو تنگ اسباب حصول بروا اسان گردد **دیگر** اگر معیشت برو تنگ باشد این سوره بخواند روزی از جایی
برسد که چشم نداشته باشد **وسعت رزق** سورهٔ القارعه چون بنویسد و با خود دارد و یا بر بازو بندد که معیشت
برو تنگ داشته باشد از جایی برسد که چشم نداشته باشد و معیشت برو اسان گردد **سورهٔ الهیکم** در نماز نافله
بسیار خواند مال و روزی او زیاده شود **ایضا** در خبر است که مردی نزد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم امد

وازنها داری

مطیع شدن زن و فرزند و غیره اگر کسی را بنده و یا زنی و یا فرزندی باشد که اطاعت آن کس نمیکند و صاحبت رو
بشانی او بنهد و چپ و یکبار بگوید یا شدید ... سبحانه و تعالی او را مطیع و فرمان بردار گرداند
مطیع شدن زن و غیره چون کسی خواهد که این اسم الشدید ذو القوة القاهر المقتدر
را بر خاتمی نقش کند و با خود دارد هر گرانی ظالمان و اهل حکومت او را اگر ببیند مطیع و منقاد او گردند و در
نظر و ... بهیبت نماید **جهت صلح** کردن خصم و غیره اگر کسی را خصمی باشد که با او مقاومت
نتواند کرد در شب جمعه سیصد و شصت و یکبار بگوید یا منتقم هر شب جمعه باین طریق عمل کند
آن خصم با او صلح کند و یا مقهور گردد **جهت محبت و منقاد شدن** قوله تعالی وان یریدوا ان یخدعوك
فان حسبك الله هو الذی ایدك بنصره وبالمؤمنین والف بین
قلوبهم لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم ولکن
الله الف بینهم انه عزیز حکیم هر گاه این آیه در روز جمعه اول ماه رمضان
در مابین نماز پیشین و نماز دیگر در ان وقت که با طهارت باشد بر سر قطعهٔ از صوف نویسد
یکی بزردی و دیگر بسرخی را از ان طاقیه دوزد و بهمان روز از ان در جایگاهی پاک نگاه دارد
هر وقت که آن طاقیه بر سر نهد و هر کس که او را ببیند دوست گردد و مطیع منقاد او شود و از ظلم ظلمه و
از ساحر محفوظ ماند **جهت الفت میان زن و شوهر** اگر سورهٔ یوسف بنویسد و در جامهٔ پاک پیچد و با خود دارد
حلال را با او الفت ... شود **جهت مطیع و منقاد گردانیدن** قوله تعالی ولقد فتنا سلیمان
والقینا علی کرسیه جسدا ثم اناب قال رب اغفر لی وهب
لی ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی انك انت الوهاب
فسخرنا له الریح تجری بامره رخاء حیث اصاب والشیاطین کل
بناء وغواص واخرین مقرنین فی الاصفاد هذا عطاؤنا فامنن
او امسك بغیر حساب اگر خواهد که کسی را منقاد خود سازد این آیات را بر پوست آهو بنویسد
و روز جمعه بوقت با نگاه ... نام آن کس بر زبان راند یا مسخر الشیاطین لسلیمان سخر فلان بن فلان لی مطیع
و منقاد گردد **... زن ...** قوله تعالی الله الذی جعل لکم الانعام لترکبوا منها

ومنها تاكلون ولكم فيها منافع ولتبلغوا عليها حاجة في صدوركم
وعليها وعلى الفلك تحملون ويريكم آياته فاى آيات الله تنكرون
اين آيه را در ظرف پاك نويسد و آنرا بشويد و بآب جايى كه آفتاب بآن نرسيده و بهتر و كاو
و كوسفند و هرچه كم شير باشد قدرى از اين آب در علف او باشد شير آنها بسيار كردد و چون كوسفند
و شترى را مرض باشد اين آيات را در ظرف پاك نويسد و بآب چلدى آفتاب نديده باشد بشويد و آن
چهارپا را از آن آب دهد شفا يابد جهت مشتاد شدن ولئن سألتهم من خلق السموات
والارض ليقولن خلقهن العزيز العليم الذي جعل لكم الارض مهدا
وجعل لكم فيها سبلا لعلكم تهتدون والذي نزل من السماء ماء
بقدر فانشرنا به بلدة ميتا كذلك تخرجون والذي خلق الازواج
كلها وجعل لكم من الفلك والانعام ما تركبون لتستووا على ظهوره
ثم تذكروا نعمة ربكم اذا استويتم عليه وتقولوا سبحان الذي سخر لنا
هذا وما كنا له مقرنين وانا الى ربنا لمنقلبون بجهت اصلاح ميان
زن و شوهر اين آيات را بر چهار قطعه كاغذ نويسد و چهار كنج خانه دفن كند ميان ايشان اصلاح شود جهت
عمارت بساتين و مزارع و مثل اين طريقه عمل كند مقبول شدن اگر سوره محمد صلى الله عليه و آله و سلم را بنويسد
بآب زمزم بشويد و بخورد و مقبول القول گردد و از بيمارى كه داشته باشد شفا يابد مقبول القول شدن قوله تعالى
انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تاخر
ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما وينصرك الله نصرا عزيزا
اين آيات را در قدح چينى نويسد و بآب خالص بشويد هر كس كه آن آب را بخورد بشود ~~دير از دى خود بشود~~
بنزد يك سارد و جيه مقبول القول گردد و ديگر جهت مرض بكار آيد و مشك و زعفران بر پوست آهو نوشته بر بازوى خود بندد
از همه دشمنان محفوظ گردد و جاه و حرمت او بيفزايد بجهت مقبول القول شدن و اگر اين مذكور را با آيتى كه بعد
از وى است هو الذي انزل السكينة في قلوب المؤمنين ليزدادوا ايمانا مع ايمانهم
ولله جنود السموات والارض وكان الله عليما حكيما بنويسد در ديگ

بمكند

٣٦

بشود

باطهار باشد بر پوست آهو بمشك و زعفران و گلاب در طاقيه خود بنهد و آن طاقيه را بپوشد
مگر با طهارت دشمنان او مقهور گردند و منقاد او شوند جهت موافقت اولى از امام جعفر صادق عليه السلام
منقولست كه سوره جمعه جهت موافقت زن و شوهر پنج بار بخوانند جهت مهربان شدن دشمن و غيره از امام
جعفر صادق عليه السلام منقولست كه سوره التحريم را بجهت مهربان شدن شخص بيست و يكبار بخوانند كه
اگر وام داشته باشد گزارده شود و ديگر اگر زن سليطه بود رام گردد و ديگر اگر مرد بدخو باشد
بر سر او مطيع او شوند المحبت بين الزوجين قوله تعالى هل اتى على الانسان حين من الدهر
لم يكن شيئا مذكورا انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتليه
فجعلناه سميعا بصيرا اين آيه را بگلاب و مشك و زعفران بنويسد و بشويند
و بكسى دهند كه او را با زن خود الفت نداشته باشد ميان ايشان محبت بدرجه كمال واقع شود و در ميان
ايشان هرگز طلاق و نفاق واقع نباشد المحبت بين الاعداء قوله تعالى والتين والزيتون
وطور سينين وهذا البلد الامين ثم رددناه اسفل السافلين
اين آيه بر لوح از زنان نويسد بوقت طلوع قمر و بوقتى كه قمر در درجه حوت بود و آفتاب
بر برج طالع بود و آنرا بدو كس دهند كه ميان ايشان بغض و عداوت داشته باشند تا بخورند آن
دشمنى زايل شود و دوست يكديگر شوند و بايد كه اسم ايشان بزبان نويسند باين طريق ثم
رددناك يا فلان اسفل السافلين في محبت فلان بن فلان المحبت بين الاعداء
قوله تعالى ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات اولئك هم خير البرية جزاؤهم
عند ربهم جنات عدن تجري من تحتها الانهار خالدين
فيها ابدا رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك لمن خشي ربه
چون اين آيات كه دفع عداوت شود خواهد كه از ميان ايشان جمعى را در چهار قدح بنويسد و آب
پاك در قدح ها كند و آنرا بشويد و از آن آب آرد خمير كند و طعام بپزد و بآن جمع دهد عداوت از ميان
ايشان زايل شود از دريا دميان قوله تعالى وهي تجري بهم في موج كالجبال ونادى نوح
ابنه وكان في معزل يا بني اركب معنا ولا تكن مع الكافرين قال

سَاٰوِی اِلٰی جَبَلٍ یَعْصِمُنِی مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْیَوْمَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ اِلَّا مَنْ
رَحِمَ وَحَالَ بَیْنَهُمَا الْمَوْجُ فَکَانَ مِنَ الْمُغْرَقِیْنَ • این دو آیه بر هفت پاره سفال
بنویسد و در هر یکی صد بار این آیتها را بخواند و در چاهی اندازد که آب از او کم شده باشد و در آن چاه
آب بسیار شود باذن الله تعالی دفع قی و قولنج وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلٰی مَکَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا
مُضِیًّا وَلَا یَرْجِعُوْنَ • وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَکِّسْهُ فِی الْخَلْقِ اَفَلَا یَعْقِلُوْنَ •
و چون کسی را قی بسیار آید یا او را قولنج باشد این آیه را بنویسد و بشویند و باو دهند شفا و کلی کرامت
شود دفع قولنج فَلَوْلَا اَنَّهُ کَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِیْنَ لَلَبِثَ فِی بَطْنِهِ اِلٰی یَوْمِ یُبْعَثُوْنَ
این آیه را بر آب خوانند و با جرعه شیری که بخورد به صاحب قولنج دهند از آن مرض شفا یابد جهت زیاده شدن
شیر اگر سوره حجرات را بنویسند و بشویند و بزنی مرضعه دهند تا بخورد شیر او زیاده شود جهت محفوظ ماندن
از غضب پادشاه و گفته اند اگر کسی از جباری و یا از پادشاهی ترسد سوره التغابن را بخواند و بروی
از آن آزار او محفوظ ماند جهت زیاده شدن آب از چشمه اگر سوره تکویر بر چشمه آب خوانند هر روز دو
هفت بار که آب آن چشمه زیاده شود جهت زیاده شدن تیر قوله تعالی هُوَ الَّذِی اَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً لَکُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِیهِ تُسِیمُوْنَ • یُنْبِتُ لَکُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّیْتُوْنَ
وَالنَّخِیلَ وَالْاَعْنَابَ وَمِنْ کُلِّ الثَّمَرَاتِ اِنَّ فِی ذٰلِکَ لَاٰیَةً لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُوْنَ •
این آیات را بخط موسی در روز نوروز پیش از طلوع آفتاب قدری آب بکر از جاهی مستعمل و قدری
که از جاهی معطل و قدری آب باران باهم بیامیزد و این آیات را در سر درخت برگ نویسد پس هر آنها را بر این
مکتوبات خوانند سه بار یا هفت بار پس برگها را در آب بشویند و بپاشند آن آب بدنوان مویشی
و بر علف ایشان هم هفت نوبت بدین طریق عمل کنند تیر ایشان بسیار شود و برکت بسیار بظهور آید
جهت زیاده شدن آب چاه و تیر در بستان و ثمره در درخت قوله تعالی وَهُوَ الَّذِی اَرْسَلَ
الرِّیَاحَ بُشْرًا بَیْنَ یَدَیْ رَحْمَتِهِ • وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُوْرًا • لِنُحْیِیَ بِهِ
بَلْدَةً مَیْتًا وَنُسْقِیَهُ مِمَّا خَلَقْنَا اَنْعَامًا وَاَنَاسِیَّ کَثِیْرًا • خاصیت این آیات
ظهور ثمرات اشجار و کثرت آب چاهها و قدری دیگر از قعر جوی بگیرد در یک روز و این آیات را بر آن

زیاد شدن تیر

پس

خوانند پس این ریگها را در بستان یا در چاه ریزد از کثرت ثمرات آن بستان را میوه شود
و آب آن کاریز سر و کردد و انواع میوه ها را برکت بظهور آید جهت زیاده شدن شیر از امام جعفر
صادق منقولست و از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام که چون زنی را شیر کم شود اسم اللطیف را
بر کاسه چینی نویسد و با آب باران نیسان که بر آن دعا خوانده باشد بشویند و بآن زن دهند
تا بخورد شیر او زیاده شود والله اعلم

باب یازدهم در ثمره اشجار و دفع آفات آن

قوله تعالی وَبَشِّرِ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ اَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ کُلَّمَا رُزِقُوْا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ
رِزْقًا قَالُوْا هٰذَا الَّذِی رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَاُتُوْا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ
فِیْهَا اَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِیْهَا خَالِدُوْنَ • این آیات جهت بار آوردن
درختهای بی بار است و روز پنجشنبه روزه میدارد و پیش از آنکه نماز شام بگذارد دو روزه بگشاید
بر برگ کاشنی پنهان نماز شام بگذارد و این آیات بر کاغذی نویسد و با کس سخن نگوید و نزد درختی
که در وسط آن باغ باشد برود از زیر آن درخت بنود و از میوه آن بخورد و اگر بر آن درخت میوه نباشد
و از برگ آن درخت برگی بخورد و سه جرعه آب بر بالای آن بخورد چندان میوه بر آن موضع
پیدا شود که او بآن شادمان گردد باذن الله تعالی دیگر اگر سوره آل عمران بزعفران بنویسد
و بر درخت بی بار بندد بار آور گردد و اگر بر درختی که بار دارد بندد بار او ساقط نشود جهت بار آوردن
میوه قوله تعالی لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتّٰی تُنْفِقُوْا مِمَّا تُحِبُّوْنَ • وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ
شَیْءٍ فَاِنَّ اللّٰهَ بِهِ عَلِیْمٌ • این آیه را بر ظرف پاکی بنویسد و با آب چاه بشویند در روز اول
ماه ازداد ماه دو می آن را در پای درخت یا در پای کرم ریزد میوه بسیار آورد و با خیر و برکت بود جهت
در روز سبز شدن درخت و تخم قوله تعالی اِنَّ اللّٰهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوٰی یُخْرِجُ
الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَیِّتِ مِنَ الْحَیِّ ذٰلِکُمُ اللّٰهُ فَاَنّٰی تُؤْفَکُوْنَ • این آیه
را در ظرف پاک بزعفران و کافور بنویسد و آن را به آب بشویند و هر تخمی که افکنند و یا تخم هر درخت که خواهد
در آن آب آغشته کند و بعد از آن زراعت کند آن دانه و آن تخم زود سبز شود و آن درخت مبارک بود و میوه

خوش طعم بود و اگر درخت نر باشد این آب را در اصل آن درخت ریزد ثمر فاین حاصل گردد
جهت زیاده شدن آب و خوش طعم شدن میوه و دفع آفات آن قوله تعالی وَهُوَ الَّذِی اَنزَلَ
مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاَخرَجنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَیءٍ فَاَخرَجنَا مِنهُ خَضِرًا نُخرِجُ
مِنهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخلِ مِن طَلعِهَا قِنوَانٌ دَانِیَةٌ
وَجَنَّاتٍ مِن اَعنَابٍ وَالزَّیتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشتَبِهًا وَغَیرَ مُتَشَابِهٍ
اُنظُرُوا اِلَی ثَمَرِهِ اِذَا اَثمَرَ وَیَنعِهِ اِنَّ فِی ذَلِكُم لَآیَاتٍ لِقَومٍ یُؤمِنُونَ
این آیه را بر غنچه گل خرما نویسد در محلی که بیرون آمده باشد در روز جمعه پس آنرا در جایی اندازد که منبع آب باشد
برکت و زیادتی در آن آب پیدا شود و هر درخت که از آن آب از آنجا خورد میوه بسیار برآورد و خوش طعم باشد
و از آفات [illegible] و کرم و غیره محفوظ ماند جهت محفوظ ماندن اثمار و غیره از موذیات قوله تعالی بَدِیعُ السَّمَوَاتِ
وَالاَرضِ اَنَّی یَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَم تَكُن لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَیءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَیءٍ
عَلِیمٌ ذَلِكُمُ اللهُ رَبُّكُم لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَیءٍ فَاعبُدُوهُ وَهُوَ عَلَی
كُلِّ شَیءٍ وَكِیلٌ لَا تُدرِكُهُ الاَبصَارُ وَهُوَ یُدرِكُ الاَبصَارَ وَهُوَ اللَّطِیفُ
الخَبِیرُ چون این آیه را بر چهار قطعه سفال صورت هر جانوری که خواهد بکند مار و ماکژدم و یا موش و یا هر جانوری که
موذیه باشد در قطعه از آن در یک موضع از زمین یا بستان دفن کنند حشرات موذیات نزدیک آن موضع
نیایند جهت بسیاری میوه و نگاه داشتن از [illegible] قوله تعالی وَهُوَ الَّذِی اَنشَاَ جَنَّاتٍ
مَعرُوشَاتٍ وَغَیرَ مَعرُوشَاتٍ وَالنَّخلَ وَالزَّرعَ مُختَلِفًا اُكُلُهُ وَالزَّیتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا
وَغَیرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِن ثَمَرِهِ اِذَا اَثمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ یَومَ حَصَادِهِ
وَلَا تُسرِفُوا اِنَّهُ لَا یُحِبُّ المُسرِفِینَ این آیه را نقش کند بر چوب و بنویسد و یا بر [illegible]
بالای در بستان بیاویزد شود و با برکت بود و اگر بر پوست مدبوغ نویسد و در گردن یک گوسفند
از گله بیاویزد خیر و برکت بسیار در آن گله پیدا شود جهت محفوظ ماندن درختان از کرم و از مور و جرد و عفن
و ملخ و موش و [illegible] قوله تعالی وَهُوَ الَّذِی یُرسِلُ الرِّیَاحَ بُشرًا بَینَ یَدَی رَحمَتِهِ
حَتَّی اِذَا اَقَلَّت سَحَابًا ثِقَالًا سُقنَاهُ لِبَلَدٍ مَیِّتٍ فَاَنزَلنَا بِهِ المَاءَ فَاَخرَجنَا بِهِ

من کل

مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخرِجُ المَوتَی لَعَلَّكُم تَذَكَّرُونَ وَالبَلَدُ الطَّیِّبُ
یَخرُجُ نَبَاتُهُ بِاِذنِ رَبِّهِ وَالَّذِی خَبُثَ لَا یَخرُجُ اِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ
نُصَرِّفُ الآیَاتِ لِقَومٍ یَشكُرُونَ این آیه را در کاسه نویسد که از چوب زیتون
بوده باشد و [illegible] و آب انگور پس از آن با آب انگور بشوید و آنچه از آن در پای درخت ریزد
و بعد از آن قدری آب خالص بر آن بالا ریزد و اصل آن درختان از کرم و مور و جرد و عفن محفوظ ماند و بر
میوه او از ملخ و موش و [illegible] ایمن و سالم ماند جهت زیاده شدن محصول و سالم ماندن از آفات
آن و خاصیت اسم الحلیم و گویند که در وقت آب دادن درخت و کشت این اسم را
بر کاغذی نویسد و بشوید و آن آب بهر زمین که رسد محصول آن زیاده شود و از آفات سالم ماند
جهت بر طرف شدن کرد و موش اگر اسم القوی یا الواحد یا [illegible] با بر ظرف قوی و [illegible]
و [illegible] و آنرا در کاسه سفید نهان کنند و در خانه دفن کنند موشها از آن خانه بگریزند جهت محفوظ
ماندن زرع از کرم و ملخ و موش قوله تعالی وَقَالَ الَّذِینَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِم لَنُخرِجَنَّكُم
مِن اَرضِنَا اَو لَتَعُودُنَّ فِی مِلَّتِنَا فَاَوحَی اِلَیهِم رَبُّهُم لَنُهلِكَنَّ الظَّالِمِینَ
وَلَنُسكِنَنَّكُمُ الاَرضَ مِن بَعدِهِم ذَلِكَ لِمَن خَافَ وَعِیدِ وَ
استَفتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ مِن وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَیُسقَی
مِن مَاءٍ صَدِیدٍ یَتَجَرَّعُهُ وَلَا یَكَادُ یُسِیغُهُ وَیَاتِیهِ المَوتُ مِن كُلِّ
مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَیِّتٍ وَمِن وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِیظٌ این آیه را بنویسد ابتدا
از لَنُخرِجَنَّكُم مِن اَرضِنَا تا آخر بر چهار تخته از چوب زیتون بسیاهی نویسد در صباح
روز چهارشنبه پیش از طلوع آفتاب و در هر رکنی از زمین زرع و یا باغ یک لوح از آن دفن و در وقت
دفن کردن سه بار بخواند آن باغ و زرع از کرم و ملخ محفوظ ماند ایضا در زیاده شدن ثمره و محفوظ
ماندن آن قوله تعالی وَالاَرضَ مَدَدنَاهَا وَاَلقَینَا فِیهَا رَوَاسِیَ وَاَنبَتنَا فِیهَا
مِن كُلِّ شَیءٍ مَوزُونٍ وَجَعَلنَا لَكُم فِیهَا مَعَایِشَ وَمَن لَستُم لَهُ بِرَازِقِینَ اگر کسی این آیه را
در لوح نقش کند و آن لوح را در باغ ترکیب کند میوه آن باغ بسیار شود و اشجار آن محفوظ ماند ایضا قوله تعالی

شی

هو الذي أنزل من السماء ماء لكم منه شراب ومنه شجر فيه تسيمون
ينبت لكم به الزرع والزيتون والنخيل والأعناب ومن كل الثمرات إن
في ذلك لآية لقوم يتفكرون. بجهت زرع و اشجار بگیرد قدری آب از زیر سنت آسیا و در
آنجا رقعه که این آیات بران نوشته باشد بیندازد و بس هفت بار این آیه بخواند و آبها را با هم بیامیزد و بر
زروع و اصول اشجار پاشد برکت بسیار پیدا کند و از همه آفات ایمن و محفوظ ماند بجهت زیادتی نمودن ثمره
و حبوب آن قوله تعالی والله أنزل من السماء ماء فأحيا به الأرض بعد موتها
إن في ذلك لآية لقوم يسمعون. وإن لكم في الأنعام لعبرة نسقيكم مما في
بطونه من بين فرث ودم لبنا خالصا سائغا للشاربين. ومن ثمرات النخيل
والأعناب تتخذون منه سكرا ورزقا حسنا إن في ذلك لآية لقوم
يعقلون. وأوحى ربك إلى النحل أن اتخذي من الجبال بيوتا ومن الشجر
ومما يعرشون. ثم كلي من كل الثمرات فاسلكي سبل ربك ذللا يخرج
من بطونها شراب مختلف ألوانه فيه شفاء للناس إن في ذلك لآية
لقوم يتفكرون. این آیات بنویسد در روز اول ماه رجب بگلاب و زعفران بر پوست
درخت
کیس مدبوغ و آنرا ببود عقدی بکاو کرده در کوزه سفال نو نهند و بیست و پنج بار این آیه را بخواند ایضا [illegible]
قوله تعالی وترى الأرض هامدة فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت وأنبتت
من كل زوج بهيج ذلك بأن الله هو الحق وأنه يحيي الموتى وأنه على كل شيء قدير
وأن الساعة آتية لا ريب فيها وأن الله يبعث من في القبور. این آیات در طشت
چینی نویسد بزعفران که در آب [illegible] تاک حل کرده باشند و یا در آب سیب و یا در آب برگ مورد
پس از جایی که منبع کاریز باشد در وقت سحر سبوی نو پر آب کند و آن طشت را بدان آب بشوید مقدار یک
رطل ازین آب در اصل هر درخت که ریزند میوه بسیار بار آورد و اگر در چهار رکن موضعی بپاشند خیر و برکت
بسیار در آن موضع پیدا شود ایضا بسیار شدن میوه درخت و برکت در ثمره اگر سوره یس را بنویسند و در
باغ بپاشند و بریزند خیر و برکت در آن موضع پیدا شود ایضا بسیار شدن میوه درخت قوله تعالی إنا نحن نحيي الموتى

ونكتب

ونكتب ما قدموا وآثارهم وكل شيء أحصيناه في إمام مبين. چون صایم با طهارت این آیه را
با گلاب و مشک و زعفران بنویسد پس سوره یس تمام بر او خوانند و با آب باران آنرا بشوید و ماه کانون
اول در بیخ درختی ریزد سه بار میوه آن درخت در آن سال بسیار شود ایضا در ثمره اشجار قوله تعالی وآية
لهم الأرض الميتة أحييناها وأخرجنا منها حبا فمنه يأكلون
وجعلنا فيها جنات من نخيل وأعناب وفجرنا فيها من العيون.
ليأكلوا من ثمره وما عملته أيديهم أفلا يشكرون. سبحان الذي
خلق الأزواج كلها مما تنبت الأرض ومن أنفسهم ومما لا يعلمون.
این آیات تمام بنویسد در ظرف سفال نو بآب برگ مورد و مشک و زعفران و بشویند بآب باران
کانون اول آنرا بشویند و این آب را در هر زمین بستانی که بپاشند نفع و برکت بسیار ظهور آید بجهت
حفظ اموال و اشجار و اثمار سوره حم تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم إن
في خلق السماوات والأرض لآيات للمؤمنين. این سوره را تا بأي حديث بعده
يؤمنون. نویسد خاصیت این آیات بسیار خیر و برکت است در اموال و اشجار و اثمار و در حفظ آن
از آفات دعا تا چون کسی را این امور مطلوب بود روزه گیرد و با طهارت باشد و این آیات در کاسه نو که از
چوب گز باشد بنویسد و آنرا از آب نهر عذب برکند و بهمان آب آنرا بشوید و آن آب را در بستان
در او یا دکان ریزد مقصود برآید انشاء الله تعالی بجهت فایده در ثمره سوره ق والقرآن
المجيد بل عجبوا تا این آیات وأحيينا به بلدة ميتا كذلك الخروج
بنویسند و بگیرند قدری آب باران از اول بارانی که بهار آید در ظرف پاک نو که زنگیس باشد یا
آبگینه نو و این آیات را بر هفت رقعه بزعفران و گلاب بدم رقعه که تمام این آیات در وقت طلوع آفتاب
آنها را بشوید و در آن وقت این آیات را هفت نوبت بخواند چون این آب را در پای درختی ریزد
یا در کشت زار بریزد میوه و زراعت آن بغایت نیکو آید و از آفات محفوظ ماند و اگر تخم را در این آب
افشانند در غایت نیکی سبز و خرم شود بجهت بیرون شدن آب چاه سوره ص والقرآن ذي
الذكر بل الذين كفروا في عزة وشقاق كم أهلكنا من قبلهم من قرن
فنادوا ولات حين مناص. چون کسی خواهد که کاریزی جاری کند یا چاهی بکند در وقت کندن

در وقت کندن کاریز و چاه این آیات بسیار خوانند آب بیرون در ان چاه و کاریز ظاهر شود و در بعضی نسخها آورده که هم این آیه که ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ بجهت مقصود خوانند

حفظ اموال إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ

الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ از عبد الله عباس

رضی الله عنه منقولست که چون کسی را مالی باشد و از دزد ترسان باشد این آیات را بخواند ایمن شود و حفظ کند

از دیاد ثمره از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره المؤمن را بنویسد و بر دیوار بستان بیاویزد میوه و

محصول آن بسیار بار آورد و نفع محصول کرده ایضا از دیاد ثمره از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست

که در حفظ ثمره قوله تعالی أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ

لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ این آیه را در ساعت سیم از روز سه شنبه در وقتی

که ماه زاید النور باشد بر کاغذی نویسد بزعفران و ثمره انگور با آب باران بشویند و در طرح کنند و هر

تخمی که خواهند کاشت بدان آب اغشته زراعت کنند و محصول آن بغایت نیک آید و از غارتها ایمن بود

حفظ غله از موذیات اگر سوره المجادله بنویسد و در انبار غله نهند محفوظ ماند از هم بلیات جهت

حفظ اموال قوله تعالی ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

این آیه را نقش کنند بر قطعه از صدف روز جمعه در میان اموال نهند و در میان انبار غله نهند از آفات

مکروهات ایمن و محفوظ و خیر و برکت در ان پیدا شود ایضا از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره

تغابن بجهت حفظ مال در میان نهند از ترس دزدان هفت بار بخوانند دیگر حفظ ثمره اگر سوره التین

در ظرف چینی و یا سفید نویسد بزعفران و گلاب و با آب باران که در اول ماه آمده باشد بشویند

و آن آب را در بوستان یا در زرع بپاشند از آفات محفوظ ماند و برکت بسیار در ان بظهور آید ایضا

حفظ اموال اگر سوره البینه را بنویسد و در خانه بیاویزد آن حاکم اموال و هر چه در ان خانه باشد محفوظ ماند

باب دوازدهم در طلب گریخته و دفع دزد و آفات غلات و دفع ظلم قوله تعالی وَلِكُلٍّ

وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هر که این آیه را بر قطعه جامه که از گریخته کهنه باشد بر ان نویسد و نام در دو نام

بنده گریخته در ان نویسد و آن جامه را بمسمار محکم در دیوار خانه پنهان کنند که از ان خبر او دیده باشد

یا بنده از انجا که گریخته باشد دران دزدیده بدست آید و آن گریخته باز بوطن مألوف باز آید جهت

ودبار

قوله تعالی اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ

وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ

إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ

مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا إِكْرَاهَ فِي

الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ

بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ

عَلِيمٌ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى

النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ

النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

هر که این آیات بر سفالی نو نویسد و در انبار غله نهند از دزد و کافر ایمن شود و برکت در انبار

پیدا شود حفظ غله قوله تعالی مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ

وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ

أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى

لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ

حَلِيمٌ اگر کسی این آیات بر سفال نو نویسد و در انبار غله نهند از سبب آفات

محفوظ ماند و اگر در میان اقمشه و امتعه نهند از موش و سوس ایمن شود دیگر

از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره توبه را بنویسند و در میان اقمشه

و امتعه بنهند و خزانه از دزد و آفات ایمن باشد و هم از ان حضرت منقولست

که این سوره را بنویسند و بر طاقیه خود ببندد از دزدان و قطاع الطریق ایمن بود

ایضا قوله تعالی يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَ

رَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ این آیه را بر دامان بنویسد و بر

بند گریز یا دهند و یا بزنی ناسازکار و سلیط کار ان بنده گریز

بای و ان زن ناسازکار سلیط از ان روز فعل شان زایل گردد و بصلاح کار کردن

ایضا وازامام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره المایده بنویسد و در
صندوق قماش و امتعه نهند از دزد محفوظ گردد ایضا قوله تعالی قل أندعوا من
دون الله ما لا ینفعنا ولا یضرنا ونرد علی اعقابنا بعد اذ هدانا
الله کالذی استهوته الشیاطین فی الارض حیران له اصحاب ید
عونه الی الهدی ائتنا قل ان هدی الله هو الهدی وامرنا لنسلم لرب العالمین
بیارد قطعه از سنگ آب کهنه و یا قطعه پوست دلوی که خشک شده باشد و بران دایره کشد و این آیات
را بنویسد و بر بیرون دایره اسم دزد و یا گریخته بنویسد و انرا جایی دفن کند که راکد نباشد
آن دزد و یا آن گریخته حیران و سرگردان بماند تا آنگاه دزد مال وا پس دهد و گریخته باز آید جهت
باز آمدن گریخته و دزد با مال قوله تعالی ولو ارادوا الخروج لاعدوا له عدة ولکن
کره الله انبعاثهم فثبطهم وقیل اقعدوا مع القاعدین ...
بجهت دزد و ... گریخته را مناسبات انرا که بر قطعه از کرباس جامه کتان که دراول ماه انرا
... باشند بنویسند و در گرد آن بنویسند که فلان بن فلان و از خانه بیرون آید و بموضعی رود
که کسی او را نه بیند و هیچ امین ... قطعه را ببرد و در زیر خاک دفن کند آن دزدان گریخته باز آید
ایضا طلب از پیدا کردن سوره یونس را بر طشت مسین نویسد و با آب ایستاده بشوید
و قدری آرد باسم جماعتی که متهم باشند از آن آب خمیر کنند و بریزند و آن لقمه لقمه سازند
بعد دان جماعت دهند تا بخورند آنکس که دزد باشد بگلو فرو نرود ایضا گریخته باز آید
قوله تعالی او کظلمات فی بحر لجی یغشیه موج من فوقه سحاب
ظلمات بعضها فوق بعض اذا اخرج یده لم یکد یریها ومن لم
یجعل الله له نورا فما له من نور از ابن عباس رضی الله عنه منقولست که چون بنده
بگریزد این آیه را هفت بار بخوانند آن گریخته باز آید اگر دایره بکشد این آیه را بر گرد آن دایره
نویسد و نام گریخته در وسط دایره بنویسد و انرا در میان مصحف نهد آن گریخته باز آید و تجربه
محقق شده و در بعضی نسخها آورده اند که این آیه را بر پوست خرس نویسد و صورت
دزد و صورت گریخته بر و نقش کند و آنرا در موضعی دفن کند آن گریخته و آن دزد حیران

برابعد

باز گردد آن گریخته حیران و دیوانه گردد و هیچ فکری نتواند بغیر از باز گشتن جهت باز آمدن گریخته از امام جعفر صادق منقولست که هر که سوره
الشعرا بنیت بنده گریخته هفت بار بخواند باز آید و اگر این سوره را بر جامه سفید نویسد و بر گردن بنده آویزد نتواند
گریخت دفع دزد ولقد راودوه عن ضیفه فطمسنا اعینهم فذوقوا عذابی ونذر چون قمر در برج
دوم عقرب باشد در ساعت چهارم از شنبه این آیه را اگر بر در خانه نویسد دزد در آن خانه در نیاید و اگر بر صندوق
نویسد دزد نتواند برد پیدا کردن دزد ان لدینا انکالا وجحیما وطعاما ذا غصة وعذابا الیما
یوم ترجف الارض والجبال وکانت الجبال کثیبا مهیلا انا ارسلنا الیکم رسولا شاهدا
علیکم کما ارسلنا الی فرعون رسولا فعصی فرعون الرسول فاخذناه اخذا
وبیلا چون دزد دیده باشد بگیرند چند قرص نان بعدد جمعی که بر ایشان متهم بود و بر هر قرصی این آیات بنویسند و هر قرصی یکی از ایشان
دهند تا بخورند آنکس که دزد بود نان در گلوی او بر بندد دفع قطاع طریق وآخرون یضربون فی الارض یبتغون من
فضل الله وآخرون یقاتلون فی سبیل الله این آیه را بر صحیفه آهن نقش کنند در ساعت دوم از روز دوشنبه وقتی
که قمر و شمس در سرطان باشند و هر مسافری که این صحیفه را با خود دارد از دزد و قطاع الطریق ایمن شود حفظ مملوک
از امام جعفر الصادق منقولست که سوره القصص را بنویسد بر مملوک بندد از زنا و گریختن و خیانت معصوم باشد جهت گریخته اگر سوره
تین بنیت گریخته یا غایب بخواند غایب و گریخته باز آید دفع سلخ خواندن سوره الطارق منقولست دفع سلخ و احتلام و
والسماء والطارق وما ادراک ما الطارق ... فما له من قوة ولا ناصر اگر این آیات را در چهار رقعه بنویسند و در
هر چوب بندد و در چهار رکن باغ یا زرع فرو برد باغ از جمیع آفات دفع گردد و اگر این آیات در وقت خواب بخواند از احتلام محفوظ

باب سی و نهم در عقد اللسان و دفع ملامت کلب لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم وکان الله
سمیعا علیما چون این آیه را در پیش کسی بنویسد که بسیار گوی باشد و معجب بسخن خود خاموش گردد و سخن کم گوید ...
سلیطه و بد زبان باشد این آیه را بر قطعه جامه نویسد که از گریبان پیراهن بریده باشد و آن پیراهن در روز پنجشنبه بریده باشند و انرا
دفن کند در آستانه سرای و زبان او کوتاه گردد قوله تعالی ان تبدوا خیرا او تخفوه او تعفوا عن سوء فان الله
کان عفوا قدیرا این آیه بجهت عقد اللسان مشهور و مجربست صورة آنکس در کاغذی بکشد و نام او در پیش نیز بنویسد
و این آیه را در میان آن صورة بنویسد و انرا در دهن مرغی نهد که او را موش گیر میگویند دهن او را ببندد و ... آن شخص دیگر
سخن نتواند گفت قوله تعالی قال رجلان من الذین یخافون انعم الله علیهما ادخلوا علیهم الباب
فاذا دخلتموه فانکم غالبون وعلی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین این آیه بجهت عقد اللسان
مجربست او را در پوست آهو بنویسد بگلاب و زعفران و نام آنکس که خواهد و نام مادرش چون آنکس انرا با خود دارد روز در حکام و ظلمه
رود زبان ایشان بر او بسته گردد و نتوانند که با او سخن ناخوش گویند جهت زبان بند خصم هفت بار سوره یس بعد از نماز بامداد بنیت
بخواند و اگر بر ریسمان که دختر نارسیده رشته باشد بنیت زبان بندی خصم هفت بار بخواند و هر باری که میخواند یک گره میزند و آن ریسمان را
بر در خانه خود یا بر در خانه خصم زیر گل کند زبان خصم بر او بسته گردد زبان بندی الیوم نختم علی افواههم وتکلمنا ایدیهم
وتشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی یبصرون
چون این آیه بر پوست آهو بگلاب و زعفران بنویسد و آن نوشته را ببندد از دو چشم هر کسی که باشد زبان او بسته گردد عقد اللسان

وإذا رأيتهم تعجبك أجسامهم وإن يقولوا تسمع لقولهم كأنهم خشب مسندة يحسبون كل
صيحة عليهم هم العدو فاحذرهم قاتلهم الله أنى يؤفكون بعضی گفته اند این آیه در صحیفه آهن
نقش کند در طالع میزان و مریخ در میزان باشد و با خود نگاه دارد در مقابل خصم باشد زبان خصم بسته گردد و مخاصمت و مجادله
نتواند کرد **عقد اللسان** أفمن هذا الحديث تعجبون وتضحكون ولا تبكون وأنتم سامدون فاسجدوا
لله واعبدوا این را بر پوست آهو بگلاب و زعفران بنویسد و از آن بکند و عود و قسط شیرین بخور کند
و اسم آن شخص بدان بنویسد مقصود حاصل گردد

باب چهارم در طلب اولاد و آسانی وضع حمل و دفع شهوه [illegible] و خواب

شیخ ابو العباس بونی آورده که اول سوره آل عمران تا آنجا که لا اله الا هو العزيز الحكيم بنویسد و زنی
را که فرزند نمی‌شود آن را با خود دارد حمل او را پیدا شود **قوله تعالی** هنالك دعا زكريا ربه تا آخر این قال كذلك
الله يفعل ما يشاء این آیه را ناخواست بجهت مرد و زنی که ایشان را فرزند نمیشود بنویسد آن را بر قطعه حریر سفید بمشک و زعفران
و گلاب در ساعت هشتم از روز جمعه بر ظرفی که نویسنده با طهارت باشد و این آیتها را بنویسد و در جام سفید نو با انگبین … و آب
شیرین او را بشوید و سه روز مرد و زن از این آب بخورند پس آن دو نوشته یکی مرد با بریشم بر گردن بندد و یکی زن پس چون گاه
خواب روند آن نوشته را از خود دور کنند و صحبت دارند و غسل کنند و جامها در پوشند و در خواب روند … ایشان را
فرزندی کرامت کند **قوله تعالی** يا أيها الناس اتقوا ربكم الذي خلقكم من نفس واحدة وخلق منها زوجها
وبث منهما رجالا كثيرا ونساء واتقوا الله الذي تساءلون به والأرحام إن الله كان
عليكم رقيبا این آیه نافع است برای مردی که او را فرزند نباشد در نیم شب جمعه آن را بر قطعه حریر حلوا نویسد
چنانکه کسی او را نبیند و پس آن را بخورد و با زن صحبت دارد سه شب جمعه چنین کند فرزند او را پیدا شود **در پیدا شدن حمل**
إن الله فالق الحب والنوى يخرج الحي من الميت ومخرج الميت من الحي ذلكم الله فأنى
تؤفكون اگر زنی باشد که او را فرزند نمیشود این آیه در صفحه نقره نقش کند بعد از آنکه از حیض پاک شده باشد آن را
بر سر خود ببندد و با خود نگاه دارد و در آن حال پیدا شود **جهت محفوظ ماندن بچه در شکم** اگر اسم الخالق المحيي الباطن …
بااین نوع بنویسد ح م ا ح ل ی ق ب ی بر صفحه ای از زر سیاه و زن حامله با خود دارد فرزند او را از اسقاط
محفوظ ماند **طلب فرزند** از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام منقول است که چون زنی طالب فرزند باشد هفت روز روزه دارد
در وقت افطار بیست و یکبار اسم مصور بر آب خواند و از آن آب افطار کند حق سبحانه و تعالی او را فرزند شایسته کرامت
نماید و شیخ ابو العباس بونی گفته که چون زن و شوهر بر ذکر اسم مبدئ مداومت نمایند و در وقت صحبت بر دل بگذرانند
باشد حق سبحانه و تعالی ایشان را فرزند صالح کرامت بخشد ان شاء الله تعالی **طلب فرزند** اگر کسی در جامه خواب اسم متکبر
ده بار بخواند بعد از آن با حلال خود صحبت دارد حق سبحانه و تعالی او را فرزند صالح کرامت فرماید **طلب فرزند** وإني خفت
الموالي من ورائي وكانت امرأتي عاقرا فهب لي من لدنك وليا تا آخر آیات وسلام عليه يوم
ولد ويوم يموت ويوم يبعث حيا چون طالب فرزند باشد زن و شوهر روز جمعه روزه دارند و شکر … بادام و نان
روزه بگشایند و آب بخورند و این آیت را در جام انگبین بنویسند … آتش … باشد آن را با آب پاک … و چهار
دانه نخود سفید بگیرد … این آیات بخوانند و آب نخود ها را در دیگ کنند و آتش تیز در زیر آن … نماز خفتن

بگذارد و بعد از نماز خفتن سوره مریم بخوانند پس در وقت صبح آن آب را از نخود جدا کنند و قدری دوشاب انگور
با آن اضافه کند و یک نیم شوهر بخورد و یک نیم زوجه و یک لحظه در خواب روند و بعد از آن صحبت دارند حمل پیدا شود
و اگر سه نوبت بااین طریق عمل کند بهتر باشد **شیخ ابو العباس** بونی آورده که از اول سوره کهيعص تا آنجا که واجعله
رب رضيا بنویسد و با آب باران بشوید و بخورد هفت روز متوالی با این دستور عمل کند و بعد از آن صحبت دارند
فرزند پیدا شود **آسانی وضع حمل** أولم ير الذين كفروا أن السماوات والأرض كانتا رتقا
ففتقناهما وجعلنا من الماء كل شيء حي أفلا يؤمنون چون زن حامله را درد زادن
پیدا شود این آیه بنویسد و بعد از آن بنویسد که مریم ولدت عیسی سیجعل الله بعد عسر یسرا اللهم کما
تنفتق الارض بالنبات والسماء بالمطر فلذلك یسر فلانة بنت فلانة هذا الوضع فلينظر
الإنسان إلى طعامه أنا صببنا الماء صبا ثم شققنا الأرض شقا و حامله آن را با خود بندد
زادن بر او آسان شود و بعضی گفته اند که این آیه را بر شکم او و یا بر … خوانند زود خلاص گردد **جهت رشد و نیک بختی اولاد**
والتي أحصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا وجعلناها آية للعالمين إن هذه أمتكم
أمة واحدة وأنا ربكم فاعبدون وتقطعوا أمرهم كل إلينا راجعون چون این آیه
را بنویسند و زن حامله در اول حمل چهل روز آن را با خود دارد پس آن را از خود باز کند و در ماه … ولادت باز آن را
با خود دارد پس آن را از خود باز کند چون فرزند بود … آن را بر گردن فرزند ببندد آن فرزند رشید و نجیب بود
طلب فرزند وترى الأرض هامدة فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت وأنبتت من كل زوج
بهيج ذلك بأن الله هو الحق وأنه يحيي الموتى وأنه على كل شيء قدير وأن
الساعة آتية لا ريب فيها وأن الله يبعث من في القبور چون این آیات در طشت
چینی بنویسند بزعفران که در آب درخت تاک حل کرده باشند یا در آب سیب یا در آب برگ مورد پس از جایی که منبع
کاریز باشد در وقت سحر سبوی نو پر آب کند و آن طشت را با این آب بشوید اگر مرد و زنی که ایشان را فرزند پیدا نمیشود از
این آب بخورند ایشان را فرزند پیدا شود **طلب فرزند** ولقد خلقنا الإنسان من سلالة من طين ثم جعلناه
نطفة في قرار مكين ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة
عظاما فكسونا العظام لحما ثم أنشأناه خلقا آخر فتبارك الله رب العالمين
این آیات را بر هشت برگ ریحان بنویسد و زنی که حمل نمیگیرد … سه روز …
باین دستور عمل کند آبستن شود **جهت حفظ جنین** ولئن سألتهم من خلق السماوات و
الأرض ليقولن خلقهن العزيز العليم الذي جعل لكم الأرض مهدا وجعل لكم
فيها سبلا لعلكم تهتدون والذي نزل من السماء ماء بقدر فأنشرنا به بلدة
ميتا كذلك تخرجون والذي خلق الأزواج كلها وجعل لكم من الفلك والأنعام ما تركبون
لتستووا على ظهوره ثم تذكروا نعمة ربكم إذا استويتم عليه وتقولوا سبحان الذي سخر لنا
هذا وما كنا له مقرنين وإنا إلى ربنا لمنقلبون در … این آیات … در جام انگبین بنویسد بگلاب و …

را بنویسد و بزن حامله دهند هفت هفته بوی دستور عمل کنند فرزند بسلامت بوجود آید جهت آسانی وضع حمل اگر سورة الواقعة
بنویسد و زن حامله با خود بندد فرزند با آسانی بزمین آید طلب فرزند أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ
الْخَالِقُونَ این آیه بجهت پیدا شدن فرزند است در ساعت زهره در روز دوشنبه برنگین لاجورد نقش کند صورت زنی که کودک
در کنار داشته باشد و در گرد آن صورت این آیه بنویسد پس این نگین را در خاتمی از فضه ترکیب کند چون زن عاقر یا ردی که
او را فرزند نشود این خاتم در انگشت کند او را فرزند پیدا شود و از آفات محفوظ ماند آسانی وضع حمل از امام جعفر صادق علیه السلام
که سورة الانشقاق بجهت آسانی وضع حمل هفت بار خوانده ایضاً در بعضی کتب آورده که این سوره بنویسد در زنی
بندند که او را درد زادن پیدا شده باشد فی الحال خلاص شود با آسانی ایضاً و بعضی گفته اند که آنرا بر پوست که مدبوغ باشد و آنرا با بریشم
بر سرین راست حامله بندد همان تاثیر دهد ایضاً إِذَا السَّمَاءُ انْشَقَّتْ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ
وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ شیخ ابو العباس بونی رحمه الله آورده که این آیات را در وقت طلوع آفتاب و
که قمر در سرطان باشد بنویسد و چون وضع حمل نزدیک رسد آنرا بر ران چپ آن زن بندد با آسانی وضع حمل شود
آن نوشته را از وی دور کنند ایضاً و در بعضی کتب آورده که این آیات در قطعه پوست مدبوغ نویسد و پاره از
خاک آستانه مدرسه یا خانقاه یا جائی شریف بر آن نوشته کند و آنرا بر رشته ابریشمین بر ران راست بندد
با آسانی وضع حمل شود با سانیه پر باز شدن از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سورة البروج بنویسد و بر کودکی بندند که
از شیر باز خواهند کرد بر وی آسان گردد جهت پسر شدن در رحم از هر بابت که چون سورة الاعلی را بر پهلوی راست زن حامله
نویسند در ماه اول حمل گرفته باشد البته آن فرزند پسر باشد طلب فرزند و اگر سورة النجم را بر کمر گاه در میان خود خوانده هفتاد بار
و بعد از آن با زوجه خود صحبت کند فرزند رشید او را کرامت کند الله تعالی آسانی وضع حمل از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که
اگر این سوره را بزعفران بنویسند چون زن حامله آنرا با خود دارد و بندد ولادت بر وی آسان گردد قوله تعالی
إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى
وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ
حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ
عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ
بِغَيْرِ حِسَابٍ این آیات بر پوست آهو بره نویسند بزعفران و گلاب و بر تهیگاه زنی که حامله باشد بندد از همه آفات
ایمن ماند و فرزند بسلامت بزمین آید اگر بمشک و زعفران بنویسد در انبوبه از مس یا آهن نهند و بر گردن طفل بندند فزع
و جزع او کم شود و نجاوزایل (?) شود و باشد که بزرگ شود و بیر (?) با درس بسیار کند و نشو نما او مبارک و فرخنده بود جهت آسانی
وضع حمل اگر زنی را وضع حمل دشوار باشد سورة الم نشرح بر وی خوانند یا بنویسند و بشویند تا بخورد بار نهادن او آسان شود
دفع شهوة اگر کسی را شهوت بر او غالب بود مداومت بر اسم الْحَلِيمُ الرَّؤُوفُ الْمَنَّانُ شهوت از دل او زایل شود دفع
گریه کودک اگر اسم الولی والبر را بر پوست نویسد و بر کودک بندد گریستن او کم شود آسانی وضع حمل قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ

دارد سحر روی کار نکند و از خیالات فاسد ایمن شود سورة الانعام اگر بنویسد و در گردن هر جانوری
که باشد بندد و نیز در گردن اسپ از همه آفات ایمن باشد قوله تعالی وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ
لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا
وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ
مُبِينٍ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ
يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَى أَجَلٌ مُسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً
حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ
ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ
این آیه در خرقه کتان نویسد و در زیر سر نهد و از خدا تعالی درخواهد که بروی ظاهر سازد
آنچه در وی مشتبه باشد آن مشتبه در خواب به بیند اگر کسی آنرا بنویسد با وضو برابر روی
خود نهد و در خواب رود در صباح هر کس که او را ببیند او را از مغیبات خبر کند شیخ
ابو العباس بونی رحمه الله آورده که آیه وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ تا آنجا که إِلَّا فِي كِتَابٍ
مُبِينٍ بر صحیفه قلعی نویسد و آنرا در مکانی … با منزلی خود پیدا بیند خیر و برکت او را …
قوله تعالی قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ
الْخَبِيرُ اگر این آیه را بر لوحی از طلا نقش کند و با خود دارد مستجاب الدعوت گردد و همه غمهای دنیا
از دل او زایل گردد و از الله تعالی هر چه طلبد یابد قوله تعالی وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ
أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ
مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ ۝ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ
رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ ۝ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا
قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝
فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ
مِمَّا تُشْرِكُونَ ۝ این آیه را نقش کند بر لوحی آهن و با خود دارد مغیبات بر وی کشف
گردد و بر اسرار مردم مطلع گردد و علوم دقیقه بر وی آسان شود و اگر آنرا در بادیه نویسد و با
آب باران بشوید و آنرا بر اخرس ریزد یا بر کودکی که سخن نمیگوید زبان او گشاده گردد …
قوله تعالی بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ
كُلَّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ

وهو على كل شيء وكيل لا تدركه الأبصار وهو يدرك
الأبصار وهو اللطيف الخبير. اگر این را بر قطعه چوب گز نویسند
و بر روی صورت حاکمی و یا ظالمی بکشند و بنویسند بزول فلان بن فلان عن مرتبه
و در موضع تاریک بنهند در کار آن ظالم اختلاط پیدا شود. نیرنجات مستجاب
الدعا و غیره. قوله تعالی وتمت كلمة ربك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماته
وهو السميع العليم. هر کسی که خواهد که مستجاب الدعوت شود این آیه را
بر خاتم نقره یا زر نقش کند و در آخر شب وضو سازد و آن بر گیرد و دست بر
دارد و گوید خدایا بحق هذه الآیة اجب دعائی یا ارحم الراحمین
دعا را او البته مستجاب گردد. دافع الموذی [...] علی علیه الصلوة والسلام [...] خواص
بسیار است از جمله آنکه چون این را بحروف مقطعه بر کاغذی نویسند و آنرا در موم چنانکه
نوشته در بیرون باشد و بیاض در اندرون و در موم کرده در دهان نهد و با هر کسی
سخن گوید از سخن او تجاوز ننماید. دفع سحر. و اگر اسم القائم والواحد بر سبیل امتزاج
و الی فتح هر دو بر کف مسحور نویسد و آنرا بلیسد سحر او باطل. دفع ظالم. از امام [...]
منقول است که فرموده که هر کس که اسم القابض را هر شب به نیت دشمن ظالم اندر شب
هزار نوبت آن دشمن آواره گردد یا از آن موضع دور گردد. نیرنجات سارق و یا گمشده. و در بعضی
نسخها آورده که چون خواهد که چیزی در خواب بر او ظاهر شود اسم النور الباسط
والظاهر در وقت خواب در روی فراش با طهارت بخواند تا در خواب [...]
و آن چیز بر او در خواب منکشف گردد. نیرنجات در غیبت کسی. اگر اسم المبین را در ساعت اول
از روز جمعه در نگین خاتمی نقش کند و با خود دارد و برخواندن این اسم مداومت کند هرچه
از او پرسند جواب آن بر او ظاهر گردد. نیرنج در صدق. و اگر اسم حسیب و صادق را بر
طرق بر خاتمی از نقره نقش کند و با خود نگاه دارد در صدق و امانت مشهور گردد



دفع ظالم و غیره. قوله تعالی إني توكلت على الله ربي وربكم ما من
دابة إلا هو آخذ بناصيتها إن ربي على صراط مستقيم. فإن
تولوا فقد أبلغتكم ما أرسلت به إليكم ويستخلف ربي قوما غيركم
ولا تضرونه شيئا إن ربي على كل شيء حفيظ. اگر کسی از سباع یا ظالم یا از دشمنان
ترسان باشد چون بجامه خواب رود این آیه بسیار خواند از آن آفات محفوظ ماند و چون در پیش
پادشاه در آید این آیه بخواند [...] مال و نفس و زن و فرزندان از ضرر او ایمن گردد. نیرنج

در طلب دفاین. وأما الجدار فكان لغلامين يتيمين في المدينة وكان تحته كنز لهما وكان
أبوهما صالحا فأراد ربك أن يبلغا أشدهما ويستخرجا كنزهما
رحمة من ربك وما فعلته عن أمري ذلك تأويل ما لم تسطع
عليه صبرا. چون کسی چیزی در موضعی دفن کند و موضع آن پوشیده شود این آیه را در صحیفه
از زر سرخ نقش کند و سیزده بار این آیه را بر آن خواند و آنرا در زیر سر نهد در خواب رود و بر پهلوی چپ
خسبد پس از آن بر پهلوی راست گردد و بگوید یا مظهر العجائب یا دلیل کل حائر یا مرشد
کل ضال ارشدنی بکرمک ما لی اطلبت. بعد از آن در خواب رود و در خواب ببیند
آنچه مطلوب او بود و بعمل آید. در طلب دفاین. قالت يا أيها الملأ إني ألقي إلي كتاب كريم إنه
من سليمان وإنه بسم الله الرحمن الرحيم ألا تعلوا علي وأتوني مسلمين.
اگر در شرف آفتاب بر صفحه نقره نقش کند و کسی که طالب [...] و معادن باشد با خود دارد مطلوب حاصل
نیرنج در شرف آفتاب ضمیر داشتن. وإن ربك ليعلم ما تكن صدورهم وما يعلنون. وما من
غائبة في السماء والأرض [...] يقص على بني إسرائيل أكثر الذي هم
فيه يختلفون. وإنه لهدى ورحمة للمؤمنين. إن ربك يقضي بينهم بحكمه وهو
العزيز العليم. فتوكل على الله إنك على الحق المبين. إنك لا تسمع الموتى
ولا تسمع الصم الدعاء إذا ولوا مدبرين. وما أنت بهادي العمي عن
ضلالتهم إن تسمع إلا من يؤمن بآياتنا فهم مسلمون. این آیات بر پوست
مار نر نویسد و به آب باران و گلاب [...] بشوید آنرا بر سینه کسی نهد که در خواب باشد اگر کاری
کرده باشد یا در دل داشته باشد که بکند همه در خواب بگوید. نیرنج در طلب دفاین. از امام جعفر صادق
منقول است که سوره الشعرا را بنویسد و بر گردن خروس بندد و او را در خانه سر دهد که در آن خانه چیزی مدفون
باشد در آن موضع مدفون بایستد و منقار بگاود. ایضا وإنه لتنزيل رب العالمين نزل
به الروح الأمين على قلبك لتكون من المنذرين بلسان عربي مبين
وإنه لفي زبر الأولين أولم يكن لهم آية أن يعلمه علماء بني إسرائيل. خاصیت
این آیات اظهار خبایا و دفاین است این آیات را بر طوماری نویسند و در پاره جامه بپیچد از
جامه دختر بکر که بالغ نشده و آنرا بسوزن بدوزد و بر بال خروس سفید که او را دو تاج داشته باشد
ببندد و آنرا در آن مکان که مظنه باشد سر دهد در روز یکشنبه وقت [...] در آن مکان بایستد و با پای
و منقار آن موضع کاویدن گیرد و باین طریق از موضعی که پنهان کرده باشد پیدا شود و بعضی گفته اند
که بجهت دفاین این عمل را بکرد و بدو آیه فأخرجناهم من جنات وعيون
وكنوز ومقام كريم. نیرنج در دانستن [...] الله يعلم ما تحمل كل

أُنثَى وَمَا تَغِيضُ الأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِندَهُ بِمِقْدَارٍ • عَالِمُ
الغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الكَبِيرُ المُتَعَالِ • و چون خواهد که خبر یابد که بطن حامله پسر است
یا دختر یا موضع دفاین معلوم کند یا بداند که مریض بهتر شود و امثال اینها اول طهارت کند و بوی
خوش بکار دارد و روزه بدارد در روز دوشنبه و شب سه شنبه بطهارت در خواب رود
و در صباح سه شنبه پیش از طلوع آفتاب این آیات بر خرقه سبز نو نویسد بگلاب و زعفران و آنرا
بعود و عنبر بخور کند پس آن خرقه را در حقه نهد و بپوشد چنانکه مهتاب نه بیند پس در شب چهارشنبه
بعد از نماز خفتن که بخوابگاه خود آید و بگوید یا عالم السر والخفیات الاموری • یا من هو
علی کل شیء قدیر • اطلعنی علی کل ما ارید انک علی کل شیء قدیر • بعد از ان
ذکر لا اله الا الله بگوید تا در خواب رود پس آنچه مطلوب او بود در شب بخواب بیند و اگر در آن
شب مطلوب حاصل نشود روز پنجشنبه روزه دارد و شب جمعه بهمان دستور عمل کند البته در خواب
مطلوب خود به بیند جهت شناختن زر قلب وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا
رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ • چون کسی خواهد که زر قلب و مغشوش شناسد این آیه را بخواند در آن
زر را از روی بروی دیگر گرداند قلبی و غشی آن که بود ظاهر گردد همچنین هر چیزی دیگر را که خواهد
که شناسد آن چیز بدست گیرد و این آیه بخواند اگر عیبی داشته باشد ظاهر گردد جهت در شروع کردن
در کاری و در بعضی کتب آورده اند که چون خواهد که در کاری شروع کند این آیه سوره القصص فَخَرَجَ
مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ • وَلَمَّا تَوَجَّهَ
تا آنکه سَوَاءَ السَّبِيلِ • ساعت هشتم از روز جمعه پانزده بار بخواند و بعد از ان در آن کار شروع
کند آن کار بر او آسان گردد حفظ اسب از امام جعفر صادق ع منقولست که سوره فاطر را بنویسد
و بر گردن اسب بندد از دزد و آفات محفوظ ماند جهت صلاح [illegible] أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُم
مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ • وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ
وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ • وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ • چون اسپ حرون
باشد این آیه را در گوش راست او خوانند بصلاح جهت ظهور خیر و برکت از امام جعفر صادق ع گفت که
سوره والصافات جهت ظهور برکت در خانه و برآمدن مهمات هفت بار بخوانند [illegible] وَالصَّافَّاتِ
صَفًّا • فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا • فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا • إِنَّ إِلَٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ • رَّبُّ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ • إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ •
وَحِفْظًا مِّن كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ • لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ وَيُقْذَفُونَ
مِن كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا • وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ • إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ
شِهَابٌ ثَاقِبٌ • چون کسی کند دو دست و دوش بخور کند و این آیات بخواند و بگوید که احضر یا فلان

بن فلان و نام پدر آنرا که خواهد از ملوک پس حاضر شود باذن الله تعالی جهت [illegible] رَفِيعُ
الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ • يَوْمَ هُم بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ
الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ • الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ
اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ • و چون این آیات بر پوست آهو نویسد در آن وقت با طهارت
باشد و بر سینه کسی نهد که در خواب باشد همه احوال که بر او گذشته باشد باز گوید آنها را او را
نگاه دارد طلب دفینه لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ
وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ • شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا
وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا
الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ • مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ
يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن يُنِيبُ • چون این آیه را بنویسد بر پوست
بره سفید باب برگ کاسنی و صبر سقوطری و زعفران و آنرا در [illegible] و در قطعه صوف سرخ
گیرد و در گردن خروسی بندد که دو تاج دارد و کبود رنگ است بیاورند و این خروس را در اول
روز سه شنبه سر دهند در موضعی که مظنه خزینه است در مکانی که باشد آن خروس آنجا بایستد
و آنرا بمنقار و به پای بکاود جهت رام شدن اسب و استر وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ • الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ
مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ • وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ • وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا
وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ • لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا
نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ
لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ • وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ اگر این آیه را [illegible] بر
پوست آهو نویسد و بر گردن اسب بندد و استر هم که رام نباشد رام گردد جهت [illegible]
عزایم و غیره وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ
قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ • قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا
كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ
طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ • يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ

وَيُجِرْكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ
مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ هرکس که این آیات را بخواند در آخر
هر عزیمتی که جهت پری میخوانند او را اجابت کنند کس را از ایشان که بخواند حاضر سود
تعویذ در دانستن ضمیر يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ نَحْنُ
أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ
این آیه را چون بر پوست آهو نویسند با آب نیل و بر کسی نهند که در خواب بود اخبار کند در خواب
آنچه در ضمیر او بود تعویذ در طلب دفاین زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى
وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ چون این آیه که کسی در خانه
چیزی دفن کند و مکان او فراموش کند آن موضع را نگیرد نحو رکنند و این آیه را در کاغذی نویسد
با آب باران بشوید و بر چهار دیوار خانه بپاشند و آن روز در خانه را ببندند در شب آن
مکان در خواب ببیند یا در صباح که در خانه در آید آن موضع در خاطر آورد و اگر هیچ از آن واقع نشود
بداند که آن دفین را از آن زمین برده اند ایضا و گفته اند اگر موضعی که گمان برده که گنجی باشد خواهد
که بدست آرد هفت روز روزه دارد و هر شب بعد از نماز خفتن سوره الملک را چهارده بار بخواند
در نماز پس طلب کند مطلوب را و مقصود حاصل گردد تعویذ در صحت بیمار اگر سوره القیمة را بر
صحیفه از نقره نویسد در روز یکشنبه پیش از طلوع آفتاب و قمر با مشتری در سرطان بود و هر کس
این صحیفه با خود نگاه دارد چون کودکی بگذارد که میگریسته باشد ترک گریه کند و اگر بدیوانه رسد
هشیار گردد و اگر آنرا بر موضع زخم مار و کژدم نهند آن زهر بیرون آید تعویذ در طلب سحر اگر
سوره التکویر در خانه بخوانند که سحر در آن خانه مدفون است و موضع آن معلوم شود انشاء الله تعالی آن را
ظاهر کند و شر آن دفع کند تعویذ در حیا با اگر سوره الزلزال را بر قطعه از جامه کسی نویسد
نام او و نام مادر او بنویسد و آنرا در درون هدی نهد و ببرد و بعد از نیم شب اول جبله د
زمستان آنرا بر سینه کسی در خواب آنرا سرار او افعال خود خبر کند دفع آفات اسب و سوره وَالْعَادِيَاتِ
ضَبْحًا فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا
این آیات را بر عاج نقش کند بطالع ثور و قمر در طالع و آنرا در گردن اسب بندد از همه آفات محفوظ
ماند و هیچ اسبی بر او سبقت نگیرد تعویذ در طلب دفاین إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ذِي
قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ وَلَقَدْ
رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ این آیات

١١١

بر روی سرخ نویسد در روز یکشنبه بوقتی که آفتاب در اسد باشد و قمر مسعود و آن خاتم را در
انگشت کند بهر موضعی که بگردد و در آن چیزی مدفون باشد آن چیز را بر وی مکشوف گردد جهت خوش
شدن اسب کودن بند اگر سوره الانشقاق بنویسد و در چرمی پیچد و در گردن اسب آویزد آن
هم علل و آفات محفوظ ماند جهت خوش خوردن آب شدن چهارپایان اگر چهارپایی باشد
که آب نیک نمیخورد سوره والشمس را بزعفران در ظرف زنگین نویسد و بیت بار این سوره
بر آن خوانند و باب چاه بشویند آن آب را در معلف چهارپایان باشد این علت از او زایل گردد
ایضا وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا چون کسی را چهارپایی باشد که آب و علف
کمتر خورد این آیات را بر طبقی زنگین نویسد بگلاب و زعفران پس همین را بران آب نوشته
بیست و یکبار بخوانند و آن نوشته بشوید باب چاه و این آب را بران علف چهارپای پاشد
سه شب بدین طریق عمل کند آن صفت زایل گردد تعویذ در یافتن چیزها بعضی از اهل علم گفته اند
که سوره والضحی را اگر بخوانند بر چیزی که پنهان کرده باشند و موضع آنرا فراموش کرده باشند
که موضع آن معلوم شود و اگر چیزی گم کرده باشند این سوره هفت بار بخوانند و بعد از آن بگویند که
يَا صَانِعَ الْعَجَائِبِ يَا رَادَّ كُلِّ غَائِبٍ يَا جَامِعَ الشَّتَاتِ يَا مَنْ مَقَالِيدُ
الْأُمُورِ بِيَدِهِ رُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِي وَاجْمَعْ عَلَيَّ ضَالَّتِي فَإِنَّهُ لَا جَامِعَ إِلَّا أَنْتَ
انرا بیابد انشاء الله والله اعلم بالصواب

باب سیم در ازدیاد ذهاب و ترک حرص

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ
ضَعِيفًا این آیات را بر پوست گوسفندی که مذبوح باشد بنویسند و با خود دارند از راه رفتن
مانع نشود و قطع بیابانها بر او آسان گردد قوله تعالی قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا
أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ این آیه جهت
دفع مسافت است از سنگ یکم و سنگی از راهی که آنکس بران راه خواهد رفت و این آیه را بر آن سنگ
نویسد و نام آنکس بران نویسد و آن سنگ را در چاهی اندازد آنکس تواند که سفر کند مادام که
آن سنگ در آن چاه باشد آسانی در رفتن سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ
السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ
أَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكِيلًا ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ

عبداً شکوراً هر که سه روز از وسط ماه محرم روزه دارد پس این آیات را
بر پوست آهوی مدبوغ نویسد بمشک و زعفران پس همین آیات را بر ادیم منطقه نویسد
و بکندر مصطکی انرا بخور کند و منطقه را بر میان بندد و پوست آهو را بر بازوی راست بندد در هر
راه رود و هر کاری که سخت کند مانع نشود **در منع از سفر** الم تر الی الذین نافقوا یقولون
لاخوانهم الذین کفروا من اهل الکتاب لئن اخرجتم لنخرجن معکم ولا نطیع
فیکم احدا ابدا وان قوتلتم لننصرنکم والله یشهد انهم لکاذبون لئن
اخرجوا لا یخرجون معهم ولئن قوتلوا لا ینصرونهم ولئن نصروهم
لیولن الادبار ثم لا ینصرون ۝ و چون خواهند که کسی بیرون نرود قطعهٔ از جامهٔ او بدست
آرد این آیات را بر ان نویسد و در راهی که ازان راه خواهد رفت زیر کند چون بآن موضع در نتواند
گذشت و ترک سفر کند **جهت امان در سفر** اگر سورهٔ القریش را بر پوست آهو نویسد در وقتی که قمر در تثلیث
باشد بایستد پس انعکاس آن نوشته در طاقه بندد با دستار خود نهد و در سفر با خود دارد و این
سوره بخواند ایمن باشد از گرسنگی و تشنگی و ترس ایمن باشد و خیر و برکت بسیار در سفر
حاصل آید **محفوظ ماندن در سفر** آورده اند که چون کسی قرائت سورهٔ صف مداومت نماید در ان
سفر از همه آفات ایمن باشد و بسلامت بوطن باز رسد **دفع مانده نشدن از راه رفتن** اگر سورهٔ
اللیل را در روز اول ماه بر قطعهٔ از نقره نویسد و از انگین خاتم امین سازد و آن خاتم را در
دست کند از رفتن در کوه و بیابان مانده نشود و مسافتهای دور برود و طی کند **حفظ در سفر** اگر سورهٔ
العلق را نویسد و با خود دارد در سفر از همه آفتها و بدیها محفوظ ماند تا وقتی که بوطن باز رسد
دل اویز الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکوة فیها مصباح
المصباح فی زجاجة الزجاجة کانها کوکب دری یوقد من
شجرة مبارکة زیتونة لا شرقیة ولا غربیة یکاد زیتها یضیء
ولو لم تمسسه نار نور علی نوره من یشاء ویضرب الامثال للناس
والله بکل شیء علیم ۝ فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمه یسبح
له فیها بالغدو والاصال ۝ رجال لا تلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله و
اقام الصلوة وایتاء الزکوة یخافون یوما تتقلب فیه القلوب والابصار
لیجزیهم الله احسن ما عملوا ویزیدهم من فضله والله یرزق من یشاء بغیر
حساب ۝ چون این آیات را بر خرقهٔ کبود بزعفران و گلاب نویسد و اسم غایب و اسم مادر
غایب بران نویسد دائما در خانهٔ آن غایب بر پای او یزد آن غایب برودی مراجعت کند والله اعلم بالصواب

باب سیوم هم در سهولت طلب علم و صلاح و طریق سوگند خوردن و آسانی صید و جهت بخت

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون ۝
فرحین بما آتیهم الله من فضله ویستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم الا
خوف علیهم ولا هم یحزنون یستبشرون بنعمة من الله وفضل وان الله
لا یضیع اجر المؤمنین ۝ این آیه را در شب نوروز بر صفحهٔ آهن نویسد و آن را بآب
باران بشوید و آن آب را بعد از نماز فرض بخورد و بعد از پنج نماز بتحصیل علم قادر گردد و صلاح و
تقوی حاصل آید و دلیر گردد **قوت اعمال** اذ قال الله یا عیسی ابن مریم اذکر نعمتی علیک
وعلی والدتک اذ ایدتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد وکهلا
واذ علمتک الکتاب والحکمة والتوریة والانجیل واذ تخلق من الطین
کهیئة الطیر باذنی فتنفخ فیها فتکون طیرا باذنی وتخرج الموتی
باذنی واذ کففت بنی اسرائیل عنک اذ جئتهم بالبینات فقال الذین کفروا
منهم ان هذا الا سحر مبین ۝ این آیات بر لوحی از زر سیاه بنویسد در وقت
غروب آفتاب روز جمعه اول ماه با خود دارد بر تکلم بمغیبات قادر گردد و از علوم دقیقه
و هندسه چیزها برو ظاهر گردد که هرگز بخیال او نرسیده باشد **آسانی تعلیم علم** الر کتاب
انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور باذن ربهم الی
العزیز الحمید ۝ این آیه را بر قدحی نویسد و بآب خالص بشوید و این آیه را چهل بار بران خواند
و در مسجد بیاشامد تعلم علوم بران کس آسان گردد **طریقه سوگند خوردن** در خواص سورهٔ المجادله آورده
اند که چون کسی چیزی را منکر شود و خواهند که سوگند دهند مدعی و مدعی علیه هر دو وضو سازند
و در ما بین نماز پیشین و نماز دیگر روز جمعه این سوره بخوانند و انگشت مسبحه مدعی علیه را
بر این دو ورق نهد و بگوید او را سوگند بخور بحق الکسی که این سوره و این کتاب را فرستاده
که حق من در ذمهٔ تو نیست اگر بدروغ سوگند خورد کور شود یا در همان روز به بلا و عقوبتی گرفتار گردد
و اگر اقرار کند و توبه نماید **جهت صید** اگر ذو الجلال والاکرام بر صحیفهٔ از زر نقش کند و بر دام
صیاد بندد صید بسیار بدام درآید **جهت صید** هو الذی سخر البحر لتاکلوا منه
لحما طریا وتستخرجوا منه حلیة تلبسونها وتری الفلک فیه مواخر و
لتبتغوا من فضله ولعلکم تشکرون ۝ والقی فی الارض رواسی ان
تمید بکم وانهارا وسبلا لعلکم تهتدون ۝ وعلامات وبالنجم هم
یهتدون ۝ این آیات را جهت صید ماهی است بگیرد قطعهٔ از صدف پاک و هر دو روی آن را

روشن سازد و یک روی تعلیم فولاد این نقش کند و در روی دیگر صورت ماهی یا مرغ یا
حیوانی دیگر که اراده صید او باشد و این عمل باید که در روز دوازدهم تشویش الثانی باشد
پس آن لوح برگیرد و بیرون آورد هر شب و این آیه را هفت بار بران خواند تا دوازده شب
این طریق عمل کند پس آنرا برگیرد و بخیط ابریشم به بندد و نام آن حیوان که صید او مطلوب
بود بر زبان راند و دام بنهد که البته بدست آید خالی نیست جهت تیر انداختن از امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست سوره بنی اسرائیل را بر حریر سفید نویسد پس آنرا در پیچد و بدوزد و با خود دارد
هر تیر که میندازد خطا نشود جهت صید شیخ ابو العباس بونی رحمه الله علیه آورده که این آیه
اَللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ • این آیه در قطعه ارزیز شبکه صیاد نقش کند در ساعت چهارم از
روز جمعه و آنرا بخور کند بگلنار زرد آلو و آبر دام صیاد ببندد همه جانوران بحر منقاد او گردند
و بدام در آیند جهت صید و در بعضی کتب آورده که سوره النصر در ارزیز نقش کند و آنرا
در شبکه بندد ماهی بسیار بان شبکه در آید جهت گشاده شدن بخت دختر از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که بجهت دختران و تزویج ایشان و دشمنان جهت و یکبار بخوانند سوره طه
و ابو عبد الله یافعی آورده که این سوره را بر حریر سبز نویسند و کسی که داعیه تزویج داشته باشد نزد
قومی آنرا بخود دارد مقصود او حاصل گردد و اگر سوره طه بنویسد و بشوید
و دختری که در خانه مانده باشد باین آب غسل کند تزویج او را بزودی اتفاق افتد جهت بخت
دختران از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که اگر دختری در خانه مانده باشد که کسی او را خواستگاری
نماید و سوره الاحزاب بنویسد بر پوست آهو و یا بر کاغذی و در حقه نهد و آن حقه در خانه
آن دختر نهد خواستگاری آن دختر زود بشود جهت دختران إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا
لِيَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ
صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا • وَيَنْصُرَكَ اللّٰهُ نَصْرًا عَزِيزًا • اگر این آیه بزعفران نویسد
بر جامه زنی که بی شوهر مانده باشد بزودی او را شوهر پیدا شود اوراد ذی الحجه رسول فرمود
صلعم که هر که سوره الفجر در شبهای دهه اول ذی الحجه بخواند گناهان او آمرزیده شود اگر پیغمبر صلعم
را در خواب بیند از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر کس که سوره الکوثر را در شب جمعه هزار
بار بخواند و با وضو بخسپد حضرت پیغمبر صلعم را در خواب بیند بشرطی که طعام حلال خورده باشد
جهت طول عمر پیغمبر فرمود صلعم که هر که قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَقُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ و معوذتین
بسیار خواند عمر وی دراز گردد والله اعلم باب نوزدهم در معرفت مواضع و

خواندن آن و ثمره اشجار و دفع زیرخیز و اجابت دعا أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا
قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَٰذِهِ اللّٰهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللّٰهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ
بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ
مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ
وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا
فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللّٰهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ • هر که این آیه را هو نویسد در ساعت
پنجم در روز یکشنبه بدوات که پیش ازان که خط نوشته باشند بشرط آنکه با وضو بوده باشد
پس آن خرقه پاک بجد در سر استان یا در طاحونه معطله یا قریه معطله دفن کند معمور شود باذن
الله تعالی و اگر آنرا در ظرف پاک نویسد بزعفران و با آب باران بشوید و سه نوبت چنین کند
و آن آب را در اصل درختی که بار کمتر می آورد در ریزد بار بسیار آرد آبادانی منزل
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا قَيِّمًا
لِيُنْذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ
الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا مَاكِثِينَ فِيهِ أَبَدًا • خاصیت این آیات
آبادانی منازل است و طیب و عیش بنویسد این آیات را در ظرف پاک و بشوید آنرا از
آب باران و بپاشد آن آب را در اول هر ماهی بر چهار دیوار های خانه چنانکه بچکد از ان
بر زمین بجکد مطلوب حاصل گردد ایضا أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا
يُؤْمِنُونَ • بگیرند قدری آب باران خریفی و این آیه را هفتاد بار بران خوانند در شب بشرطی که
با طهارت باشد در موضعی که کسی او را نه بیند و در چهار رکن زمین یا خانه باشد آبادانی
و معموری بسیار پیدا گردد و اگر این آب هفت روز متوالی هر روز یک جرعه بخورد دل او رقیق
شود و موعظه قبول کند ایضا إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ
وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ • چون صایم با طهارت این را بگلاب و مشک
و زعفران بنویسد پس سوره یس تمام بر و خوانند و بآب باران آنرا بشوید در ماه کانون
الاول در روز پنجشنبه این آب را در زمین ویران پاشد معمور و آبادان گردد جهت ویران کردن خانه
وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا
وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا • فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا
خُسْرًا أَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا • چون این آیه را بر استخوان مار بنویسد در مکان

ظالم و مبتدع اندازد در وقت طلوع زحل و باید که قمر نحوس بود در برج آن مکان ویران شود خانه اباد ان نبود **قوله تعالی** فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ • و اگر این آیه را با آب ریحان در طشت مسین بنویسند و بشویند باقی که یک شب زیر در او آغشته باشد و در خانه بپاشند دو کرت جنس گشته کیک و پشه از ان خانه بگریزد **دفع پشه** قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا قَالَ هَٰذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا • وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا • از عبدالله ابن عباس رضی الله عنه منقولست که چون سپش بر کسی غلبه کند این آیه را بسیار خواند از ان خلاص گردد **دفع سم مار و عقرب و غیره** وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ • وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ • وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ • وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ • سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ • این آیات را در لوحی از مس یا از زر یا نقره یا چوب محکم کند که اندران عیب نباشد یا در قطعه سفال نقش کند و بعد ازان کتابت سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ • بنویسد و عَلَىٰ أَنْبِيَائِهِ أَجْمَعِينَ • و باید که نقش کردن در شب اول کاتب اول باشد و نقاش بر طهارت بود و در هر حرف که بنویسد یکبار بر کوکب سهی نظر کند و بگوید نَظَرْتُ إِلَى سُهَى السَّمَاءِ وَكَفَيْتُ شَرَّ الْحَيَّةِ وَالْعَقْرَبِ وَالْأَفَاعِي • پس چون نقش آن تمام شود نیم شب انرا بیرون آرد بموضعی که حایل نباشد میان آن و آسمان نباشد و مواجه بنات النعش بایستد و بگوید عَقَدْتُ الْعَقْرَبَ وَسُمَّهَا وَالْحَيَّةَ وَضَرَّهَا وَالْأَفَاعِيَ وَشَرَّهَا وَالثُّعْبَانَ كَمَا الْعَقْدِ الَّذِي أَخَذْتُهُ الْمِيثَاقَ مِنْ كُلِّ رَطْبٍ وَيَابِسٍ وَبِالْقُدْرَةِ الْأَزَلِيَّةِ الْعَظِيمِ • لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ • و بعد ازان این آیات را بخواند ده شب باین طریق عمل کند و باید که در وقت خواندن آیات و دعا آن لوح بر کف دست راست نهد مواجه آسمان چون عمل تمام شود آن

ذریته

لوح را در جامه پاک پیچد و نگاه دارد چون کسی را زهر دهند یا مار و کژدم بگزد این لوح را در آب اندازد و ازان آب باو دهند شفا یابد **دفع کیک** وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ • این آیه را بر قدری آب خوانند هفت بار بعد ازان هفت بار بگوید إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَكُفُّوا شَرَّكُمْ عَنَّا أَيَّتُهَا الْبَرَاغِيثُ وان آب را در حوالی خانه خود بپاشد از کیک ایمن شود و اگر این آیه را شبلید به نیت دفع مضرت کیک بخواند آن شب از مضرت کیکان ایمن شود **دفع شر حاکمان ظالم** سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ • وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ • وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ • چون نزد حاکمی ظالمی رود و ترسان باشد از انکه حیفی برو رود یا دروغ گواهی دهند این آیه را در وقت در آمدن نزد حاکم هفت بار بخواند و بعد ازان بگوید ۳ بار وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ خدای تعالی او را کفایت کند و باو ضرری از ظالم نرسد **جهت ویران کردن قلعها و حصارها** لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ • فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ ذَٰلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ • این آیات را جهت ویران کردن قلعها و حصارها بر سفالی نو بنویسند و بگویند بحق هذه الاسماء اخذ هذا المکان و نام آن موضع را ببرد و این نوشته دران موضع دفن کند دیگر آباد انی نه پذیرد **جهت تفرقه زنبور انگبین** تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ • چون این آیه را بر خانه زنبور انگبین بنویسد ازان خانه بروند و متفرق شوند **جهت زوال ملوخ** فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ • فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ • فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ • أَنِ اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ • فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ • أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مِسْكِينٌ

وَغَدَوْا عَلَىٰ حَرْدٍ قَادِرِينَ. فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ
چون اهل قریه یا موضعی بفسق و فجور گرفتار باشند و وعظ و نصیحت در ایشان کار نکند و
خواهند که آن قریه و موضع ویران شود این آیه را بر لوحی از آهن نقش کند در طالع دوم از
حمل بشرطی که قمر در طالع باشد و در وقت نقش کردن آن قریه و موضع بر زبان باشد
و این لوح را در آن قریه و موضع دفن کند مطلوب حاصل آید جهت خراب کردن عمارت
وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا فَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا فَالْفَارِقَاتِ
فَرْقًا فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا عُذْرًا أَوْ نُذْرًا إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ فَإِذَا النُّجُومُ
طُمِسَتْ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ
لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ لِيَوْمِ الْفَصْلِ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ. أَلَمْ نُهْلِكِ
الْأَوَّلِينَ ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
لِلْمُكَذِّبِينَ چون خواهند که عمارتی ویران شود و یا سرای ظالمی یا حصاری و یا
قلعه که مسلمانان از او متضرر باشند این آیات را بر لوحی از سنگ نویسند بشنجرف در
روز سه شنبه آخر ماه که قمر در عقرب باشد بوقت طلوع آفتاب و آن سنگ را در زیر
دیوار آن موضع پنهان کند مقصود حاصل آید جهت ویران کردن بنا وَثَمُودَ الَّذِينَ
جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ
فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ إِنَّ رَبَّكَ
لَبِالْمِرْصَادِ و این آیات را بر هفت برگ بید نویسند بشیر و صبر که از آب آهنگران حل کرده
باشد و برگها را در سایه خشک کند و نرم بسایند و قدری خردل با آن اضافه کند پس از آن بپاشد
در موضعی که خواهند و آن موضع ویران شود و عجایب مشاهده کند جهت خراب بنا فَدَمْدَمَ
عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا جهت تخریب بنای ظالم این
سوره را تمام بنویسد بر سفال و همین آیه را هفت بار بر پاره خاک خواند پس آن سفال را بکوبد
و با این خاک در خانه آن ظالم ریزد خرابی واقع شود جهت فیروزیات در فتح دشمن چون
کسی ترسان بوده باشد از آنکه چون سوره الفیل را بخواند قوی دل گردد و بجنگ شروع کند
و چون در موضعی فاسقی یا مبتدعی که مسلمانان از او متضرر باشند این سوره بر قطعه سفال کهنه
نویسد و در اساس سرای آن شخص پنهان کند مادام که در آن موضع باشد سنگ در آن خانه
می‌آمده باشد و هیچ کس نداند که آن سنگ از کجا می‌آید جهت غالب شدن بر خصم شیخ ابو العباس
بونی رحمه الله آورده که سوره النجم در قطعه جامه کبود نویسد در روز شنبه در ساعت عطارد

بشرطی که قمر مسعود باشد و آن را در طاقچه یا در دستار خود نگاه دارد با هر که مجادله کند و خصومت
نماید غالب آید جهت برطرف کردن محبت خمر از خمار يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ
فَأَنْذِرْ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ وَ
لِرَبِّكَ فَاصْبِرْ بگیرد قطعه از پوست نارنج و این آیات را بسوزنی که کار نفرموده
باشد بر آن نویسد بوقتی که قمر در درجه دوم سرطان بود و آن را به برگ مورد بخور کند و در آب
پاک اندازد و آن را بشراب خواره دهند چنانکه او نداند محبت شرب خمر از دل وی بیرون رود
و مدت العمر بار دیگر شراب خوردن نرود دفع حمله کلب يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ
أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا
تَنْتَصِرَانِ چون این آیه بر حمله کردن سگ بخواند ضرر نتواند رسانید و خفت یابد ایضا
از شیخ ابو العباس بونی رحمه الله منقولست که این آیات را با آیتی دیگر يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ
بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ بر صحیفه از فضه نقش کند در ساعت دوم
از روز دوشنبه و بگذارند بر پوست بروج بخور کند چون آن را بر سر مصروع نهند بهوش
باز آید و از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست و اگر آن را با خود نگاه دارد سگ برو بانگ
و حمله نتواند کرد باذن الله تعالی

باب در ختم سوره قرآنی و حاجت

از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر کس که چهل و یک نوبت سوره فاتحه الکتاب بخواند در میان
نماز سنت و فرض بامداد آب بیمار شفا یابد ایضا از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که اگر کسی
را حاجتی باشد چهل و یکبار سوره انعام بخواند حاجتش روا گردد و اگر میسر شود که در یک مجلس
بخواند بهتر باشد ایضا و از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که اگر سوره الانبیاء را هفتاد و پنج بار
بخواند بر دشمن ظفر یابد ایضا و از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره فرقان را جهت هلاک دشمن
صد و هفت نوبت بخواند مرادش حاصل گردد ایضا و از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره
النحل هر کس که یک هفته هر روز یکبار بخواند مهمات او را الله تعالی کفایت کند و دیگر بجهت اداء شکر
نعمت حق تعالی ده بار بخواند ایضا از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره یس بجهت کفایه
جمیع مهمات هفتاد بار و بر روایتی بیست و یکبار بخواند و مشهور است که چون کسی را حاجتی باشد
هفت روز هر روز هفت نوبت سوره یس بخواند و ثواب آن بروح هفت سلطان بخشد و هر
نوبتی بروح یک سلطانی و در این سوره هفت لفظ مبین در آخر هفت آیه واقع شده هر
لفظ مبین برسد آن حاجت بخاطر گذراند و حضرت الله سبحانه و تعالی در خواهد بحسن خاطر

ان حاجت بر آورده بود و صحیح و صحت این تجربه حاصل شده است اسامی هفت
سلطان خراسان سلطان ابراهیم ادهم سلطان بایزید بسطامی سلطان ابو سعید ابوالخیر
سلطان محمود غازی سلطان سنجر ماضی سلطان اسماعیل سامانی و در بعضی نسخ
آورده بعد از سلطان خراسان سلطان اویس قرنی آورده و سلطان اسمعیل سامانی
را ذکر نکرده ایضا از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره زمر را بجهت حصول عزت
هفت بار بخوانند مراد حاصل آید ایضا از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره شوری
بجهت دفع ترس از دشمن سه بار بخواند کفایت کند ایضا و مشهورست ختم سوره انا فتحنا لک
فتحا مبینا تمام سوره از جهت فتح و جمعیت و طریقه اش آنست که روز اول یکبار
بخواند و روز دوم دو بار و روز سیم سه بار و همچنین هر روز یکبار زیاده کند تا چهل و یک روز
چهل و یکبار بخواند و این ختم تمام در ایام رمضان باشد تمام شود اولی و انسب بود
ایضا ابتدا انا فتحنا از روز شنبه باید کرد و روز شنبه شش نوبت بخواند
و پنج روز دیگر تا پنجشنبه هر روز هفت نوبت بخواند چنانچه مجموع چهل و یک نوبت باشد
روز پنجشنبه بروزه بود و هر روز بعد از ختم بدین طریق عمل کند کرد و سوره اذا جاء سه نوبت
بخواند و سوره اخلاص نوبتی و سوره قل اعوذ برب الناس سه نوبت و سوره لایلاف
قریش هفت نوبت و آیة الکرسی یکنوبت و ان یکاد الذین تا آخر یکنوبت بخواند و بعد از این دعا
بخواند اللهم انت خلقتنی و لم اک شیئا و رزقتنی و لم املک شیئا و علمتنی
و لم اعلم شیئا رب انی ظلمت نفسی و ارتکبت بالمعصیة و انا مقر بالذنوب
ان غفرتنی فلا ینقص من الملک شیئ و ان عذبتنی فلا یزید فی سلطانک
شیئ رب انک تجد من تعذب غیری و انا لا اجد من یرحمنی غیرک اسالک
بقوتک ان تغفر لی و ترحمنی و ترزقنی و تهدینی و تعطینی و تقضی حاجتی
یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین
و الحمد لله رب العالمین ختم از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سوره
ق را بجهت روشنایی چشم و کوری شب هشت جمعه هر جمعه سه بار بخوانند مراد حاصل آید
ختم و از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که بجهت ترس از پادشاهان هفتاد بار سوره القمر بخوانند ایمن
ختم از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون خواهند که میان دو لشکر صلح کرده سوره واقعه را صد و هشت
نوبت بخوانند بکفایت برسد و الله اعلم بالصواب

